

آموزشی ابتداری

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجو-معلم‌ان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و نهم | آذرماه ۱۴۰۴ | شماره‌ی بی‌دری ۴۸ | ۲۳۲ صفحه
www.roshdmag.ir

۳



**توصیفی
برای پیشرفت**

خوب

قابل قبول

تلاش
بیشتر

نیاز به

ISSN : 1606-9102



إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ

ماهانمای آموزشی، تحلیلی و
اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان
و کارشناسان
وزارت آموزش و پرورش

دوره بیست‌ونهم | آذر ماه ۱۴۰۴ | شماره
پی‌درپی ۲۲۲ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.
قیمت ۳۰۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



نشانی‌کاتال رشد آموزش ابتدایی در پیام‌رسان شاد
@roshd_amoomezesh_ebetdaei



درگاه ورود به سامانه‌ی
فروش و اشتراک



nazar.roshdmag.ir
برای ثبت نظرات شما
در مورد این مجله

به نام خدا

اللهم صلِّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی

سردبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکترفاطمه وجدانی، دکتر معصومه فروش،

مریم پراکنده، امیرذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسانژاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱

فهرست

۲ ارزشیابی؛ آینه‌ی یادگیری، چراغ راه آموزش | مهدی رضایی

۴ مناسبت‌های ماه | مریم ملکی

۶ اشاره‌های گره‌گشا | مریم خدادادی، زهرا یوسفیان‌اهور

آموزش

۸ نوای خوش یادگیری | مریم شهرآبادی

۱۰ ارزیابی محور یادگیری | سمیه مهتدی

۱۲ نگاهی به ساختار آموزشی انگلستان | سیدسعید قاضی میرسعید، حمید زینلی، محمدجواد کشانی،

امیرحسین حمزه

۱۴ اکنون نوبت معلم است! | سیدعلی عبداللهی حسینی، عذرا بیگم هژبری

۱۶ مسیر مدرسه، از فصل تا وصل | محمدعلی کیریایی

۱۸ از فرایندی ایستا، تا رویکردی پویا | ژارمن یولیدسن‌نسان

۲۰ بچه‌های جنگ | زهراسادات چیره‌دست، نجمه غلامی

در کلاس

۲۴ کاسه‌ی هشت ضلعی | پری حاجی‌خانی

۲۶ یک کلاس، پای کار | محمد سبحانی، حمید توانا، حانیه تلافی، زهرا سادات نورانی

۲۹ دستیار باهوش آموزش | کیوان جمشیدی

۳۲ مدرسه در گذر زمان | عبدالرسول بهرامی‌نژاد

۳۶ چاپخانه‌ی کوچک کلاس | مریم اسدی

۳۸ زیست بوم امروزی | حامد شاکریان

تجربه

۴۰ تجربه‌ی حیابی | مهدی میرزایی

۴۲ راهنمایی معلمان | یاسمن نادعلی‌زاده

۴۴ دیکته‌های خط‌خطی | سلیمان گندوسیدان

۴۶ لولوی روز اول! | خدیجه فتح‌الله

۴۸ هندوانه‌باران! | مریم رسولی



در نقشه، پراکندگی فرهنگی‌گمان مشارکت‌کننده از هر استان را در این شماره می‌بینید.



قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. • قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی و آموزشی باشد. • روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. • چکیده داشته باشد یا هدفها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. • اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است: • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



مهدی رضایی

ای جهان دیده بودِ خویش از تو
هیچ بودی نبوده پیش از تو

در بدایت بدایت همه چیز
در نهایت نهایت همه چیز

ای بر آینده سپهر بلند
انجم افروز و انجمن پیوند

آفریننده‌ی خزائن جود
مبدع و آفریدگار وجود

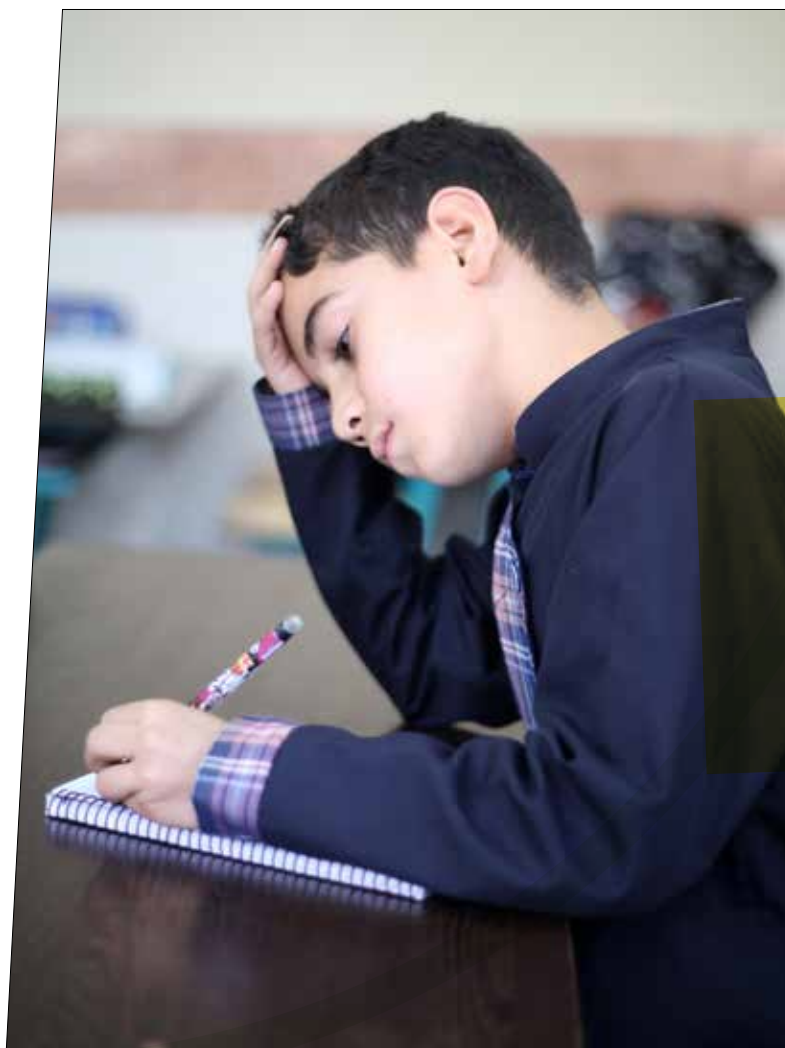
سازمند از تو گشته کار همه
ای همه و آفریدگار همه

هستی و نیست مثل و ماندند
عاقلان جز چنین ندانندند

نظامی گنجوی

آموزگاران گرامی و همراهان اندیشه‌ورز نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی، هر سال تحصیلی برای ما، آموزگاران و همراهان مسیر تعلیم و تربیت، فرصتی دوباره برای بازاندیشی در شیوه‌های یاددهی و یادگیری است. مهرماه که آغاز می‌شود، دل‌های کوچک و پر امید کودکان کلاس‌های درس را روشن می‌کنند و ما را به اندیشیدن دوباره درباره‌ی رسالت معلمی فرامی‌خوانند. اکنون که به آذرماه رسیده‌ایم، فرصتی فراهم آمده است تا در کنار هم به یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین موضوعات نظام آموزشی بیندیشیم؛ ارزشیابی. ارزشیابی آموزشی، نه فقط ابزاری برای اندازه‌گیری، بلکه قلب تپنده‌ی فرایند یادگیری است. همان‌گونه که پزشک با تشخیص درست مسیر درمان را روشن می‌سازد، معلم نیز با ارزشیابی دقیق و بجا، راه یادگیری را هموارتر می‌سازد و به دانش‌آموز کمک می‌کند تا توانایی‌ها، کاستی‌ها و استعدادهای خود را بهتر بشناسد. ما در این شماره از نشریه تصمیم گرفته‌ایم «ضرورت، اهمیت و انواع ارزشیابی، به‌ویژه ارزشیابی توصیفی» را در کانون توجه قرار دهیم.

ارزشیابی؛ آینه‌ی یادگیری، چراغ راه آموزش





چرا ارزشیابی مهم است؟

اگر هدف آموزش شکوفایی همه‌جانبه‌ی استعدادهای کودک باشد، بی‌تردید ارزشیابی چراغی است که میزان دستیابی به این هدف را روشن می‌سازد. ارزشیابی به ما نشان می‌دهد کجا ایستاده‌ایم و به کجا باید برویم. بدون ارزشیابی، آموزش فقط حرکتی در تاریکی خواهد بود؛ اما ارزشیابی اگر درست فهم نشود و به شیوه‌ی نادرست به کار گرفته شود، می‌تواند به جای یاری، به باری سنگین بر دوش کودکان بدل شود. سال‌هاست که شکل‌های گوناگونی از ارزشیابی در مدرسه‌ها به کار گرفته می‌شود؛ از آزمون‌های کتبی سنتی گرفته تا آزمون‌های عملکردی، پوشه‌ی کار، آزمون‌های شفاهی و روش‌های مبتنی بر مشاهده‌ی رفتار دانش‌آموز. هر کدام از این روش‌ها مزایا و محدودیت‌های خود را دارند؛ اما نکته‌ی اصلی آن است که ارزشیابی باید در خدمت یادگیری باشد، نه اینکه به رقابتی فرساینده یا ابزاری برای مقایسه‌ی خشک و بی‌روح تبدیل شود.

گفت‌وگویی جمعی درباره‌ی «ارزشیابی» با ما همراه شوید. بیایید دست به دست هم دهیم تا تصویری واقعی‌تر، روشن‌تر و کاربردی‌تر از ارزشیابی در آموزش ابتدایی ترسیم کنیم.

خواهشمندیم اگر شما:

- تجربه‌ای ارزشمند از اجرای ارزشیابی توصیفی در کلاس خود دارید،
 - نمونه‌ای از ابزارهای ابتکاری برای سنجش پیشرفت دانش‌آموزان طراحی کرده‌اید،
 - در مسیر اجرای ارزشیابی با دشواری‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو شده‌اید و راه‌حلی یافته‌اید،
 - یا حتی پرسش‌ها و دغدغه‌هایی در این زمینه دارید،
- ما را از اندیشه‌ها، پیشنهادها و روایت‌های خود بی‌نصیب نگذارید. نشریه‌ی ما، خانه‌ی اندیشه‌های شماست. مطالب، یادداشت‌ها، خاطرات و گزارش‌های خود را برای ما بفرستید تا در شماره‌های آینده، به نام خودتان منتشر کنیم. آذرماه ماهی است که به استقبال دی‌ماه و پایان نیم‌سال نخست آموزشی، ما را به بازاندیشی درباره‌ی «چرایی و چگونگی ارزشیابی» فرا می‌خواند. اگر ارزشیابی به‌درستی فهم و به‌خوبی اجرا شود، می‌تواند به جای ابزاری برای سنجش صرف، به یاریگر یادگیری و پرورش‌دهنده‌ی انگیزه‌ی کودک بدل شود. این رسالتی است که تنها با همراهی و همفکری شما آموزگاران گرامی می‌توان بدن دست یافت. منتظر دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و آثار ارزشمندتان هستیم. آنچه می‌نویسید و می‌فرستید، چراغی است برای روشن‌تر شدن مسیر آموزش ابتدایی ایران.

دل کودک شکل می‌گیرد. ارزشیابی توصیفی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد فضای مثبت و انگیزشی برای یادگیری ایفا کند:

نخست آنکه، اضطراب امتحان را کاهش می‌دهد. کودک می‌داند که مورد قضاوت عددی قرار نمی‌گیرد، بلکه تلاش و مسیر یادگیری‌اش دیده می‌شود.

دوم آنکه، اعتمادبه‌نفس و انگیزه‌ی درونی او را تقویت می‌کند. بازخوردهای مثبت و سازنده‌ی معلم کودک را به ادامه‌ی مسیر دلگرم می‌سازد. سوم آنکه، یادگیری واقعی را به جای حفظ طوطی‌وار ترویج می‌دهد. کودک می‌آموزد یادگیری سفری مداوم است و اشتباه بخشی طبیعی از این مسیر.

چهارم آنکه، ارتباط مدرسه، خانواده و کودک را تقویت می‌کند. والدین از خلال گزارش‌های توصیفی معلم، تصویری روشن‌تر از وضعیت فرزند خود به دست می‌آورند و می‌توانند همکاری بیشتری در خانه داشته باشند.

به بیان دیگر، ارزشیابی توصیفی نه تنها به کودک کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را بهتر بشناسد، بلکه به معلم و خانواده نیز یاری می‌رساند تا در مسیری هماهنگ‌تر گام بردارند. نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی خود را فقط رسانه‌ای یک‌طرفه نمی‌داند. ما باور داریم که صدای اصلی این نشریه صدای شما آموزگاران دلسوزی است که هر روز در کلاس‌های درس، با چالش‌ها و فرصت‌های ارزشیابی روبه‌رو می‌شوید. تجربه‌های زیسته‌ی شما بزرگ‌ترین سرمایه‌ی نظام آموزشی است. هیچ مقاله و پژوهشی نمی‌تواند جای روایت‌های شما را از میدان عمل بگیرد. از این رو، ما در این شماره‌ی نشریه، از همه‌ی شما دعوت می‌کنیم که در

از ارزشیابی نمره‌محور تا ارزشیابی برای یادگیری

بسیاری از ما هنوز خاطرات مدرسه‌ی خود را به یاد داریم؛ روزهایی که نمره و امتحان، تعیین‌کننده‌ی ارزش ما تلقی می‌شد؛ اما امروز می‌دانیم نمره نمی‌تواند تمام ابعاد رشد کودک را بازتاب دهد. کودک فقط یک عدد در کارنامه نیست؛ او دنیایی از هیجان، خلاقیت، توانایی‌های فردی و ظرفیت‌های انسانی است که باید دیده شود. اینجاست که سخن از «ارزشیابی توصیفی» به میان می‌آید؛ رویکردی که طی دو دهه‌ی اخیر در نظام آموزشی ابتدایی ایران جایگاه ویژه‌ای یافته است. ارزشیابی توصیفی بیش از آنکه به عدد و نمره متکی باشد، بر بازخوردهای کیفی و کلامی تأکید دارد. این شیوه به معلم اجازه می‌دهد تا با نگاهی انسانی‌تر و دقیق‌تر، میزان پیشرفت دانش‌آموز را در ابعاد متعدد بسنجد و او را با پیشنهادهایی روشن و راهگشا برای ادامه‌ی مسیر همراه سازد.

مزایای ارزشیابی توصیفی در آموزش ابتدایی

دوره‌ی ابتدایی حساس‌ترین و اثرگذارترین مرحله‌ی تحصیل است. در این سال‌هاست که عشق به یادگیری یا ترس از مدرسه در



مریم ملکی
کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت
اسلامی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی

تقویم، تنها مجموعه‌ای از روزها و ماه‌ها نیست؛ بلکه گنجینه‌ای سرشار از مناسبت‌های ملی، مذهبی، فرهنگی و علمی است که می‌تواند به‌منابه‌ی فرصت‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت به کار گرفته شود. آموزگار هوشمند و خلاق می‌داند که مناسبت‌های تقویمی، نه فقط یادآور تاریخی خاص، بلکه بستری برای پیوند دادن مفاهیم درسی با زندگی واقعی دانش‌آموزان هستند. وقتی معلم مناسبت‌های پیش‌رو را در طرح درس خود وارد می‌کند، در واقع به آموزش جان تازه‌ای می‌بخشد. در چنین حالتی، درس از حالت انتزاعی و کتاب‌محور فراتر می‌رود و به تجربه‌ای زنده و ملموس تبدیل می‌شود. به‌عنوان نمونه، بزرگداشت روز معلم می‌تواند فرصتی برای گفت‌وگو درباره‌ی ارزش‌های اخلاقی و جایگاه علم باشد. روز درختکاری بهانه‌ای برای آموزش علوم زیستی و اهمیت حفاظت از محیط‌زیست فراهم می‌کند و دهه‌ی فجر مجاللی برای تقویت هویت ملی، انسجام اجتماعی و پرورش روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری است. از منظر تربیتی، استفاده از مناسبت‌های تقویمی در طرح درس، هم غنای محتوایی برنامه‌ی درسی را افزایش می‌دهد و هم انگیزه و علاقه‌ی یادگیرندگان را تقویت می‌کند. کودک وقتی درمی‌یابد آنچه در کلاس می‌آموزد، با رخدادهای زندگی روزمره‌اش پیوند دارد، احساس معنا و ضرورت بیشتری نسبت به یادگیری پیدا می‌کند. افزون بر این، مناسبت‌ها بستری برای آموزش ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های زندگی هستند؛ موضوعاتی که در کنار یادگیری علمی، بخش جدایی‌ناپذیر تربیت همه‌جانبه محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، مناسبت‌های تقویمی، میدانی برای تلفیق آموزش و پرورش در اختیار معلم قرار می‌دهند؛ میدانی که در آن، محتوای درسی، ارزش‌های فرهنگی و تجربه‌های زیسته‌ی دانش‌آموز به هم پیوند می‌خورند. در این پیوند است که درس ماندگارتر و یادگیری عمیق‌تر می‌شود.

۳ آذر شهادت؛ حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)
(۳ جمادی الثانی)

در متون درسی از حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) به‌صراحت سخن گفته شده است؛ مثلاً در کتاب قرآن پایه‌ی سوم، در بخش مربوط به «انس با قرآن» و «تمرین نماز». همچنین، توصیه به نیکی به پدر و مادر که در سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۳ ذکر شده است، در همین کتاب و در ارتباط با زندگی ایشان بیان شده است. البته هیچ اشاره‌ی مستقیمی به تاریخ ۳ جمادی الثانی به‌عنوان «شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)» در کتاب‌ها وجود ندارد.



۷ آذر؛ سالروز عملیات مروارید و روز نیروی دریایی

۳۰ آذر؛ جشن شب یلدا، شب چله
اشاره به جشن‌های سنتی دیگر مانند «نوروز» و چیدن «سفره‌ی هفت سین» در کتاب فارسی پایه‌ی اول صفحه‌ی ۲۳ آمده است؛ اما هیچ اشاره‌ای به «شب یلدا» یا «شب چله» به‌عنوان جشنی سنتی نیست.



۲۵ آذر؛ روز پژوهش و فناوری

آسمان پایه‌ی دوم؛
● توصیه به نیکی به پدر و مادر در قالب آیات قرآن، در کتاب هدیه‌های آسمانی پایه‌ی سوم صفحه‌ی ۴۹؛
● اشاره به کمک به مادر در داستان‌ها، کتاب قرآن پایه‌ی اول صفحه ۳۰-۳۱.
در کتاب‌های درسی هیچ اشاره‌ی مستقیمی به‌مناسبت «ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)» یا «روز مادر» به‌عنوان مناسبتی تقویمی نشده است.

۱۲ آذر؛ روز جهانی معلولان (۳ دسامبر)
۱۳ آذر؛ روز بیمه
۱۵ آذر؛ روز حسابدار
۱۶ آذر؛ روز دانشجو
۲۰ آذر؛ ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) و روز مادر (۲۰ جمادی الثانی)
مفهوم «مادر» و نیکی به او، در کتاب‌های درسی، چندین مورد آمده است:
● درس «مهربان‌تر از مادر»، در کتاب فارسی پایه‌ی اول و کتاب هدیه‌های



۵ آذر؛ روز بسیج مستضعفان
در متون درسی، به «پایگاه‌های مقاومت بسیج» به‌عنوان یکی از مکان‌هایی اشاره شده است که مسجدها می‌توانند شامل آن باشند؛ مثلاً در فصل «اوقات فراغت»، از کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی پنجم. اما در این کتاب‌ها هیچ اشاره‌ای به «روز بسیج مستضعفان» یا تاریخ ۵ آذر به‌عنوان مناسبتی خاص وجود ندارد.

طرح درس: مقام مادر

هر گروه مجموع ساعات فعالیت‌ها را جمع می‌زند و درصد هر فعالیت را حساب می‌کند؛ مثلاً: آشپزی $37/5 = 3 \div 8$ و خرید: $12/5 = 1 \div 8$ سپس نتیجه‌ها را در ستون دیگری از جدول می‌نویسد

- فعالیت سوم؛ نمودار (۱۵ دقیقه) گروه‌ها دو نوع نمودار می‌سازند:
- نمودار ستونی (فعالیت در محور افقی، زمان در محور عمودی).
- نمودار دایره‌ای (دایره‌ی 360° درجه هر درصد به زاویه تبدیل می‌شود).
- مثلاً، آشپزی $37/5 = 360 \times 37/5 = 135^\circ$ درجه / خرید $12/5 = 360 \times 12/5 = 87^\circ$ درجه

- فعالیت چهارم؛ ارزش‌گذاری (۱۰—دقیقه) معلم می‌گوید: «فرض کنید هر ساعت کار مادر ۱۲ هزار تومان ارزش دارد. ارزش کار مادر در یک روز چند می‌شود؟» دانش‌آموزان حساب می‌کنند: ۸ ساعت کار = ۹۶ هزار تومان. بعد معلم می‌پرسد: «در یک ماه چطور؟ ۹۶ هزار $\times 30 = 2880$ میلیون تومان.» بچه‌ها می‌نویسند: «کار مادر در محاسبات ریاضی میلیون‌ها می‌ارزد؛ ولی در حقیقت غیرقابل ارزش‌گذاری است.»

- ۳. پایانی (۱۵ دقیقه) گروه‌ها پوستره‌های خود را روی دیوار کلاس نصب می‌کنند. یک یا دو گروه کارشان را برای بقیه توضیح می‌دهند. سپس معلم جمع‌بندی می‌کند: «امروز فهمیدیم ریاضی فقط فرمول نیست، بلکه به ما کمک می‌کند ارزش‌ها را ببینیم.» ارزشیابی پایانی: هر گروه در کنار نمودار جمله‌ای احساسی برای قدرانی از مادرشان می‌نویسند.

- ۶. در کار گروهی با هم‌کلاسی‌ها مشارکت فعال داشته باشند.
- وسایل کمک‌آموزشی
- جدول آماده برای ثبت داده‌ها
- تخته و ماژیک رنگی
- کاغذ شطرنجی برای رسم نمودار
- خط‌کش، پرگار، مداد رنگی
- کارت‌های قلب یا ستاره برای نمایش ارزش‌ها

- مراحل تدریس
۱. آغازین (۱۰ دقیقه) معلم می‌پرسد: «اگر بخواهیم نشان بدهیم مادر در یک روز چقدر کار می‌کند، چه ابزاری می‌تواند کمکمان کند؟» بچه‌ها مثال می‌زنند: نوشتن در دفتر، کشیدن جدول، استفاده از ساعت، نمودار.
 - معلم می‌گوید: «امروز با ریاضی نشان می‌دهیم مادرانمان چقدر زحمت می‌کشند.»
 ۲. حین تدریس (۵۰ دقیقه) ● فعالیت اول: جدول داده‌ها (۱۰ دقیقه) معلم جدولی فرضی می‌دهد (قابل تغییر برای هر کلاس):

فعالیت مادر	زمان (ساعت)	دفعات در روز	مجموع زمان
آشپزی	۱/۵	۲	۳ ساعت
خرید	۱	۱	۱ ساعت
نشستن لباس	۰/۵	۲	۱ ساعت
نظافت خانه	۲	۱	۲ ساعت
کمک به حل تکلیف بچه‌ها	۱	۱	۱ ساعت
جمع کل			۸ ساعت

- دانش‌آموزان در گروه‌ها داده‌ها را کامل می‌کنند.
- فعالیت دوم؛ محاسبات (۱۵ دقیقه)

در این طرح درس به کمک تلفیق مفاهیم ریاضی و این مناسبت تلاش می‌کنیم، با کاری متفاوت، ارزش زحمات مادر دیده شود. موضوع: «ریاضی پنهان در کارهای مادر» مدت زمان: ۷۵ دقیقه (قابل تقسیم به ۲ جلسه) روش تدریس: فعال (گروهی، حل مسئله، بحث کلاسی، ترسیم نمودار) مخاطب: پایه‌ی چهارم و پنجم ابتدایی

- اهداف کلی
- درک کاربرد ریاضی در زندگی روزمره؛ توانایی پردازش داده‌ها و نمایش آن‌ها در قالب جدول و نمودار؛
 - پرورش نگاه قدرشناسانه به مادر.
- اهداف جزئی
- انجام جمع و تفریق زمان (ساعت و دقیقه)؛
 - محاسبه‌ی درصد هر فعالیت از کل زمان روز؛
 - نمایش داده‌ها در نمودار ستونی و دایره‌ای؛
 - به‌دست آوردن میانگین زمان صرف‌شده برای برخی فعالیت‌ها؛
 - درک مفهوم ارزش زمانی^۱.

- اهداف رفتاری (قابل مشاهده و سنجش) در این فرایند دانش‌آموزان باید این فعالیت‌ها را انجام دهند:
۱. داده‌های مربوط به کارهای روزانه‌ی مادر را در جدولی بنویسند.
 ۲. مجموع کل ساعت‌ها و درصد هر فعالیت را محاسبه کنند.
 ۳. نموداری ستونی و نموداری دایره‌ای دقیقی را رسم کنند.
 ۴. میانگین زمان فعالیت‌ها را حساب کنند.
 ۵. نتیجه را به شکل جمله‌ای که حاوی ارزش‌گذاری یا تشکر است، بیان کنند.

اشاره‌های گره‌گشا

سوره‌ی مبارکه‌ی فلق، در پایه‌ی اول ابتدایی

مفاهیم انتزاعی را به‌خوبی درک نمی‌کنند. هدف آن است که پیام آرامش‌بخش و امیدآفرین سوره، به‌صورت زیسته و درونی برای کودک معنا پیدا کند.

مراحل آموزش سوره‌ی مبارکه‌ی فلق

طی چند هفته‌ای که با سوره‌ی مبارکه‌ی فلق همراه هستیم، می‌توانیم در موقعیت‌های گوناگون این قبیل کارها را با نام سوره‌ی فلق انجام دهیم تا سوره به‌صورت عملی وارد زندگی کودکان شود. این تقسیم‌بندی در حد پیشنهاد است، برای شرایطی که احساس می‌کنیم کلاس نیاز به تنوع دارد:

مرحله‌ی اول: ابتدا به کودکان آموزش می‌دهیم که مشکلات وجود دارند و وجود آن‌ها طبیعی است. خوب است حتی مسئله‌ای را نشان دهیم که به‌شکلی بامزه حل می‌شود یا می‌توان با آن مواجهه‌ای همراه با خنده و نشاط داشت؛ به طوری که کودکان حس ترس از مسئله‌ی پیش‌آمده نداشته باشند. معمولاً کودکان به‌دلیل القای بزرگ‌ترها از مشکلات می‌ترسند؛ لازم است تا حد ممکن این ترس از آن‌ها برداشته شود.

مرحله‌ی دوم: در ادامه‌ی موضوع قبل، می‌توانیم نشان دهیم که هر مشکلی راه‌حلی دارد و سایر افراد چگونه مشکلات خود را حل می‌کنند. این مرحله از طریق خواندن داستان و بیان حکایت و ماجرا بهتر به نتیجه می‌رسد.

مرحله‌ی سوم: خوب است ضمن ادامه‌ی موضوعات قبل، با کودکان تمرین کنیم که اگر زمانی به مشکلی برخوردند، چگونه می‌توانند خودشان یا با کمک دیگران مسئله را حل کنند. در واقع در این مرحله توجه کودکان را به هوشیاری و جمع‌بودن حواس در مواجهه با مشکلات جلب می‌کنیم (دژببخش و خدادادی، ۱۴۰۳).

برای انتقال پیام سوره در موقعیت‌های گوناگون می‌توانیم از هم‌هی امکانات و شرایط کمک بگیریم. برخی از این موقعیت‌ها عبارت‌اند از:

- بازی «این را بگیر»^۱
- بازی «مهارت پاها»^۲
- بازی «آگه گفتی من کی‌ام؟»^۳
- انتقال مفاهیم سوره فلق با کمک نقاشی؛
- صحنه‌سازی مشکلات.

پیشنهادهایی برای خواندن

از نشاط، آرامش و احساس امنیت باشد. اصرار بر حفظ یا درست‌خوانی نباید باعث فشار، دل‌زدگی یا کاهش علاقه شود.

با توجه به محتوای سوره‌ی فلق که درباره‌ی پناه‌بردن از شرور و بدی‌هاست، انتقال پیام آن به زبان کودکانه اهمیت دارد. در این سن، نباید مستقیم به تفسیر یا ترجمه‌ی سوره پرداخت، بلکه مفهوم کلی سوره، اینکه مشکلات قابل حل هستند، باید از طریق تجربه و بازی منتقل شود. هدف این است که کودک بفهمد در مواجهه با مسائل طبیعی زندگی، نباید ترسید یا ناراحت شد. برای تحقق این هدف، می‌توان از بازی‌هایی استفاده کرد که در آن‌ها کودک با موانع، گره‌ها یا چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. این بازی‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که کودک گاه برنده و گاه بازنده باشد و با سختی، ناکامی و تلاش آشنا شود. نکته‌ی مهم آن است که این تجربه باید در سطح توان کودک و متناسب با ظرفیت‌های عاطفی و رشدی او باشد.

در شرایط واقعی نیز موقعیت‌های روزمره‌ای که در آن کودک با ترس یا ناراحتی روبه‌رو می‌شود، فرصت خوبی برای آموزش پیام سوره است؛ اما نباید هنگام ناراحتی کودک، مستقیماً از سوره سخن گفت؛ بلکه ابتدا باید موقعیت را تلطیف و کودک را آرام کرد. سپس، زمانی که فضای کلاس شاد و آرام شد، می‌توان با زبان کودکانه درباره‌ی این سوره صحبت کرد.

افزون بر این، مشاهده‌ی نمونه‌های موفق، داستان‌گویی، اردوهای با چالش‌هایی ملایم و تجربه‌ی مواجهه‌ی طبیعی با مسائل (در قالبی امن و هدایت‌شده) می‌توانند ابزارهای مؤثری برای انتقال مفهوم سوره باشند. باید کودک درک کند که مشکلات بخشی طبیعی از زندگی‌اند و می‌توان با نشاط، خلاقیت و توکل، آن‌ها را پشت سر گذاشت.

در همه‌ی این مراحل، استفاده از قالب‌های غیرمستقیم و جذاب (داستان، نمایش، بازی، طنز، گفت‌وگوهای تخیلی و...) به جای گفت‌وگوی مستقیم اهمیت دارد؛ زیرا کودکان در این سن

مریم خدادادی
کارشناس ارشد قرآن و حدیث
زهرا یوسفیان‌هور
کارشناس علوم تربیتی، آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی

در این شماره از مجله، به سوره‌ی مبارکه‌ی فلق خواهیم پرداخت. این سوره به دانش‌آموزان پایه‌ی اول کمک می‌کند بدانند زندگی فراز و نشیب‌هایی دارد. کودکان به برکت این سوره‌ی مبارکه می‌آموزند که مشکلات زندگی، موقعیتی برای بهبود هوشیاری و شکوفاشدن استعدادهای درونی آن‌هاست. مسائل گوناگون نباید ناراحتی طولانی ایجاد کنند یا نشاط چهره‌ها را از بین ببرند. مشکل اصلی خود ناراحتی و تلخ‌کامی است.

هدف‌های تربیتی سوره‌ی مبارکه‌ی فلق:

۱. طبیعی دانستن مشکلات در زندگی؛
 ۲. واکنش هوشیارانه در مواجهه با مشکلات؛
 ۳. حفظ نشاط و شادابی در برخورد با مشکلات.
- روش آموزش سوره‌ی فلق به دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی به این صورت است: پس از آنکه دانش‌آموزان با سوره‌های حمد و ناس انس گرفتند و فضای کلاس با قرائت و حضور این سوره‌ها شکل گرفت، نوبت به معرفی سوره‌ی فلق می‌رسد.

نکته‌ی کلیدی، در آموزش سوره‌ی فلق، ایجاد ارادت قلبی به سوره و باور به تأثیر تربیتی آن است. هر چقدر خود معلم با سوره ارتباط عمیق‌تری برقرار کرده باشد، بهتر می‌تواند این ارتباط را به دانش‌آموزان منتقل کند. سوره‌ی فلق، با محتوای خود، زمینه‌ساز رشد روانی کودک و افزایش توان او برای مواجهه با مشکلات است.

معیار اصلی برای انس و فهم سوره، ثبت‌شدن پیام سوره در وجود کودک است، نه فقط حفظ‌شدن متن.

از آنجا که سوره‌ی فلق نسبت به سوره‌های حمد و ناس برای دانش‌آموزان دشوارتر است، لازم است تعداد دفعات خواندن و شنیدن آن افزایش یابد. با این حال، باید فضای کلاس همواره سرشار



آموزش
سوره فلق



روش اجرای بازی‌های
اشاره شده در متن

سوره مبارکه فلق

۱. در حالی که بین کودکان شکلات پخش می‌کنیم، سوره را با هم بخوانیم؛ سپس وقتی شکلات‌ها را برای خوردن باز می‌کنند، به آن‌ها بگوییم: «حل کردن مشکلات هم مثل باز کردن شکلات است.»

۲. پس از عبور دانش‌آموزان از موانعی که در بازی‌ها قرار دارد، سوره را با هم بخوانیم.

۳. در حالی که همه با هم لبخند بر چهره داریم، سوره را با هم بخوانیم یا کودکان را به نوبت پای تخته بیاوریم و هر کس در حالی که لبخند می‌زند و ابراز خوش‌حالی می‌کند، سوره را برای کلاس بخواند.

۵. در حالی که روی تخته، چهره‌های گمگین می‌کشیم و سپس آن را پاک می‌کنیم و چهره‌های شاد و خندان ترسیم می‌کنیم، کودکان سوره فلق را با هم بخوانند.

۶. چند جای یک بند یا طناب را گره بزنیم و آن را به کلاس ببریم. در حالی که گره‌های آن را باز می‌کنیم، سوره را جمع‌خوانی کنیم. طناب را دوباره گره بزنیم و این بار از یکی از دانش‌آموزان بخواهیم سوره فلق را بخواند و گره‌ها را باز کند. چشم چند نفر از دانش‌آموزان را می‌بندیم و آن‌ها ترجیحاً در مکان‌های باز مثل نمازخانه یا حیاط مدرسه می‌ایستند. یک نفر که چشمش باز است، سوره فلق را به آرامی می‌خواند. افرادی که چشمشان بسته است، باید از روی صدا، جای او را تشخیص دهند و به سمت او بروند و با شنیدن صدا مسیر یابی کنند.

۷. توپ نرمی را به سمت کودکان پرت می‌کنیم. هر کس بتواند آن را بگیرد، سوره فلق را می‌خواند.

هدف‌های تربیتی آموزش سوره مبارکه فلق در هر پایه دبستان

- پایه اول ابتدایی: مواجهه‌ی پرنشاط با مشکلات؛
- پایه دوم ابتدایی: آشنایی با مواجهه‌ی درست دیگران با انواع مشکلات؛
- پایه سوم ابتدایی: مواجهه‌ی درست با مشکلی مشخص و چشیدن لذت حل آن؛
- پایه چهارم ابتدایی: شناخت ابعاد گوناگون مشکلات و برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها؛
- پایه پنجم ابتدایی: شناخت انواع مشکلات و افزایش توان حل مشکلات (تعامل با دیگران)؛
- پایه ششم ابتدایی: به‌کارگیری توان گروهی در حل مشکلات عمومی.





مریم شهرآبادی

نوای خوش یادگیری

گفت‌وگویی صمیمی با آقای حسن صالحی آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی

آقای حسن صالحی آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی در استان کردستان، شهرستان مریوان، معلمی را نه یک شغل، بلکه رسالتی عاشقانه می‌داند. او با هفت سال تجربه‌ی آموزشی، طی سه سال گذشته، به‌عنوان راهبر و سرگروه پایه‌ی اول ابتدایی، در گروه‌های آموزشی در سطح استان و شهرستان، توانسته است با رویکردی نوآورانه و خلاقانه در تدریس حروف الفبا به دانش‌آموزانش، کلاس را به محیطی شاد، صمیمی و یادگیرنده تبدیل کند. در این روش از آوازهای محلی گرفته تا بازی‌های خلاقانه و استفاده از وسایل روزمره، همه ابزارهایی هستند که او برای آموزش به کار می‌گیرد تا یادگیری را ملموس، لذت‌بخش و حافظه‌ی تصویری و تجربی دانش‌آموزانش را تقویت کند. در این گفت‌وگو از دغدغه‌ها و شیرین‌ترین لحظاتش در کلاس درس می‌گوید.

در چه پایه‌هایی تدریس کرده‌اید؟

در این هفت سال فقط در پایه‌ی اول ابتدایی مشغول بودم.

چرا؟

پایه‌ی اول ابتدایی برایم جایگاه ویژه‌ای دارد. این پایه اساس آموزش و تربیت است. دیدن پیشرفت چشمگیر دانش‌آموزان، بعد از تلاش و همراهی‌شان، برایم لذتی وصف‌ناپذیر دارد. علاوه بر این، ارتباط صمیمی با کودکان، نقش‌آفرینی در شخصیت‌سازی و تربیت آن‌ها و امکان یادگیری همراه با بازی و خلاقیت همه از ویژگی‌های خاص این پایه هستند.

روش آموزشی شما

چه تفاوتی با آموزش‌های سنتی دارد؟

من باور دارم آموزش نباید فقط به کتاب و تخته محدود شود. در کلاس ما الفبا با بازی و تجربه‌های واقعی همراه است. بچه‌ها با دانه‌ها و میوه‌ها حرف‌ها را می‌سازند. با برگ‌های پاییزی کلمه می‌سازند و با نقاشی و کار دستی یادگیری را لمس می‌کنند. در این روش آموزشی، دانش‌آموزان نه تنها حرف‌ها را می‌آموزند، بلکه آن‌ها را از طریق مشاهده تجربه می‌کنند. این امر مهارت‌های حسی، خلاقیت و تفکر آن‌ها را



نمونه‌ای از تدریس و فعالیت‌های کلاسی آقای حسن صالحی



تقویت و دانش آموز را به یادگیری فعال تشویق می‌کند. با این روش، آموزش الفبا فقط مفهومی خشک و بی‌احساس نیست، بلکه تبدیل به تجربه‌ای شیرین و ماندگار می‌شود.

کاردستی و فعالیت‌های هنری چه جایگاهی در آموزش شما دارد؟

هنر بخش جدایی‌ناپذیر آموزش است. وقتی دانش آموز با اشیاء، برگ، رنگ و... حرف‌ها را می‌سازد، او فقط شکلی را نمی‌سازد بلکه معنا و ارتباط بین زندگی و یادگیری را درک می‌کند. این کارها خلاقیت و اعتماد به نفس او را بالا می‌برد.

بزرگ‌ترین چالش کلاس درس شما چیست؟

با توجه به اینکه بیشتر فعالیت‌های کلاس من عملی و مشاهده‌ای است، بزرگ‌ترین چالش کلاس فضای آموزشی کوچک است. همین مسئله باعث می‌شود برای رسیدن به اهدافی مثل آموزش عمیق، تربیت، تقویت کارگروهی، مدیریت کلاس و... انرژی و تمرکز بیشتری صرف کنم.

به نظر شما آموزش چه مهارت‌هایی برای دانش آموزان ابتدایی ضروری است؟

مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های کارگروهی، مهارت حل مسئله، سواد دیجیتال، مسئولیت‌پذیری و بهداشت فردی از مهم‌ترین مهارت‌هایی هستند که در زندگی روزمره لازم، ضروری و کاربردی هستند.

اگر دانش آموزان بی‌انگیزه باشند، چگونه به آن‌ها انگیزه می‌دهید؟

من از روش‌های متنوع آموزشی مثل تلفیق بازی و یادگیری و تشویق‌های ساده‌ی کلامی استفاده می‌کنم؛ اما راز اصلی کلاس من بازی‌ها و سرگرمی‌هایی هستند که طراحی کرده‌ام. برای بچه‌ها آوازهای محلی (گورانی) می‌خوانم. و رابطه‌ی صمیمی و دوستانه‌ای با آن‌ها دارم.

لطفاً نمونه‌ای از بازی‌ها و سرگرمی‌هایی را که طراحی کرده‌اید، برایمان توضیح دهید؟

یکی از بازی‌ها بازی «دست راست، چپ، مشت» است. روی برگه‌ی بزرگی شکل دست راست، دست چپ و مشت را که به صورت دایره است،

بود و بدون حضور مادرش در کلاس نمی‌ماند. من تصمیم گرفتم با بازی، لیخنند، آواز محلی و فضای پرانرژی، کلاس را برایش به محیطی شاد و امن تبدیل کنم. بعد از دو جلسه، او بی‌هیچ بهانه و بدون حضور والدینش کنار دوستانش نشست. برق شادی در چشمانش را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. آن لحظه مطمئن شدم محبت و شادی گاهی بیش از هر روش آموزشی دیگری معجزه می‌کند.

از برگزاری جشن الفبا چه احساسی دارید؟

جشن الفبا نتیجه‌ی ماه‌ها تلاش، صبر و همراهی با دانش آموزان است. ذوق دانش آموزانی که یک سال تحصیلی را با من سپری کرده‌اند و با کمک من باسواد شده‌اند، وصف‌شدنی نیست. وقتی می‌بینم آن‌ها در ابتدای سال نمی‌توانستند یک حرف را بخوانند یا بنویسند، اما حالا متن‌های کوتاه را می‌خوانند و می‌نویسند، برایم ارزشمند است و همین اشتیاق و هیجان، امیدواری و انگیزه‌ی من را برای ادامه‌دادن در این مسیر بیشتر می‌کند.

برای همکارانتان چه پیامی دارید؟

تلاش‌های کوچک ما اثر بزرگی در زندگی کودکان دارد. آموزش اگر با عشق، خلاقیت و نوآوری همراه شود، زندگی را متحول می‌کند.

ما هم برای آقای معلم خوش ذوق و خلاق آرزوی موفقیت داریم.

می‌کشیم. این شکل‌ها چندین مرتبه روی کاغذ تکرار می‌شوند. سپس دانش آموز باید با سرعت عمل دست راست را روی شکل راست، دست چپ را روی شکل چپ و مشت خود را روی شکل دایره قرار بدهد. وقتی یک دور کامل زده شد و دست‌ها دقیقاً سر جای خود قرار گرفتند، برنده به حساب می‌آید و جایزه می‌گیرد. این بازی برای دانش آموزان پایه‌ی اول ابتدایی در اوایل شروع مدرسه مناسب است تا دست و انگشت‌های آنان را تقویت و آمادگی لازم را برای نوشتن فراهم کند. این بازی همچنین تحرک ذهنی را افزایش می‌دهد و هماهنگی ذهن و بدن را تقویت می‌کند.

واکنش همکارانتان به روش تدریس شما چگونه است؟

همکارانم وقتی می‌بینند با شرایط محدود، کلاس را به مکانی شاد و جذاب تبدیل کرده‌ام که تأثیر زیادی بر یادگیری دانش آموزانم داشته است، با انگیزه‌تر می‌شوند. تا جایی که یکی از همکارانم کلاس درس من را موضوع پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌اشد خود انتخاب کرده است.

شیرین‌ترین خاطره‌تان در کلاس درس چه بوده است؟

حدود چهار سال پیش دانش آموزی داشتم که در ابتدای سال تحصیلی حاضر نبود بدون حضور والدینش در کلاس بماند، طوری که در یک ماه، دو بار کلاسش را تغییر دادند؛ اما باز هم مشکل حل نشد. در نهایت او را به کلاس من آوردند. روزهای اول نگاهش پر از اضطراب

ارزیابی محور یادگیری

سمیه مهتدی
دکترای تکنولوژی آموزشی

نشان دهند که آیا مطلب را فهمیده‌اند یا نه، مثلاً نمایش یک انگشت به معنای «نفهمیدم» و پنج انگشت به معنای «کاملاً فهمیدم»، یا از بازبینی‌های (چک‌لیست‌های) ساده برای سنجش پیشرفت دانش‌آموزان استفاده می‌کند.

ارزیابی به‌عنوان یادگیری

ارزیابی به‌عنوان یادگیری فرایندی است که در آن، دانش‌آموز نقش فعالی در نظارت و ارزیابی یادگیری خود دارد. این نوع ارزیابی بر فراشناخت (آگاهی از نحوه یادگیری) و خودتنظیمی (توانایی برنامه‌ریزی و اصلاح یادگیری) تأکید می‌کند. در این نوع ارزیابی، خود دانش‌آموزان فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که عبارت‌اند از:

- اهداف یادگیری شخصی تعیین می‌کنند؛ مثلاً «امروز می‌خواهم جدول ضرب ۲ را کامل یاد بگیرم.»

- از بازبینی‌هایی ساده برای ارزیابی پیشرفت خود استفاده می‌کنند؛ مثلاً «آیا توانستم این مسئله ریاضی را خودم حل کنم؟»

- در پایان هر درس، یادداشت‌های بازتابی می‌نویسند؛ مثلاً «امروز چه چیزی یاد گرفتم؟ چه سؤالی هنوز دارم؟»

۳. ارزیابی از یادگیری به‌عنوان نقشه‌ی پایانی سفر، میزان دستیابی به اهداف آموزشی را در پایان دوره اندازه‌گیری می‌کند و نتیجه‌ی آن معمولاً به‌صورت نمره یا کارنامه به دانش‌آموزان و والدین ارائه می‌شود.

ارزیابی برای یادگیری

ارزیابی برای یادگیری فرایندی است که در طول آموزش انجام می‌شود و هدف آن بهبود یادگیری دانش‌آموزان است. در این نوع ارزیابی، معلم از ابزارهای متعدد، مثل بازخوردهای کلامی، مشاهده، پرسش‌های کلاسی و همسال‌سنجی استفاده می‌کند تا نقطه‌های قوت و ضعف دانش‌آموزان را شناسایی کند و بر اساس آن‌ها، روش‌های تدریس خود را تنظیم کند.

به‌طور مثال معلم پس از تدریس مفهومی از درس ریاضی، از دانش‌آموزان می‌خواهد با انگشتان خود

ارزیابی یکی از ارکان اساسی فرایند یاددهی یادگیری است. در این مقاله سه نوع ارزیابی بررسی می‌شود: ارزیابی برای یادگیری^۱، ارزیابی به‌عنوان یادگیری^۲ و ارزیابی از یادگیری^۳. این سه نوع با هم مرتبط هستند؛ اما هدف‌ها و کارکردهای متفاوتی دارند. هدف این مقاله آشنایی معلمان دوره ابتدایی با انواع ارزیابی، تفاوت آن‌ها، اهمیت و راهکارهای عملی برای تلفیق آن ارزیابی‌ها در کلاس درس است. با به‌کارگیری هوشمندانه‌ی این ارزیابی‌ها، می‌توان کلاسی پویا ایجاد کرد که در آن، هم معلم و هم دانش‌آموز، به رشد مستمر دست یابند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی از یادگیری، ارزیابی برای یادگیری، ارزیابی به‌عنوان یادگیری، نتیجه‌های ارزیابی

مقدمه

ارزیابی قلب تپنده‌ی فرایند یاددهی یادگیری و چراغ راهنمایی است که به معلمان و دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مسیر آموزش را هوشمندانه‌تر طی کنند. در نظام آموزشی، سه نوع ارزیابی کلیدی وجود دارد که هر کدام نقش منحصربه‌فردی در بهبود کیفیت آموزش ایفا می‌کنند:

۱. ارزیابی برای یادگیری همانند قطب‌نما در طول سفر یادگیری عمل می‌کند. معلم با ابزارهایی مانند بازخورد فوری، پرسش‌های کلاسی و مشاهده، یادگیری دانش‌آموزان را در حین تدریس بررسی می‌کند تا روش خود را اصلاح کند.

۲. ارزیابی به‌عنوان یادگیری مانند آیینی خوداندیشی است. این نوع ارزیابی دانش‌آموزان را به خودارزیابی و تفکر درباره‌ی یادگیری خود تشویق می‌کند و دانش‌آموزان می‌آموزند چگونه اهداف شخصی تعیین کنند، پیشرفت خود را بسنجند و مسئولیت یادگیری‌شان را بپذیرند.



تفاوت‌های کلیدی بین ارزیابی برای یادگیری، ارزیابی به‌عنوان یادگیری و ارزیابی از یادگیری

مؤلفه	ارزیابی برای یادگیری	ارزیابی به‌عنوان یادگیری	ارزیابی از یادگیری
زمان اجرا	در حین فرایند یاددهی یادگیری	در طول و پایان فرایند یادگیری	در پایان دوره آموزشی
هدف اصلی	بهبود یادگیری و اصلاح روش تدریس	خودارزیابی و خودتنظیمی توسط دانش آموز	سنجش و گزارش دهی عملکرد دانش آموزان
نقش معلم	راهنما و تسهیلگر	تسهیلگر و مشوق	ارزیاب و نمره‌دهنده
نقش دانش آموز	فعال و مشارکت کننده در فرایند یادگیری	خودارزیاب و مسئول یادگیری	دریافت کننده نتیجه ارزیابی
ابزارها	مشاهده، پرسش شفاهی، بازخورد فوری	بازبینی، دفترچه بازتاب، هدف گذاری	آزمون های استاندارد، کارنامه
بازخورد	کیفی و اصلاحی	-	کمی (نمره) و توصیفی

ارزیابی از یادگیری

ارزیابی از یادگیری معمولاً در پایان یک دوره آموزشی (مثل پایان نیم‌سال تحصیلی یا پایان یک واحد درسی) انجام می‌شود و هدف آن سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به اهداف آموزشی است. نتیجه‌ی این ارزیابی بیشتر اوقات به‌صورت نمره یا گزارشی به دانش‌آموزان و والدین ارائه می‌شود. نمونه‌ی این ارزیابی آزمون کتبی پایان نیم‌سال تحصیلی یا ارائه‌ی کارنامه‌ی تحصیلی در پایان سال است.

اهمیت ارزیابی برای یادگیری

- به معلمان کمک می‌کند تا آن‌ها نیازهای فردی دانش‌آموزان را شناسایی کنند.
- بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در یادگیری می‌افزاید.
- از طریق بازخوردهای سریع، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اشتباهات خود را اصلاح کنند.
- فضای کلاس را به محیطی پویا و تعاملی تبدیل می‌کند.

اهمیت ارزیابی به‌عنوان یادگیری

- تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در

قبال یادگیری خود. ● توسعه‌ی مهارت‌های فراشناختی (فکر کردن درباره‌ی تفکر). ● کمک به دانش‌آموزان برای شناخت نقطه‌های قوت و ضعف خود. ● ایجاد یادگیری مادام‌العمر و مستقل.

اهمیت ارزیابی از یادگیری

- به معلمان، والدین و مدیران کمک می‌کند تا از میزان تحقق اهداف آموزشی مطلع شوند.
- مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های آموزشی (مانند ارتقا به پایه‌ی بالاتر) را فراهم می‌کند.
- به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که در کدام بخش‌ها موفق بوده‌اند و کجاها نیاز به تلاش بیشتر دارند.

راهکارهای عملی برای

معلمان دوره‌ی ابتدایی

برای اجرای مؤثر ارزیابی برای یادگیری این راهکارها پیشنهاد می‌شود:

۱. از بازخوردهای توصیفی به جای نمره استفاده کنید؛ مثلاً «آفرین! تو توانستی جمع اعداد دو رقمی را خوب حل کنی، حالا بیا تمرین کنیم که تفریقشان را هم یاد بگیریم.»

۲. از روش‌های خلاقانه مانند نقاشی، بازی‌های آموزشی و داستان‌گویی برای سنجش فهم دانش‌آموزان استفاده کنید.

۳. به دانش‌آموزان فرصت خودارزیابی و همسال‌سنجی بدهید؛ مثلاً «به نظرت پاسخ دوستت درست بود؟ چرا؟»

برای اینکه بخواهید ارزیابی به‌عنوان یادگیری را به‌صورت مؤثر اجرا کنید، از دانش‌آموزان بخواهید:

۱. هر هفته هدفی کوچک برای یادگیری تعیین کنند؛ مثلاً «این هفته پنج کلمه‌ی جدید انگلیسی یاد می‌گیرم.»

۲. از ابزارهای خودارزیابی ساده مانند بازبینی‌هایی که با شکلک‌ها (ایموجی‌ها) نشان‌گذاری می‌شوند، استفاده کنند.

۳. در پایان هر درس به یکی از این سؤالات پاسخ دهند:

- امروز چه چیزی یاد گرفتیم؟
 - چه سؤالی هنوز در ذهنم مانده است؟
 - فردا چه کاری را بهتر انجام می‌دهم؟
- همچنین برای اجرای مؤثر ارزیابی از یادگیری این راهکارها پیشنهاد می‌شود:

۱. از ابزارهای متنوع سنجش (پروژه‌های عملی، آزمون‌های شفاهی و کتبی) استفاده کنید.

۲. نتیجه‌ی ارزیابی را به زبان ساده و فهم‌پذیر برای دانش‌آموزان و والدین توضیح دهید.

۳. از نتیجه‌ی ارزیابی برای برنامه‌ریزی آموزشی سال بعد استفاده کنید.

جمع‌بندی

ارزیابی برای یادگیری، ارزیابی به‌عنوان یادگیری و ارزیابی از یادگیری مانند سه پایه‌ی یک میز هستند که یادگیری مؤثر را تقویت می‌کنند. ترکیب این سه روش دانش‌آموزان را به یادگیرندگان مستقل و آگاه تبدیل می‌کند و به معلمان کمک می‌کند تا یادگیری عمیق و پایدار را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. شما به‌عنوان معلم دوره‌ی ابتدایی چگونه از ارزیابی برای یادگیری در کلاس خود استفاده می‌کنید؟ چه روش‌های خلاقانه‌ای برای ارزیابی از یادگیری دانش‌آموزان به کار می‌برید؟ چگونه می‌توانید دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی را به خودارزیابی عادت دهید؟ تجربه‌های خود را با ما در میان بگذارید تا با کمک هم کلاس‌های پویاتر و مؤثرتری داشته باشیم.



نگاهی به ساختار آموزشی انگلستان

سید سعید قاضی میرسعید

کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه امیرکبیر

حمید زینلی

دکترای فلسفه از دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد کشانی

دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی

امیر حسین حمزه

دانشجوی کارشناسی مهندسی مواد

۱. چرا نظام آموزشی انگلیس را برای مطالعه انتخاب کردیم؟

همان طور که در شماره‌ی پیشین مجله اشاره شد، سه معیار اصلی برای اولویت‌بندی کشورها در بررسی نظام‌های آموزشی عبارت‌اند از: جمعیت کشور، نظام سیاسی اجتماعی و میزان موفقیت نظام آموزشی. در ادامه، وضعیت این معیارها در انگلیس بررسی می‌شود.

پادشاهی متحد بریتانیا که بیشتر اوقات در گفتار عمومی «بریتانیا» نامیده می‌شود، از چهار کشور انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی تشکیل شده است. پایتخت آن هم شهر لندن، بزرگ‌ترین شهر کشور، است. از نظر سیاسی، بریتانیا نظام

پادشاهی مشروطه دارد و اداره‌ی امور عمدتاً از طریق مرکز (لندن) انجام می‌شود. از سال ۱۹۹۸، بخشی از اختیارات دولت مرکزی به مجلس‌های (پارلمان‌های) محلی اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی واگذار شده است؛ اما انگلستان مجلس محلی مستقلی ندارد و مستقیماً از سوی دولت مرکزی مدیریت می‌شود.^۱

نظام آموزش رسمی عمومی در انگلستان را می‌توان الگویی نیمه‌متمرکز دانست. از یک سو، دولت مرکزی همچنان در سیاست‌گذاری کلان، تعیین چارچوب «برنامه‌ی درسی ملی» و نظام‌های ارزیابی نقش پررنگی دارد و از سوی دیگر، در سطح مدرسه‌ها، به‌ویژه با گسترش مدرسه‌های آکادمی، اختیارات مدیریتی و مالی افزایش یافته است. چنین الگویی که به‌دنبال استانداردهای یکپارچه‌ی آموزشی و تربیتی در سراسر کشور است، از نظر ساختار سیاسی و اجتماعی تا حدی با نظام تعلیم و تربیت ایران شباهت دارد.

از نظر جمعیت، انگلستان با حدود ۵۶ میلیون

نفر جمعیت^۲، بیشترین جمعیت را در میان چهار کشور بریتانیا دارد و از نظر مقیاس جمعیتی، قرابت مناسبی با ایران (حدود ۸۵ میلیون نفر) دارد. بنابراین نمی‌توان آن را جزو کشورهای کم‌جمعیت و کوچک محسوب کرد.

علاوه بر این، نظام آموزشی انگلیس با دستاوردهای تحصیلی شایان توجه^۳ و تمرکز نسبی بر عدالت آموزشی و تربیت، نمونه‌ای ارزشمند برای مطالعه و استخراج درس‌های سیاستی است، هرچند هنوز در زمینه‌ی عدالت با چالش‌هایی روبه‌روست.

بنابراین، می‌توان گفت نظام آموزشی انگلیس گزینه‌ای مناسب برای بررسی است و می‌تواند آموزه‌های مهمی برای توسعه‌ی نظام آموزش و پرورش کشور ما داشته باشد.

۲. ساختار تحصیلی در

آموزش و پرورش انگلیس چگونه است؟

در انگلیس، همانند ایران، چهار دوره‌ی تحصیلی اجباری تعریف شده است؛ دوره‌های اول و دوم ابتدایی و دوره‌های سوم و چهارم متوسطه. بازه‌های سنی دانش‌آموزان در این دوره‌ها به شرح جدول است.

به این ترتیب، دوره‌ی تحصیلی اجباری در انگلستان از ۵ تا ۱۶ سالگی ادامه دارد.^۴ دوره‌ی کالج (۱۶ تا ۱۸ سالگی) اجباری نیست و دانش‌آموزان فقط در صورتی در این دوره شرکت می‌کنند که قصد ادامه تحصیل در دانشگاه یا کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را داشته باشند. بر اساس آمار سال ۲۰۲۲-۲۰۲۳ در انگلستان حدود ۱۶ هزار و ۸۰۰ مدرسه‌ی ابتدایی دولتی، ۳ هزار و ۴۵۰ مدرسه متوسطه دولتی و ۲ هزار و ۴۰۰ مدرسه‌ی خصوصی فعال بوده‌اند (مدرسه‌های خصوصی حدود ۱۰ درصد کل مدرسه‌ها را تشکیل می‌دهند^۵).

میانگین جمعیت مدرسه‌ها به این شرح است:

● مدرسه‌های ابتدایی دولتی: ۲۷۶ نفر؛

● مدرسه‌های متوسطه‌ی دولتی: ۱۵۴ نفر^۶.

همان‌طور که نمودارها نشان می‌دهند، بیشتر مدرسه‌های ابتدایی جمعیتی کمتر از ۵۰۰ نفر دارند و بیشتر آن‌ها بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ دانش‌آموز را در خود جای می‌دهند. تعداد مدرسه‌هایی با جمعیت بیش از ۶۰۰ نفر تنها حدود ۱ درصد است. در مقابل، جمعیت مدرسه‌های متوسطه بسیار بیشتر است. بیشتر دبیرستان‌ها بیش از ۸۰۰ نفر دانش‌آموز دارند و برخی تا بیش از ۱۷۰۰ نفر نیز می‌رسند.



دوره	مقطع تحصیلی	بازه سنی
ابتدایی	اول (۲ سال)	۵ تا ۷ سال
	دوم (۴ سال)	۸ تا ۱۱ سال
متوسطه	سوم (۳ سال)	۱۲ تا ۱۴ سال
	چهارم (۲ سال)	۱۵ تا ۱۶ سال
	۱۱ سال	۵ تا ۱۶ سال



مطالعه‌ی تطبیقی
نظام‌های آموزشی
کشورهای دیگر

مالی آن‌ها نیز مستقیماً از طریق وزارت آموزش و پرورش تأمین می‌شود؛ یعنی بودجه‌ی اختصاص یافته به مدرسه‌ای از نوع آکادمی، بدون اینکه به دوایر محلی انتقال پیدا کند، به طور مستقیم از وزارت آموزش به مدرسه پرداخت می‌شود. آکادمی‌ها در استخدام معلم نیز آزادی عمل دارند.^{۱۳}

البته باید توجه داشت که بسیاری از آکادمی‌ها (حدود ۹۰ درصد) توسط هیئت مدیره‌هایی اداره می‌شوند^{۱۴} که اداره‌ی چند آکادمی را بر عهده دارند و به نوعی نقش لایه‌ی میانی را ایفا می‌کنند. هیئت مدیره‌هایی که چند آکادمی را اداره می‌کنند^{۱۵}، وظیفه‌ی استخدام نیروها و تخصیص بودجه را بر عهده دارند. ان‌شاءالله در شماره‌های بعد با ابعاد بیشتری از نظام آموزش و پرورش انگلیس آشنا خواهیم شد.

- چه عواملی باعث شده است جمعیت مدرسه‌های ابتدایی نسبت به مدرسه‌های متوسطه کمتر باشد؟
- علاوه بر مزایای ذکر شده، چه فایده‌ها و عیب‌هایی برای مدرسه‌های بزرگ در دوره‌ی متوسطه می‌توان متصور بود؟



نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲

پی‌نوشت‌ها

- Sheldon, J. (2020, July 13). Why does England not have its own parliament? Centre on Constitutional Change. <https://www.centreonconstitutionalchange.ac.uk/the-basics/why-does-england-not-have-its-own-parliament>
- Office for National Statistics. (2024, July 15). Population estimates for England and Wales: mid-2023. <https://www.ons.gov.uk/peoplepopulationandcommunity/populationandmigration/populationestimates/bulletins/populationestimatesforenglandandwales/mid2023>
- Andrews, J. (1, 2023). Education: the fundamentals – Eleven facts about the education system in England. مؤسسه سیاست‌های آموزشی بریتانیا. <https://epi.org.uk/publications-and-research/education-the-fundamentals-eleven-facts-about-the-education-system-in-england/>
- Key Stage 1, 2
- Key Stage 3, 4
- <https://www.gov.uk/national-curriculum>
- <https://www.besa.org.uk/insights/education-statistics>
- <https://www.gov.uk/government/publications/new-homes->
- Office for Standards in Education, Children's Services and Skills (Ofsted)
- fact-sheet-5-new-homes-and-school-places/fact-sheet-5-new-homes-and-school-places (Multi-Academy Trusts (MATs)
- مدرسه‌های آکادمی (Academies) در انگلستان مدرسه‌هایی دولتی هستند که بودجه‌شان مستقیماً از دولت مرکزی (وزارت آموزش) تأمین می‌شود، نه از طریق دوایر محلی (Local Authority). این مدرسه‌ها استقلال بیشتری در برنامه‌ی درسی، مدیریت مالی، استخدام معلمان و تعیین ساختار آموزشی دارند و معمولاً آکادمی تراست‌ها (academy trusts) آن‌ها را اداره می‌کنند. هدف از ایجاد آن‌ها افزایش کیفیت آموزش، نوآوری و کارایی بیشتر در اداره‌ی مدرسه‌ها بوده است.
- (Multi-Academy Trusts (MATs
- UK ENIC. (2023). Guide to the education systems of the UK. UK ENIC
- Politics.co.uk. (n.d.). What are academy schools? Are they better? Politics.co.uk. <https://www.politics.co.uk/reference/academies/>
- Plaister, N. (2022, May 18). The size of multi-academy trusts. FFT Education Datalab. <https://ffteducationdatalab.org.uk/202205/the-size-of-multi-academy-trusts/>

۲. در سطح دوم دوایر محلی آموزشی یا هیئت‌مدیره‌هایی هستند که اداره‌ی چند مدرسه‌ی آکادمی را بر عهده دارند که نقش لایه‌ی میانی را ایفا می‌کنند.

۳. در سطح سوم نیز خود مدرسه‌ها هستند.

البته شایان ذکر است که تعداد کمی از مدرسه‌های «آکادمی»^{۱۶} که زیر نظر هیئت‌مدیره‌های چندمدرسه‌ای^{۱۱} ایستند، به صورت مستقیم با وزارتخانه و سایر نهادهای ملی در ارتباط هستند و ساختاری دوسطحی دارند.

به طور کلی مدرسه‌های دولتی به دو دسته‌ی تحت پوشش دوایر محلی و آکادمی‌ها تقسیم می‌شوند. مدرسه‌های تحت پوشش دوایر محلی ملزم به پیروی از برنامه‌ی درسی ملی هستند و تأمین مالی آن‌ها از طریق دوایر محلی صورت می‌گیرد. همچنین استخدام معلم در این مدرسه‌ها تابع مجموعه‌ای از مقررات وضع شده توسط وزارت آموزش است.^{۱۲}

اما مدرسه‌های آکادمی، به جز در سه درس ریاضی و علوم و زبان، الزامی به پیروی از برنامه‌ی درسی ملی ندارند (هرچند باید توجه داشت که برنامه‌ی درسی همه‌ی مدرسه‌ها توسط سازمان آفستد بررسی دقیق می‌شود و باید تدارک لازم برای آموزش دانش و مهارت‌های مورد نیاز دیده شده باشد) و منابع

از جمله دلایل این تفاوت جمعیتی و مزایای آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کوتاه شدن مسیر رفت و آمد در دوره‌ی ابتدایی: دانش‌آموزان این دوره کم‌سن‌وسال هستند؛ بنابراین لازم است مدرسه‌های ابتدایی در منطقه‌های گوناگون پراکنده باشند تا فاصله‌ی خانه تا مدرسه مناسب باشد. علاوه بر این، ارتباط نزدیک‌تر خانواده‌ها با معلمان و مدرسه در این دوره اهمیت دارد.

۲. تأمین فضاهای تخصصی در دوره‌ی متوسطه: مدرسه‌های متوسطه نیازمند کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، سالن‌های ورزشی و تجهیزات پیشرفته‌تر هستند. بزرگ بودن این مدرسه‌ها موجب تجمیع امکانات و استفاده‌ی بهینه از منابع می‌شود.

۳. تنوع بخشی و تخصصی شدن درس‌ها: درس‌های دوره‌ی متوسطه نیازمند گروه‌های آموزشی تخصصی و تبادل تجربه‌هایی است که در مدرسه‌های کوچک و با نیروی محدود امکان‌پذیر نیست.

۴. ساختار نظام آموزش و پرورش انگلیس چگونه است؟
ساختار نظام آموزش و پرورش انگلیس سه سطح دارد:

۱. در سطح اول نهادهای ملی مانند وزارت آموزش و پرورش و سازمان آفستد^{۱۷} که وظیفه‌ی ارزیابی و رتبه‌بندی مدرسه‌ها را بر عهده دارد، دیده می‌شوند.

اکنون نوبت معلم است!

روزی خانم دکتر هژبری به من گفتند: «احساس می‌کنم بین ما و معلم‌ها فضایی خالی هست؛ جایی برای شنیده شدن، نه فقط ارزیابی شدن. به‌عنوان مربی (کوچ) عملکرد مدرسه‌ای، فکر می‌کنی چطور می‌شود این شکاف را پر کرد؟» این پرسش ساده، جرقه‌ی طرحی بود که بعدها در مدرسه به نام «وقت معلم» شناخته شد. این طرح نه پروژه‌های آموزشی با برگه‌های استاندارد بود و نه جلسه‌ای گزارش‌محور برای بیان بازخوردهای خشک، بلکه چند دقیقه‌ای غیررسمی و صمیمی بود برای نشستن کنار معلمان و شنیدن حرف‌هایشان. گفت‌وگویی که از دل آن، جوانه‌ی رشد سر برآورد. من مسئول اجرای این ایده شدم. اولین تصمیم ساده بود: وقت بگذارم، بدون خودکار، بدون رایانه‌ی کیفی و فقط با یک فنجان چای کنار معلمی بنشینم. باورم نمی‌شد که همین ساده‌ترین شکل گفت‌وگو چقدر می‌تواند پر معنا باشد. اولین گفت‌وگو را با یکی از معلمان باتجربه آغاز کردم. با کمی تردید آمد و گفت: «الان باید چه

گاهی آنچه در مدرسه رخ می‌دهد، از جنس چیزهایی هستند که در هیچ برگه و گزارشی نمی‌گنجد؛ مثل وقتی که معلمی با دست‌های لرزان اما صدایی محکم کلاس را آغاز می‌کند، یا وقتی لبخند خسته‌ی آخر زنگ را پشت جمله‌ای ساده پنهان می‌کند: «بچه‌ها، دفترهای انشایتان را باز کنید.»

سیدعلی عبداللہی حسینی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، سفیر نوآفرینی
آموزش، مربی (کوچ) عملکرد
عدرا بیگم هژبری
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه و مدیر
مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل



ما برای شنیدن معلم بود؛ برای کشف آدمی که پشت میز معلمی نشسته، اما شاید صدایش سال‌ها در سکوت مانده بود.

بسیاری از معلمان درباره‌ی توانایی‌هایی صحبت کردند که هیچ‌کس از آن‌ها خبر نداشت. یکی از هنر نوشتنش گفت و بعدها مسئول گروه مجازی داخلی مدرسه شد. دیگری از علاقه‌اش به طراحی بازی‌های یادگیری حرف زد و اکنون یک کارگاه آموزشی داخلی راه انداخته است. یکی از فرسودگی تدریسش گریست و همین حرف‌زدن شد آغاز بازسازی‌اش.

در این فرایند، ما هرگز ارزیابی نکردیم، حتی یک نمره هم ندادیم؛ اما چند «آه» سبک‌تر شد، چند «ایده» متولد شد و چند «رابطه» التیام یافت.

این تجربه به من آموخت که همه‌چیز را نمی‌توان در قالب ارزشیابی و بازخورد رسمی دید. گاهی فقط باید کنار کسی بنشینیم، سکوت کنی و بگذاری او خود خودش را بشنود. معلم‌ها اگر دیده شوند، شنیده شوند و بی‌هیچ ترسی حرف بزنند، خودشان بهترین مسیر رشد را پیدا می‌کنند.

اگر بخواهم «وقت معلم» را در یک جمله خلاصه کنم، شاید بگویم: «وقت معلم یعنی ایستادن کنار آینده‌ای که معلم خود را در آن بی‌قضاوت ببیند.»

ما هنوز این مسیر را کامل نرفته‌ایم و هنوز شاید بسیاری از معلمان نیاز دارند جرئت گفتن پیدا کنند؛ اما دست‌کم، حالا آن‌ها می‌دانند جایی هست، زمانی هست و کسی هست که برای شنیدنشان وقت می‌گذارد و شاید همین، آغاز مدرسه‌ای انسانی‌تر باشد.

آنچه خواندید، روایت تجربه‌ای کوچک اما صمیمی از دل معلمان دبستان مهرگان بابل بود؛ تجربه‌ای که شاید نه با سروصدای زیاد، بلکه با گوش‌سپردن به صداهای آرام معلمان آغاز شد.

ما فقط خواستیم چند دقیقه، کنار آینده‌ای بایستیم که معلمان تصویر واقعی خودشان را در آن ببینند. حالا با تمام سادگی‌اش، امیدوارم این ایده‌ی کوچک جرقه‌ای باشد برای روشن شدن چراغ گفت‌وگو در دل دیگر مدرسه‌های این سرزمین؛ جایی که هنوز «صدای معلم» ارزش شنیده‌شدن دارد و شاید از دل همین صداها، آینده‌ای روشن‌تر ساخته شود. الهی آمین. به امید آن روز.

حالش چطور بود؟»، «چه چیزی از این کلاس هنوز در ذهنت مانده؟»، «کجا دلت می‌خواست حمایت بیشتری داشته باشی؟»، «اگر قرار بود تغییری کوچک در کلاست بدهی، آن چه بود؟» و... .

گفت‌وگوها شگفت‌انگیز بودند؛ نه به‌خاطر محتوا، بلکه به‌خاطر صداقتی که در آن شکل می‌گرفت. معلمی می‌گفت: «من فقط لازم داشتم کسی از من بپرسد؛ تو چطوری؟ نه اینکه همیشه بگویند کلاس چطور است؟» یکی از همکاران پس از گفت‌وگو نوشت: «این جلسه برایم مثل آینه بود. بدون فیلتر خودم را دیدم.»

کم‌کم واژه‌ی «وقت معلم» در مدرسه جا افتاد. در برنامه‌ی هفتگی تابستانه، به‌صورت چرخشی برای هر معلم زمانی مشخص شد؛ اما برخلاف نامش، این فقط «وقت معلم» نبود، بلکه وقت

بگویم؟ شما قرار است از من گزارش تهیه کنید و تحویل مدیر مدرسه بدهید؟»

لیخند زدم و گفتم: «نه، فقط می‌خواهم بدانم این روزها که کلاس‌های تابستانی را با بچه‌ها اجرا می‌کنی، کلاس برایت چه رنگی شده است؟»

گفت: «کلاس؟! انگار خاکستری است. همه‌چیز را جلو می‌برم؛ ولی هیچ‌چیز در دل خودم نمی‌ماند.»

همین یک جمله، آغاز گفت‌وگویی سی‌دقیقه‌ای شد درباره‌ی امید، خستگی، نادیده‌گرفته‌شدن و دل‌نگرانی‌هایی که هیچ‌وقت در شورای معلمان جایی برای گفتنش نبود.

در هر نوبت، معلم‌ها را به گفت‌وگویی آرام دعوت می‌کردم؛ جایی نه در دفتر رسمی، بلکه گاهی در حیاط مدرسه، گاهی کنار پنجره‌ی کتابخانه و گاهی حتی پشت کلاس خالی. سؤالاتم ساده اما عمیق بود: «اگر کلاست موجودی زنده بود،



مسیر مدرسه، از فصل تا وصل

بازخوانی نقش مدرسه در عصر بحران‌های فردی و اجتماعی

محمدعلی کبریا
دکترای فلسفه تعلیم و تربیت

که ۳۰ درصد برنامه‌ی درسی آن‌ها به مسائل محلی اختصاص دارد. مدرسه‌های «المپیا» در آمریکا که دانش‌آموزان در مدیریت مدرسه نقش واقعی دارند، یا پروژه‌ی «مدرسه‌های بدون دیوار» در هند که کل محله را به فضای آموزشی تبدیل کرده‌اند، تجربه‌های دیگری از این قسم است.

باید دانست که موفق‌ترین تجربه‌ها زمانی رخ داده‌اند که مدرسه خود را بخشی جدایی‌ناپذیر از جامعه دانسته و سطح مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها را متناسب با سن دانش‌آموزان افزایش داده و بدین ترتیب اثرگذاری اجتماعی مدرسه نیز افزایش یافته است. چنین مدرسه‌هایی توانسته‌اند بین آموزش رسمی و غیررسمی پیوند ایجاد کنند و در ایجاد تغییرات اجتماعی موفق باشند. حال سؤال اساسی این است: «آیا می‌توان مدرسه را به نهادی پیشرو در تغییرات اجتماعی تبدیل کرد، بدون آنکه از مأموریت اصلی آموزشی خود باز بماند؟»

۴. معماری فیزیکی مدرسه

طراحی جدید مدرسه‌ها، با کلاس‌هایی کوچک و جداگانه، امکان تعاملات غیررسمی را محدود کرده است و حیاط‌های مدرسه که زمانی محل بازی‌های گروهی بود، امروز یا کوچک یا به فضایی کنترل‌شده تبدیل شده‌اند.

۵. تبلیغات و جنگ جدی رسانه‌ای

یکی از عواملی که در عصر حاضر مدرسه‌های ایران را تحت تأثیر قرار داده است، سرمایه‌گذاری جبهه‌ی استعمار در تغییر فرهنگی و سوق دادن دانش‌آموزان به سوی فرهنگ غربی است.

۶. بی‌توجهی به مقولات

اجتماعی در آموزش و پرورش کشور

در دو دهه‌ی گذشته، شانزده وزیر تصدی سمت وزرات آموزش و پرورش را در ایران بر عهده داشته‌اند. این تغییرات گسترده در جایگاهی که تحول عمیق زمان‌بر است، مضر بلکه کشنده است. به این دلیل و همچنین به دلیل ساختار و فرهنگ جاری حکمرانی آموزش و پرورش توجه به مدرسه را به‌عنوان مقوله‌ای مؤثر در جامعه با اختلال روبه‌رو کرده است.

در نقطه‌ی مقابل وضع موجود، الگوهای تاریخی مدرسه به‌مثابه‌ی کنشگرانی اجتماعی در تاریخ جهان و ایران وجود داشته‌اند. تجربه‌ی مکتب‌خانه‌های سنتی ایران که نه فقط محل آموزش بلکه مرکز حل اختلافات محل بودند، در تاریخ ایران مشاهده می‌شود. مکتب‌داران نقش مشاور و میانجی را نیز در جامعه ایفا می‌کردند و در قالب این محمل، شاگردان بزرگ‌تر مسئولیت آموزش به کوچک‌ترها را بر عهده داشتند. پروژه‌ی «سپاه دانش» را نیز می‌توان به‌عنوان نمونه‌ی موفق دیگری از پیوند تربیت و جامعه معرفی کرد. از دیگر پروژه‌های موفق اجتماعی و تربیتی تجربه‌ی نهضت سوادآموزی در اوایل انقلاب است. همچنین در نمونه‌های جهانی می‌توان از «مدرسه‌های جامعه‌نگر» در دانمارک نام برد

در جهان معاصر شاهد بحرانی عمیق در هویت مدرسه، میان دو قطب فرد و جامعه، هستیم. این بحران را باید در چارچوب تحولات گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی تحلیل کرد. به‌اجمال، در دو دهه‌ی اخیر، شاهد شش روند کلیدی بوده‌ایم که ماهیت نهاد مدرسه را به چالش کشیده‌اند:

۱. فردگرایی افراطی

در ایران بیشتر نوجوانان ترجیح می‌دهند وقت خود را به‌جای فعالیت‌های گروهی در مدرسه، به‌تنهایی در فضای مجازی بگذرانند. همچنین تحقیقات میدانی در تهران نشان داده است که بیشتر کلاس‌های درس سازوکاری رسمی برای پرداختن به دغدغه‌های شخصی دانش‌آموزان ندارند. از سوی دیگر نظام ارزشیابی فعلی کاملاً بر مبنای پیشرفت فردی طراحی شده است و شاخص‌هایی برای سنجش مشارکت اجتماعی وجود ندارد.

۲. بحران معنا در نظام آموزشی

کتاب‌های درسی معمولاً به نیازهای واقعی دانش‌آموزان پاسخ نمی‌دهد و درس‌های متعدد نظام آموزشی که وظیفه‌ی اجتماعی‌سازی و نقش‌آفرینی مناسب در جامعه را بر عهده دارند، کارآمد نیستند.

۳. گسست نسلی

و بحران انتقال ارزش‌ها

بیشتر معلمان معتقدند دانش‌آموزان به تجربه‌های تاریخی و اجتماعی آن‌ها بی‌اعتنا هستند. بیشتر دانش‌آموزان هم معتقدند، معلمان سبک زندگی آن‌ها را نمی‌فهمند؛ لذا مدرسه‌های امروز، به‌جای اینکه محل گفت‌وگوی بین‌نسلی باشند، به صحنه‌ای برای بروز تضاد ارزش‌ها تبدیل شده‌اند.



جلسات مشاوره‌ی خانواده. ● ایجاد «اتاق‌های گفت‌وگو» برای تعاملات غیررسمی با مسئولان مدرسه و مسئولان سیاسی محله.

۳. تغییر ساختار مدیریتی

● تقویت انجمن اولیای و مربیان و تشکیل شورای سه‌جانبه (معلمان، دانش‌آموزان، والدین).

● تفویض بخشی از اختیارات به شوراهای دانش‌آموزی. ● ایجاد سامانه‌ی تصمیم‌گیری مشارکتی در امور مختلف مدرسه.

۴. اجرای پروژه‌های محله‌محور

● شناسایی و حل محدود مسائل محله توسط دانش‌آموزان. ● طراحی و اجرای پروژه‌های همیاری در محله و حضور مؤثر دانش‌آموزان در آن‌ها مانند همیاری پلیس پس از آموزش‌های لازم. ● ایجاد جایگاهی برای نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در هماهنگی با مدرسه در نهادهای محلی مانند مسجدها و فرهنگسراها.

۵. پشتیبانی نظام‌دار

● آموزش معلمان برای ایفای نقش تسهیلگر در مواردی که بیان شد. ● ایجاد شبکه‌ای از مدرسه‌های کنشگر. ● جلب حمایت نهادهای محلی.

در آخر آنچه مقدمات حرکت به این سو را فراهم می‌آورد، انرژی و اشتیاق نسل نوجوان و جوان برای ایجاد تغییر و تحول در کشور و گسترده‌شدن مدرسه‌های باکیفیت است. آنچه به نظر می‌رسد این است که باید شجاعت و انگیزه‌ی کافی در این مدرسه‌های پیشرو ایجاد کرد تا الگوهای موفق برای دیگران شوند. باید تأکید کرد که تبدیل مدرسه‌ها به نهادهایی هماهنگ با تغییرات اجتماعی نه تنها با مأموریت آموزشی آن‌ها در تضاد نیست، بلکه شرط لازم برای تحقق آموزش اثرگذار در جهان امروز است. مدرسه‌ای که از مسائل جامعه جدا باشد، محکوم به ارائه‌ی آموزش‌های انتزاعی و بی‌ربط به زندگی واقعی است. تجربه‌ی تاریخی نشان داده است که هرگاه مدرسه‌ها توانسته‌اند این پیوند را برقرار کنند، هم به ارتقای کیفیت آموزشی کمک کرده‌اند و هم به حل مسائل اجتماعی پرداخته‌اند.

از مفهوم مدرسه ارائه کرد. به صورت کلی مدرسه باید نقش کنشگری اجتماعی را در سخت‌هسته‌ی خود جای دهد. این تغییر مفهومی باید با توجه به مقتضیات موجود نظام آموزش و پرورش از جمله کمبود نیروی انسانی صورت بگیرد. پس یکی از راه‌های این تحول مفهومی حرکت از پایین به بالا و ارائه‌ی الگوهای موفق است. قاعدتاً این تغییرات خرد باید با حمایت دولت و تبدیل آن‌ها به اسناد راهبردی و ایجاد مشوق‌ها تقویت شود؛ اما آنچه موضوع این نوشتار است، ارائه‌ی راهکارهایی عملی برای نزدیک‌شدن به مدرسه‌ی کنشگر است:

۱. تغییر برنامه‌ی درسی

در حیطه‌ی اختیارات مدرسه

● اختصاص بخشی از زمان آموزشی مدرسه به پروژه‌های اجتماعی. ● طراحی واحدهای درسی میان‌رشته‌ای حول مسائل واقعی. ● جایگزینی بخشی از امتحانات حافظه‌محور با ارزشیابی پروژه‌محور.

۲. تحول در فضای فیزیکی

● طراحی فضاهای چندمنظوره‌ی قابل‌استفاده توسط جامعه‌ی محلی مانند جلسات مذهبی یا

در پاسخ به این پرسش، باید بر اساس مبانی فرهنگی و اجتماعی اسلام و انقلاب اسلامی تأکید کرد که این موضوع نه تنها ممکن بلکه از وظایف ذاتی مدرسه به شمار می‌رود. نظام جمهوری اسلامی که بن‌مایه‌ی خود را نظامی تربیتی معرفی کرده است، باید توان اجتماعی و تربیتی خود را در قالب مدرسه به نمایش بگذارد. در واقع اگر مدرسه این نقش را بازی نمی‌کند و به نهادی برای رشد فردی افراد تبدیل شده است، دچار استحاله شده است. طراحی چنین مدرسه‌ای با توجه به شرایط و چالش‌های موجود مسئله‌ی طراحان و سیاست‌گذاران تربیتی است که باید جزو اولویت‌های فوری و اصلی قرار گیرد؛ چراکه با توجه به سرعت تغییرات جامعه، هر چه زمان بگذرد مواجهه‌ی سازگار با فضای فرهنگی و تربیتی جامعه پیچیده‌تر خواهد شد.

در این مجمل بر اساس نظریه‌های زیست‌جهان که منجر به قبول تمایز بین نظام اجتماعی و زیست‌جهان فردی و قبول نقش مدرسه به‌عنوان فضای واسط بین این دو حوزه می‌شود و همچنین با توجه به نقش سرمایه‌های اجتماعی که تولید و توسعه‌ی آن‌ها در مدرسه ممکن است و همچنین با توجه به لزوم تحول همراه با تغییرات سریع اجتماعی موجود، می‌توان بازخوانی جدیدی



از فرایندی ایستا، تا رویکردی پویا

طراحی سریع و آسان انواع سؤالات را فراهم می‌کند. پاسخ‌های فراگیرندگان به صورت خودکار در گوگل شیت ذخیره می‌شوند. این داده‌های ساختاریافته ماده‌ی اولیه برای الگوریتم‌های یادگیری ماشین هستند و می‌توانند مبنایی برای تحلیل‌های آماری، شناسایی الگوها و پیش‌بینی عملکرد آتی فراگیرندگان به صورت جمعی یا فردی قرار گیرند.

● **خودکارسازی نمره‌دهی و بازخورد اولیه:** برای سؤالات با پاسخ مشخص، گوگل فرم قابلیت نمره‌دهی خودکار را دارد. این امر زمان زیادی را از مدرسان آزاد می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد تا بر ارزیابی سؤالات تشریحی و ارائه‌ی بازخوردهای عمیق‌تر تمرکز کنند. این نمره‌دهی اولیه می‌تواند نقطه‌ی شروعی برای سامانه‌های بازخورد هوشمندتر باشد.

● **افزایش اعتبار آزمون و ظرفیت ادغام با آی‌آی:** قابلیت‌هایی نظیر محدود کردن پاسخ به یک باره، تصادفی کردن ترتیب سؤالات و پاسخ‌ها و تنظیم زمان‌بندی به افزایش اعتبار و امنیت آزمون‌های

● **ارزشیابی تطبیقی:** سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی قادرند با توجه به عملکرد فراگیر در حین آزمون، سؤالات بعدی را به گونه‌ای هوشمندانه انتخاب کنند که متناسب با سطح دانش او باشد. این رویکرد دقت و کارایی ارزشیابی را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد و تجربه‌ی شخصی‌سازی شده‌تری برای فراگیرنده فراهم می‌آورد.

● **تحلیل عملکرد و بازخورد هوشمند:** هوش مصنوعی می‌تواند الگوهای خطای فراگیرندگان را شناسایی کند و بازخوردهای شخصی‌سازی شده و هدفمندی را ارائه دهد. این بازخوردها فراتر از نمره‌ی صرف بوده و شامل راهنمایی‌های دقیق برای رفع نقطه‌های ضعف و بهبود فرایند یادگیری است.

● **ارزشیابی فرایندمحور:** هوش مصنوعی قادر است فرایند یادگیری و حل مسئله‌ی فراگیرنده را در طول زمان رصد و تحلیل کند. این رویکرد به مدرسان امکان می‌دهد تا به جای نتیجه‌ی صرف، به درک عمیقی از چگونگی تفکر و یادگیری فراگیرندگان دست یابند و مداخلات آموزشی مناسب‌تری داشته باشند.

گوگل فرم؛ ابزاری برای آغاز ارزشیابی هوشمند

سکوی گوگل فرم با وجود سادگی ظاهری، ابزاری قدرتمند برای جمع‌آوری داده‌های ارزشیابی فراهم می‌کند و می‌تواند به عنوان نقطه‌ی آغازین برای پیاده‌سازی رویکردهای نوین ارزشیابی، به ویژه با رویکرد هوش مصنوعی، استفاده شود. فواید این ابزار با محوریت ارزشیابی و هوش مصنوعی عبارتند از:

● **سهولت در طراحی و اجرا و جمع‌آوری داده‌های ساختاریافته:** گوگل فرم امکان

ژارمن بولید سن و نسان
کارشناس ارشد پژوهشگری، مدیر
متوسطه‌ی دوم



ارزشیابی، همانند نبض تپنده‌ی هر نظام آموزشی، نه تنها میزان دستیابی به اهداف یادگیری را می‌سنجد، بلکه بازخوردهای لازم را برای بهبود مستمر فرایند تدریس و یادگیری فراهم می‌آورد. با ورود به عصر هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال، ابرانگاره‌های (پارادایم) سنتی ارزشیابی با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده‌اند. هوش مصنوعی با توانایی‌های بی‌نظیر خود در تحلیل داده‌ها، تشخیص الگوها و خودکارسازی (اتوماسیون) فرایندها، ظرفیت‌های بالایی برای تحول بنیادین در حوزه‌ی ارزشیابی دارد.

در سال‌های اخیر، به خصوص در دورانی که آموزش از راه دور ضرورت یافت، نیاز به ابزارهای ارزشیابی برخط بیش از پیش احساس شد. در این میان، سکوهایی (پلتفرم‌هایی) نظیر گوگل فرم^۱ به دلیل سهولت استفاده، دسترسی‌پذیری و امکانات اولیه‌ی خود به ابزاری محبوب برای مدرسان و مربیان تبدیل شده‌اند. این مقاله تلاش می‌کند تا ضمن تبیین نقش هوش مصنوعی در ارتقای کیفیت و کارایی ارزشیابی، فواید گوگل فرم را با محوریت ارزشیابی هوشمند برجسته سازد و به یکی از دغدغه‌های اصلی در آزمون‌های برخط، یعنی تشخیص تقلب، بپردازد.

هوش مصنوعی و رویکرد نوین در ارزشیابی

هوش مصنوعی مرزهای ارزشیابی را فراتر از سنجش به سمت تحلیل عمیق‌تر فرایندهای شناختی و مهارت‌های پیچیده گسترش داده است. برخی از رویکردهای نوین ارزشیابی که تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار گرفته‌اند، شامل این موارد می‌شوند:





منابع

راهکارهای عملی برای کاهش تقلب در گوگل فرم

تصادفی سازی سؤالات و گزینه‌ها: همان طور که در پوستر نیز اشاره شده است، این قابلیت به صورت بومی در گوگل فرم وجود دارد و به کاهش امکان رونوشت (کپی) مستقیم کمک می‌کند.

محدودیت در زمان و تعداد پاسخ: تعیین زمان محدود برای آزمون و اجازه‌ی یک بار پاسخ‌دهی برای هر فراگیرنده، فرصت تقلب را کاهش می‌دهد.

استفاده از سؤالات متنوع: ترکیب سؤالات چندگزینه‌ای با سؤالات تشریحی و مسئله‌محور که نیاز به تفکر عمیق دارند، تقلب را دشوارتر می‌سازد.

فرهنگ‌سازی و تأکید بر صداقت: ارتقای فرهنگ صداقت و اخلاق در آزمون‌ها نقشی کلیدی در کاهش تقلب دارد.

پرداختن به این چالش‌ها نیازمند تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی، آموزش مستمر متخصصان و توسعه‌ی سامانه‌هایی است که هم کارآمد باشند و هم از اصول عدالت، شفافیت و حفظ حریم خصوصی پیروی کنند.

نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی در حال تغییر چهره‌ی ارزشیابی است و آن را از فرایندی ایستا به رویکردی پویا، تطبیقی و شخصی‌سازی‌شده تبدیل می‌کند. ابزارهایی مانند گوگل فرم با وجود سادگی می‌توانند در ترکیب با نگاهی هوشمندانه به ارزشیابی و ظرفیت‌های آینده‌ی هوش مصنوعی، نقش مهمی در تسهیل این تحول ایفا کنند. این ابزارها بستری آماده برای جمع‌آوری داده‌های ارزشیابی فراهم می‌کنند که می‌تواند پایه‌ای برای تحلیل‌های پیچیده‌تر، از جمله تشخیص الگوهای تقلب با استفاده از هوش مصنوعی باشد. مدرسان در نظام آموزشی باید با آغوش باز به استقبال این تغییرات بروند، دانش و مهارت‌های لازم را کسب کنند و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، فرایند ارزشیابی را به ابزاری قدرتمندتر برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری مبدل سازند. مسیر پیش رو چالش‌برانگیز اما پر از فرصت است و همکاری تمامی ذی‌نفعان برای تحقق این چشم‌انداز ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

1. Google Forms
2. Google Sheets
3. AI
4. NLP

تغییرات ناگهانی در دقت پاسخ‌ها یا الگوهای مشابه پاسخ‌ها بین فراگیرندگان متعدد می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تقلب باشد.

تحلیل رفتار کاربر: سامانه‌های پیشرفته‌تر می‌توانند حرکات چشم، الگوهای حروف‌نگاری، تغییر کانون (فوکوس) صفحه‌ی مورد استفاده از برنامه‌های دیگر و حتی صدای محیط را از طریق صدابردار (میکروفون) و وب‌کم (وب‌کم) تحلیل کنند. هرگونه رفتار غیرعادی می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای تقلب در نظر گرفته شود.

تشخیص سرقت ادبی: برای سؤالات تشریحی و پروژه‌ها، ابزارهای مبتنی بر پردازش زبان طبیعی^۱ می‌توانند متن ارسالی را با منابع برخط و بانک‌های اطلاعاتی مقایسه کنند و میزان شباهت را تشخیص دهند. گوگل فرم به‌طور مستقیم این قابلیت را ندارد؛ اما می‌توان خروجی‌های متنی آن را به این ابزارها منتقل کرد.

احراز هویت: برخی سامانه‌ها از زیست‌سنجی (مانند تشخیص چهره یا اثر انگشت) برای اطمینان از هویت فرد آزمون‌دهنده استفاده می‌کنند.

برخط کمک می‌کند. همچنین، داده‌های خروجی گوگل فرم به‌راحتی می‌توانند به‌عنوان ورودی برای ابزارهای پیشرفته‌تر هوش مصنوعی (مانند سکوها) تحلیل متن برای سؤالات تشریحی یا ابزارهای تحلیل رفتار کاربر استفاده شوند. این ظرفیت گوگل فرم را به نقطه‌ی شروعی عالی برای پیاده‌سازی ارزشیابی‌های هوشمند در آینده تبدیل می‌کند.

تشخیص تقلب در

ارزشیابی برخط؛ چالش‌ها و راهکارها

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ارزشیابی برخط، به‌ویژه در آزمون‌های مهم، مسئله‌ی تشخیص تقلب است. هوش مصنوعی در این زمینه ظرفیت شایان توجهی دارد.

روش‌های مبتنی بر هوش

مصنوعی برای تشخیص تقلب

تحلیل الگوهای پاسخ‌دهی: الگوریتم‌های AI می‌توانند الگوهای غیرعادی در پاسخ‌دهی فراگیرندگان را شناسایی کنند؛ مثلاً پاسخ‌های بسیار سریع یا بسیار کند به سؤالات خاص،



بچه‌های جنگ

نکاتی برای افزایش تاب‌آوری کودکان در مواقع بحران

زهرا سادات چیره‌دست
دکترای برنامه‌ریزی درسی
نجمه غلامی
کارشناس ارشد روان‌شناسی

سلامت روان کودکان در جنگ

در بحبوحه‌ی ویرانی‌های جنگ، کودکان به دلیل ویژگی‌های خاص جسمی و روانی، به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، بار روانی و عاطفی سنگینی را تحمل می‌کنند. کودکان ممکن است دچار اضطراب، ترس، افسردگی، کابوس‌های شبانه و اختلال فشار روانی پس از سانحه^۱ شوند.

حفظ سلامت روان و تقویت تاب‌آوری کودکان در این شرایط، نه‌تنها ضرورتی انسانی، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده‌ای صلح‌آمیز است.

اختلال فشار روانی پس از سانحه

یکی از شایع‌ترین و جدی‌ترین پیامدهای جنگ برای کودکان، ابتلا به اختلال فشار روانی پس از سانحه است. کودکان در معرض صحنه‌های خشونت‌آمیز، مرگ عزیزان، انفجارها و وحشت دائمی دچار اضطراب شدید، کابوس‌های مکرر، افسردگی و مشکلات تمرکز می‌شوند. این اختلال می‌تواند به‌صورت طولانی‌مدت در زندگی کودک باقی بماند و بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی و عاطفی او تأثیر بگذارد.

علائم فشار روانی

پس از سانحه در کودکان

علائم مرتبط با یادآوری مجدد رویدادها: کابوس‌های مکرر، گذشته‌نما (فلش‌بک و یادآوری‌های ناگهانی و قوی واقعه)، افکار مزاحم و ترس از مکان‌ها یا موقعیت‌هایی که یادآور رویداد هستند.

علائم اجتنابی: اجتناب از صحبت کردن در مورد واقعه یا فکر کردن در مورد آن، اجتناب از مکان‌ها یا افراد مرتبط با رویداد.

علائم مرتبط با خلق و شناخت: ترس، اضطراب، تحریک‌پذیری، خشم، احساس گناه، مشکلات تمرکز و خواب.

علائم جسمی: سردرد، معده‌درد، مشکلات گوارشی، شب‌اداری، لکنت زبان.

تغییرات رفتاری: پرخاشگری، چسبیدن بیش‌از حد به والدین، افت تحصیلی، مشکلات ارتباطی.





راهکارهای مقابله با اضطراب جنگ در کودکان

تقویت تاب‌آوری در کودکان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با چالش‌های زندگی به‌طور مؤثرتری کنار بیایند و از سلامت روان بهتری برخوردار باشند.

تاب‌آوری: توانایی فرد برای سازگاری و بازیابی پس از تجربه‌های دشوار.

تاب‌آوری در کودکان به توانایی آن‌ها برای مقابله با مشکلات، فشارهای روانی و ناملایمات زندگی اشاره دارد. این مهارت به کودکان کمک می‌کند تا با اعتمادبه‌نفس و انعطاف‌پذیری بیشتری با بحران‌های زندگی روبه‌رو شوند.

چرا تاب‌آوری در کودکان مهم است؟

مقابله با فشار روانی: کودکان تاب‌آور بهتر می‌توانند فشارهای روزمره را مدیریت کنند.

افزایش اعتمادبه‌نفس: تجربه‌ی موفقیت در مقابله با مشکلات، اعتمادبه‌نفس کودک را تقویت می‌کند.

بهبود مهارت‌های حل مسئله: کودکان تاب‌آور در حل مسائل و تصمیم‌گیری‌های خود ماهرتر هستند.

تسهیل سازگاری با تغییرات: آن‌ها راحت‌تر با تغییرات و رویدادهای غیرمنتظره سازگار می‌شوند.

تقویت روابط اجتماعی: تاب‌آوری می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی کودک با دیگران کمک کند.

نخستین گام تاب‌آوری و سلامت روان، ایجاد حس امنیت و پناهگاه است. ایجاد محیطی امن و حمایتی در خانه به کودکان کمک می‌کند تا احساس امنیت و آرامش کنند. احساس امنیت اساس رشد تاب‌آوری کودکان است. حفظ روال عادی زندگی تا حد امکان، لنگر ثبات‌بخشی در دریای آشوب جنگ است.

روال‌های روزانه (مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و عادت‌هایی که به‌طور منظم در طول روز تکرار می‌شوند) می‌توانند به کودکان کمک کنند تا درک بهتری از زندگی روزمره پیدا کنند و احساس امنیت بیشتری داشته باشند. ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در روال‌های روزانه مانند زمان خواب، غذا خوردن و بازی می‌تواند به کاهش اضطراب کمک کند.

بازی، به‌عنوان زبان جهانی کودکان، نقشی درمانی و حیاتی دارد. فعالیت‌های خلاقانه مانند

پرهیز از واکنش‌های چهره‌ای هراس‌انگیز والدین و بزرگسالان کودکان چهره‌ی والدین خود را می‌خوانند و اگر ترس و نگرانی شدیدی در چهره‌ی آن‌ها مشاهده کنند، روانشان دچار ترس و اضطراب می‌شود. بنابراین، والدین باید هنگام شنیدن اخبار جنگ تلاش کنند ترس و نگرانی خود را کنترل کنند تا کودکان دچار اضطراب نشوند. استفاده از کلام طنزآلود و به‌سخره‌گرفتن قدرت دشمن روش مؤثری برای کاهش ترس و اضطراب کودکان است.

این کار باعث ترشح دوپامین در مغز کودکان و بزرگسالان می‌شود که به شکل‌گیری احساسات مثبت و کاهش فشار روانی کمک می‌کند. به‌کارگیری این روش در محیط خانواده می‌تواند به تقویت تاب‌آوری کودکان کمک کند.

مهارت‌های مقابله‌ای

آموزش این مهارت‌ها به کودکان کمک می‌کند تا با فشار روانی و اضطراب ایجادشده مقابله کنند:

تمرینات تنفس عمیق

آموزش تنفس عمیق به کودکان می‌تواند در مواقع تنش‌زا بسیار مفید باشد. آن‌ها می‌توانند با تمرکز بر تنفس خود و انجام نفس‌های عمیق و آهسته، آرامش بیشتری پیدا کنند.

تمرینات آرام‌بخش

آموزش تمرین‌های آرامش‌بخش به کودکان، به‌ویژه

نقاشی، موسیقی، داستان‌گویی و ورزش به کودکان اجازه می‌دهد هیجانات سرکوب‌شده، ترس‌ها و تجربه‌های دردناک خود را به شکلی ایمن و غیرکلامی ابراز و پردازش کنند.

انجام این فرایند تاب‌آوری کودکان را مستحکم می‌سازد:

تشویق به بیان هیجانات و ارائه‌ی حمایت روانی اجتماعی حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای ضروری است. کودکان نیاز دارند احساسات خود (ترس، خشم، غم، سردرگمی) را در فضایی امن و بدون قضاوت، خواه از طریق کلمات یا از طریق هنر و نقاشی، بیان کنند. این روش می‌تواند به تخلیه‌ی هیجانات و احساسات منفی کمک کند و به کودکان اجازه دهد تا با مسائل روانی خود بهتر مواجه شوند. کودکان باید بدانند احساساتشان طبیعی است و آن‌ها تنها نیستند.

تقویت شبکه‌های حمایتی و نقش الگوسازی بزرگسالان هم در این فرایند کلیدی است. ارتباطات مؤثر با خانواده، دوستان و جامعه سپر محافظتی قدرتمندی ایجاد می‌کند. بزرگسالان با مدیریت هیجانات خود، نشان‌دادن امیدواری واقع‌بینانه و رفتارهای سازگارانه (مثل حل مسئله، کمک‌رسانی به دیگران و...) الگوهای قدرتمندی از تاب‌آوری کودکان را ارائه می‌دهند. مشارکت‌دادن کودکان در فعالیت‌های معنادار و متناسب با سن (مثل کمک در آشپزی، مراقبت از خواهر و برادر کوچک‌تر، فعالیت‌های هنری برای جامعه) به آن‌ها حس کنترل، کفایت و تعلق می‌بخشد که عناصر حیاتی تاب‌آوری هستند.

فن‌های ساده‌ی مراقبه می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در زمان‌های پرتنش، آرامش خود را حفظ کنند. حتی تمرینات ساده مانند تجسم مکانی آرام و خوشایندی می‌تواند تأثیرات مثبتی داشته باشد.

راه‌های حل مسئله

آموزش راه‌های حل مسئله به کودکان باعث می‌شود که در مواجهه با مشکلات، راه‌های منطقی و عملی برای رفع نگرانی‌های خود پیدا کنند. این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا احساسات خود را بهتر مدیریت کنند.

فعالیت‌های جایگزین

والدین می‌توانند کودکان را به فعالیت‌های جایگزین مشغول کنند. فعالیت‌هایی مانند ورزش، هنر یا بازی‌های گروهی می‌تواند به کاهش فشار روانی و ایجاد حس مثبت در کودکان کمک کند.

با بچه‌ای که از صدای مهیب انفجارها ترسیده است، چطور رفتار کنیم؟

- حس و واکنش او را بپذیرید.
- بگذارید درباره‌ی احوالش حرف بزند و با دقت گوش کنید.
- بغلش کنید و نزدیکش بمانید.
- اگر حرف یا تصور اشتباهی دارد، با مهربانی اصلاحش کنید؛ اما مقابله نکنید.
- اگر پاسخ سؤالش را نمی‌دانید صادقانه به او بگویید.

● بازی‌های نقش‌ی (مانند بیمارستان‌سازی اسباب‌بازی‌ها یا خانه‌سازی برای عروسک‌ها) را برایش بیشتر کنید.

توضیح شرایط جنگ

به کودک سه تا هفت ساله

سطح درک کودک را بشناسید. در این سن هنوز کودکان نمی‌توانند مفهوم پیچیده‌ی جنگ، سیاست یا خشونت گسترده را درک کنند. آن‌ها بیشتر روی احساس امنیت خود، حضور والدین و محیط اطراف تمرکز دارند. بنابراین نباید اطلاعات زیاد یا خشن به آن‌ها داد. صحبت باید کوتاه، ساده و با تمرکز بر احساس امنیت باشد. می‌توانیم جنگ را برای بچه‌ها با این جملات توضیح دهیم: «گاهی وقت‌ها آدم‌های بزرگ یا کشورها با هم دعوا می‌کنن، مثل وقتی که دو تا بچه اسباب‌بازی می‌خوان و با هم دعواشون می‌شه. این دعوا گاهی باعث می‌شه صداهای بلندی بشنویم یا برنامه‌هامون تغییر کنه؛ اما بزرگ‌ترهایی هستند که دارن سعی می‌کنن مشکل رو حل کنن تا همه دوباره آرامش داشته باشن.»

هدف از بیان این جملات این است که کودک بفهمد اتفاقی ناخوشایند افتاده است؛ ولی کسانی هستند که اوضاع را درست می‌کنند.

بر امنیت تأکید کنید

کودک در این سن نیاز دارد بداند که در امان است. بدین منظور می‌توانید از این جملات

استفاده کنید: «مامان و بابا پیشت هستن و ازت مراقبت می‌کنن. خونه‌ی ما امنه. اگر چیزی ناراحت کرد، بیا بغل من یا باهام حرف بزن.»

اجازه دهید کودک

احساسش را بیان کند

باید اجازه داد که کودک احساسات متفاوتش را بیان کند. ممکن است کودک از صداهای بلند بترسد، گیج شود یا سؤال بپرسد. بازی‌هایی با موضوع جنگ انجام دهید که طبیعی است.

واکنش مناسب نشان بدهید

- «ترسیدی؟ من اینجا هستم.»
- «می‌خواهی برام بگی چی شنیدی؟»
- «می‌خواهی با هم نقاشی بکشیم؟»

از تصویرهای خبری دوری کنید

کودکان در این سن قدرت تفکیک واقعیت از تخیل را ندارند. دیدن تصویرهای انفجار، گریه یا ترس می‌تواند آسیب‌زننده باشد. حتی صدای اخبار یا مکالمات بزرگ‌ترها هم اضطراب‌آور است.

تبات روزمره را حفظ کنید

بازی، خواب، غذا، قصه و آغوش‌های همیشگی به کودک پیام می‌دهند که زندگی همچنان ادامه دارد و امن است. اگر فرزند شما نوجوان است: ● شاید ترس و اضطرابش را با گوشه‌گیری یا پرخاشگری بروز دهد؛ پس صبور باشید.



- درباره‌ی آنچه می‌داند و فکر می‌کند، با او جدی گفت‌وگو کنید.
- درباره‌ی حضور و فعالیت مجازی آگاهی کنید.
- به او اطمینان بدهید مراقبش هستید.
- اگر شرایط را تحلیل می‌کنید، فرصت بدهید خطا کند و با هم اصلاحش کنید.
- به کنجکاوی‌اش توجه کنید و برای کسب اطلاعات همراهی‌اش کنید.
- به اندازه‌ی سن و تجربه‌ی زیسته‌اش از او انتظار داشته باشید.

تعامل با کودکان در شرایط جنگی در راستای شکل‌گیری هویت فردی و ملی

- از تاریخ پرافتخار ایران کهن بگویید.
- حس عدالت‌جویی را در او تحریک کنید.

معنا و هویت گمشده‌ی کودک

- به احساس مفیدبودنش پاسخ دهید.
- به او ابزار تحلیل بدهید، نه ترس مصرف‌خبر.
- روحیه‌ی حماسی را در او بیدار کنید.
- ترس را انکار نکنید؛ ولی در دلش امید بکارید.
- اجازه دهید خودش انتخاب کند، نه اینکه مجبور شود بپذیرد.

تأثیرات منفی اخبار بر کودکان

- اضطراب و ترس: آنان نگران امنیت خود و خانواده هستند و این نگرانی می‌تواند منجر به

اختلالات خواب، مشکلات تمرکز و بی‌قراری شود. ● **احساس ناامیدی و درماندگی:** این اخبار حس ناامیدی و درماندگی را در ایشان ایجاد می‌کند و ممکن است احساس کنند که هیچ کنترلی بر اوضاع ندارند و این می‌تواند به افسردگی منجر شود. ● **تغییرات رفتاری:** آن‌ها شاید به‌طور ناگهانی تغییرات رفتاری نشان دهند، تغییراتی مانند پرخاشگری، انزوا یا عقب‌نشینی از فعالیت‌های اجتماعی. این تغییرات می‌توانند نشانه‌های از تلاش آن‌ها برای کنار آمدن با احساسات پیچیده‌شان باشند.

● **تأثیر بر روابط اجتماعی:** ترس و اضطراب ناشی از اخبار جنگ می‌تواند بر روابط اجتماعی کودکان تأثیر بگذارد.

● **افزایش حساسیت به خشونت:** با مشاهده‌ی مکرر این اخبار ممکن است آن‌ها رفتارهای پرخاشگرانه‌تری را از خود نشان دهند. ● **تأثیر بر تصویر خود:** ممکن است کودکان به دلیل اخبار جنگ احساس بی‌ارزشی یا ناکامی کنند. این احساسات می‌توانند بر اعتمادبه‌نفس آن‌ها تأثیر منفی بگذارند.

● **کنجکاوی و ایجاد سؤال:** کودکان سؤالاتی درباره‌ی جنگ، مرگ و... طرح می‌کنند و نیاز به پاسخ‌های مناسب و سنجیده دارند.

راهکارهایی در برابر تأثیرات منفی اخبار

- **نظارت بر دسترسی به اخبار**
سعی کنید اخبار را از دید کودکان دور نگه

دارید. با صدای بلند اخبار را در خانه در حضور کودکان بازگو نکنید.

● مدل‌سازی رفتار مثبت

خودتان نیز با آرامش و مثبت‌اندیشی رفتار کنید. نحوه‌ی واکنش شما به بحران‌ها می‌تواند بر نگرش آن‌ها تأثیر بگذارد.

● گفت‌وگو با کودکان

اگر کودک شما درباره‌ی موضوع نگران‌کننده‌ای سؤالاتی دارد، به او به اندازه‌ای که نیاز دارد و در سطح درک او پاسخ دهید.

● توجه به احساسات آن‌ها

به احساسات کودکان توجه کنید و به آن‌ها اجازه دهید احساسات خود را بیان کنند تا احساسات خود را درک و مدیریت کنند.

● ایجاد حس امنیت

محیطی امن و آرام برای کودکان فراهم کنید. این شامل فعالیت‌های مثبت (بازی، نقاشی، شرکت در مراسم‌ها و...) می‌شود که به آن‌ها احساس ثبات و امنیت بدهد.

● تشویق به فعالیت‌های مثبت

برای تخلیه‌ی احساسات و کاهش فشار روانی کودکان را به فعالیت‌های خلاقانه مانند نقاشی، نوشتن داستان یا ورزش تشویق کنید.

● آموزش مهارت‌های مقابله‌ای

از مهارت‌های مقابله‌ای مانند تنفس عمیق، مراقبه یا یوگا استفاده کنید.

● بحث درباره‌ی امید و کمک

به کودکان یاد دهید در مواجهه با مشکلات، همواره راه‌هایی برای کمک وجود دارد و آینده روشن است. کودکان ممکن است علائم فشار روانی جنگ را به‌صورت رفتارهای تهاجمی، کابوس‌های شبانه، ترس از جدایی و مشکلات خواب نشان دهند. والدین باید مراقب این علائم باشند و در صورت لزوم از کمک‌های تخصصی بهره بگیرند. همچنین حمایت از سلامت روان مادران و مراقبان، به‌طور غیرمستقیم به کاهش فشار روانی و افزایش تاب‌آوری کودکان کمک می‌کند. سرمایه‌گذاری برای سلامت روان کودکان امروز، تضمین‌کننده‌ی آسایش و صلح پایدار فرداست.

پی‌نوشت

1. PTSD

منابع: ۱. سیدمحمدی، یحیی (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی روانی کودک و نوجوان. تهران: ارسباران.

۲. شریفی‌فر، سیمین تاج (۱۳۸۲). «جنبه‌های روانی جنگ در کودکان». مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۲۴۷-۲۵۰.

۳. مقدسی، محمدرضا، سرلک، طیبیه (۱۳۹۸). تاب‌آوری کودکان. تهران: ورجاوند.

4- ReliefWeb/UNICEF. Humanitarian Action for Children 2024.



کاسه‌ی هشت‌ضلعی

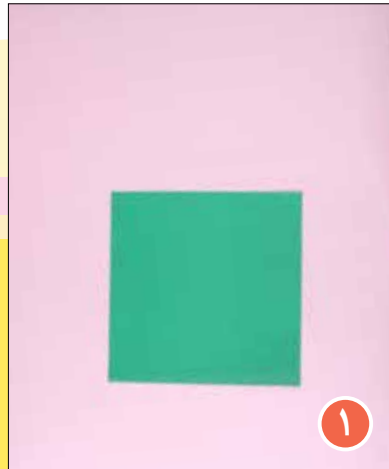
تحت لیسانس

مسجد نظنز!



۴

▲ یکی از رأس‌های کاغذ را روی مرکز قرار می‌دهیم و تا می‌زنیم.



۱

▲ برای ساخت این کاسه به یک برگ کاغذ مربع شکل نیاز داریم.



۵

▲ برای سه رأس دیگر، مرحله‌ی چهار را تکرار می‌کنیم.

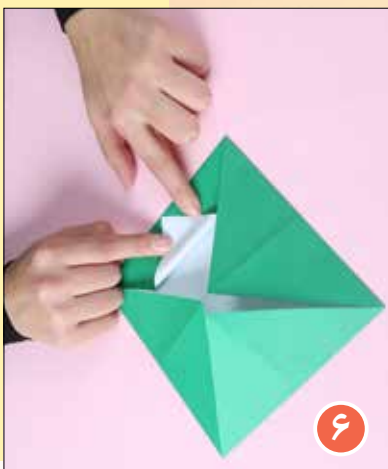
▼ شکل حاصل، یک مربع است. حالا رأس‌ها را به سمت وسط ضلع‌های مربع برمی‌گردانیم و تا می‌زنیم.



۲

▲ ابتدا کاغذ را به صورت مثلثی تا می‌کنیم و دو رأس آن را روی هم قرار می‌دهیم و خط تا را ایجاد می‌کنیم.

▼ تای کاغذ را باز می‌کنیم و مانند مرحله‌ی قبل، کاغذ را از سمت دیگر نیز تا می‌کنیم.



۶



۳

پری حاجی‌خانی
کارشناس فیزیک

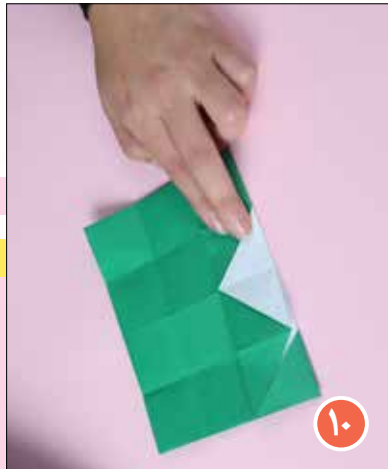


آموزش به صورت عملی و از طریق وسایل کمک آموزشی می‌تواند به تقویت درک مفاهیم کمک کند. اگر ساخت این وسایل آسان باشد و دانش‌آموزان خودشان بتوانند ابزاری بسازند و از روی آن مبحث درسی را مطالعه کنند، این روش بسیار مفیدتر خواهد بود. استفاده از وسایل ساده و در دسترس برای آموزش، نقش مهمی ایفا می‌کند. در همین راستا، استفاده از کاغذ و تار (ریگامی) برای آموزش می‌تواند راهگشا باشد؛ زیرا حین ساختن یک وسیله، مهارت‌های دست‌ورزی، تمرکز، صبر و پشتکار هم در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. از کاغذ و تایی توان برای آموزش ریاضی و هندسه بهره برد. در این شماره، قصد داریم با ساخت کاسه‌های هشت‌ضلعی، دانش‌آموزان را با شکل‌های هندسی، انواع زاویه‌های راست، تند، قائمه و تقارن آشنا کنیم. طرح این کاسه شبیه یکی از گره‌های کاشی کاری به نام «گره هشت و چهار لنگه و لوزی» است. با نشان دادن این طرح به دانش‌آموزان، می‌توانیم از آن‌ها بخواهیم که با دقت بیشتری به اطراف خود نگاه کنند و این نقش‌ها را در کاشی کاری‌ها بیابند. به عنوان مثال، آن‌ها می‌توانند این طرح را در کاشی کاری مسجد جامع نظنز مشاهده کنند.



۱۳

▲ حالا کاردستی را برمی‌گردانیم و به این شکل می‌رسیم.



۱۰

▲ این کار را برای هر چهار ضلع انجام می‌دهیم و خط تاها را مشخص می‌کنیم.



۷

▲ این تا را برای سه رأس دیگر نیز انجام می‌دهیم.



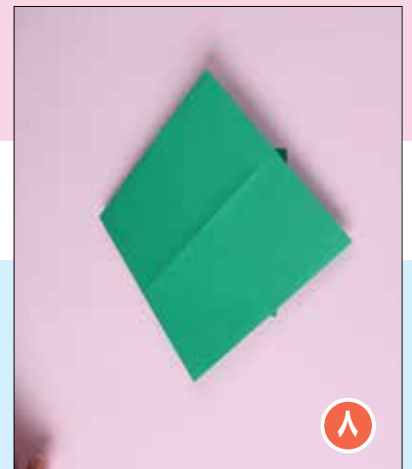
۱۴

▲ برای اینکه زاویه‌ها بهتر دیده شوند، گوشه‌ها را به سمت داخل تا می‌زنیم.
▼ گوشه‌ها را که شبیه لوزی هستند، به سمت بیرون می‌کشیم. کاردستی ما آماده است.



۱۱

▲ حالا از روی تاها، مطابق با شکل، ضلع‌ها را به سمت بالا تا می‌کنیم. گوشه‌ها را طوری روی هم قرار می‌دهیم که زاویه‌ی راست ایجاد شود.
▼ این کار را برای هر چهار طرف انجام می‌دهیم.



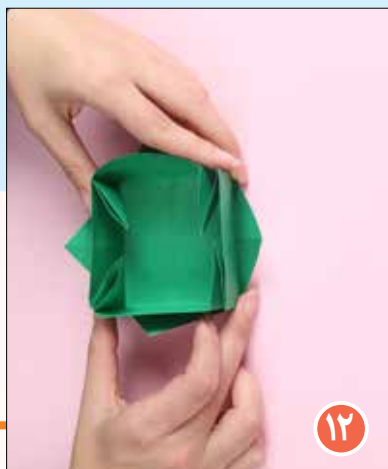
۸

▲ کاغذ را برمی‌گردانیم.

▼ ضلع‌های مربع را به اندازه‌ی ارتفاع مثلثی که در مرحله‌ی قبل روی ضلع‌ها ساخته شد، برمی‌گردانیم.



۱۵



۱۲



۹

يك كلاس، پای کار

فرایند محقق شوند، عبارت‌اند از:

۱. تقویت مسئولیت‌پذیری؛
۲. افزایش اعتمادبه‌نفس؛
۳. رشد حس تعلق به مدرسه؛
۴. تقویت هویت کلاسی از طریق ارتباط عمیق بین مربی و متریبان؛
۵. ایجاد فضای تجربه‌ی مشترک و همکاری گروهی؛
۶. تمرین فرایند انجام کار: برنامه‌ریزی، اجرای مسئولانه و جمع‌بندی.

مخاطب

دانش‌آموزان: مخاطبان اصلی این اردو دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی به بالا هستند. با توجه به محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود اولویت شرکت در این اردو با دانش‌آموزان ششمی باشد. البته بسته به شرایط، دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی نیز می‌توانند در مقیاس کوچک‌تر، این اردو را تجربه کنند.

مربی کلاس: در این برنامه همراهی مربی بسیار مهم است. لازم است مربی به برگزاری این اردو اشتیاق داشته باشد.

مدیر مدرسه: در نقش راهبر بالادستی و تفویض‌کننده‌ی کار است.

اولیا: پیشنهاد می‌شود در صورت امکان، اولیا به‌صورت داوطلبانه برنامه را همراهی کنند. خوب است که بچه‌ها گروه‌بندی شوند و هر گروه راهبری داشته باشد. برای این نقش می‌توان از اولیای علاقه‌مند دعوت به همراهی کرد.

در دین و فرهنگ ما، کار کردن همیشه امری پسندیده بوده است و نشانه‌ی رشد شخصیت و ایمان به شمار می‌آید. جامعه‌ی امروز ما برای ساختن آینده‌ای روشن، بیش از همیشه، به آدم‌های اهل کار نیاز دارد. با توجه به این نگاه و با هدف تقویت فرهنگ کار و سخت‌کوشی و ایجاد حس خوب به انجام کار نافع، اردویی درون‌مدرسه‌ای به نام «پای کار» طراحی کرده‌ایم. اردوی «پای کار» پیشنهادی برای تجربه‌ای متفاوت در مدرسه است.

در این برنامه، دانش‌آموزان به جای نشستن در کلاس، پای کار مدرسه‌ی خود می‌آیند. آن‌ها قرار است با همکاری یکدیگر، کاری واقعی و مفید برای محیط مدرسه انجام دهند؛ کاری که سودمند باشد، تنبلی را کنار بزند و طعم اثرگذاری را برای دانش‌آموزان قابل لمس کند.

هدف

هدف اصلی: تقویت فرهنگ کار و سخت‌کوشی و ایجاد حس مثبت به انجام کاری که سودمند باشد و مسئله‌ای را حل کند (کار نافع). هدف‌هایی جانبی که انتظار می‌رود در این

محمد سبحانی
کارشناس مددکاری اجتماعی و عضو
بنیاد تعلیم و تربیت برهان
حمید توانا
دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی
و عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان
مریم احمدی
کارشناسی ارشد معماری و عضو بنیاد
تعلیم و تربیت برهان
با کمک: زهرا سادات نورانی
کارشناسی علوم کامپیوتر و گرافیکست
و عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان

«فرهنگ کار در کشور باید به گونه‌ای باشد که مردم کار را عبادت بدانند و با شوق و اشتیاق، هم بر کیفیت و هم بر کمیت کار خود بیفزایند. باید کار کرد؛ چراکه با بیکاری، بی‌میلی به کار، تنبلی و وادادگی کشور به پیشرفت نخواهد رسید» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶).

مقدمه

یکی از چالش‌های مهمی که امروز در کشور ما دیده می‌شود، کم‌رنگ‌شدن فرهنگ کار و سخت‌کوشی در نسل جدید است؛ در حالی که



کاربرگ شماره ۱

فرایند

جزئیات اجرای فرایند در سه بخش «پیش‌نیاز اردو»، «پیش از روز اردو» و «روز اردو» ارائه می‌شود:

پیش‌نیاز اردو

الف) برای شروع و اجرای مؤثر این اردو، اولین و مهم‌ترین قدم جلب همراهی و موافقت مدیر مدرسه است. از آنجا که قرار است دانش‌آموزان برای حل یکی از مسئله‌های واقعی مدرسه دست به کار شوند، حضور و نقش‌آفرینی مدیر به‌عنوان راهبر اصلی ضروری است. تعریف درست مسئله، تعیین محدوده‌ی اجرا و فراهم کردن امکان عملی‌شدن کار نیازمند همراهی و حمایت مدیر است.

ب) در قدم بعدی لازم است مربی کلاس برای اجرای این برنامه همراه شود؛ چراکه نقش مربی در این فرایند، نه فقط برای اجرا بلکه برای ساختن تجربه‌ی تربیتی و ماندگار برای بچه‌ها، کلیدی است. در این اردو مربی قرار است قدم‌به‌قدم کنار بچه‌ها باشد؛ پس حضور فعال و مؤثر او ضروری است. به این منظور لازم است مدیر با مربی گفت‌وگو کند.

* علاوه بر آن، مدیر باید انگیزه‌ی همراهی و اجرای این اردو را در کارکنان مدرسه نیز ایجاد کند. از این رو، تکه‌فیلمی (کلیپی) آماده کرده‌ایم که می‌تواند در این راستا مؤثر باشد.

پیش از اردو

الف) توضیح ابتدایی و ایجاد انگیزه در بچه‌ها چند روز قبل از اردو لازم است مربی در بچه‌ها انگیزه ایجاد کند و فضای کلاس را برای تجربه‌ی متفاوت آماده سازد. با گفت‌وگوهای ساده، بچه‌ها در جریان برنامه قرار می‌گیرند. بچه‌ها باید بدانند قرار است روزی متفاوت را تجربه کنند و اثرگذار باشند؛ روزی که به‌جای درس خواندن، کاری واقعی برای مدرسه انجام دهند. مربی می‌تواند از پوستر اردو رونمایی و تکه‌فیلمی را که در اختیار دارد، برای بچه‌ها پخش کند.

ب) تعریف مسئله

مدیر مدرسه با همراهی مربی کلاس فهرستی از کارهای قابل انجام در مدرسه تهیه می‌کند؛ کارهایی که این ویژگی‌ها را داشته باشند:

۱. برای مدرسه مفید و ملموس باشند (مثل رنگ‌آمیزی دیوارها، ساماندهی کتابخانه، زیباسازی حیاط و رسیدگی به باغچه‌ها، تمیزکاری انبار و...)

۲. در یک روز انجام شوند.

۳. متناسب با سن، توان و تعداد بچه‌های کلاس باشند.

چند روز قبل از اردو مدیر این فهرست را در کلاس مطرح می‌کند و ضمن گفت‌وگویی، از بچه‌ها و مربی یاری می‌خواهد. سپس یک یا چند کار برای اجرا انتخاب می‌شود.

نکته‌های مهم

۱. در مدرسه‌های دخترانه یا پسرانه، باید به جنسیت دانش‌آموزان در انتخاب نوع کار توجه شود.

۲. مدیر می‌تواند از مسئله‌هایی استفاده کند که بچه‌ها قبلاً برشمرده بودند؛ مسئله‌هایی که به‌طور گروهی قابل اجرا نبودند یا اجازه‌ی اجرای آن داده نشده بود.

۳. در این فرایند باید برنامه‌ریزی و سازماندهی تیمی انجام شود. مربی و بچه‌ها با گفت‌وگو و مشورت گروه‌های مسئول را تشکیل می‌دهند، برخی از این گروه‌ها عبارت‌اند از:

- گروه اجرایی؛
- گروه پشتیبانی، تدارکات و هماهنگی؛
- گروه مستندسازی (عکاسی، فیلم‌برداری و تهیه‌ی گزارش از اردو)؛
- گروه پذیرایی (آماده‌سازی میان‌وعده و ناهار اردو برای همه).

هر گروه برای فعالیت خود برنامه‌ریزی زمانی و وسایل مورد نیاز را فهرست می‌کند، روش تهیه‌ی آن‌ها را مشخص می‌سازد و تقسیم کار داخلی انجام می‌دهد (کاربرگ شماره ۱ برای سهولت این بخش طراحی شده است. هر گروه کاربرگی در اختیار دارد و اعضا با مشورت یکدیگر آن را پر می‌کنند).

در ادامه، با کمک مربی زمان‌بندی کلی برنامه هماهنگ می‌شود.



کاربرگ شماره ۲

کاربرگ شماره ۱

سطح «انجام کار» به سطح «درک، تحلیل و رشد شخصی» ارتقا پیدا می‌کند. این جمع‌بندی ساده کمک می‌کند که بچه‌ها حس مفیدبودن، رشد فردی و قدرت مشارکت را عمیق‌تر لمس کنند.

چند یادآوری برای اجرای بهتر

۱. مربی فقط ناظر نباشد؛ بلکه همراه و شریک بچه‌ها در تجربه باشد.
۲. اگر برای فعالیت‌ها مهارتی لازم است، مربی پیشاپیش آماده باشد تا نقش «همراه کاربند» را ایفا کند.
۳. مربی در حین کار توجه بچه‌ها را به این دو مورد جلب کند: کیفیت کار مهم‌تر از حجم آن است و همدلی و انجام کار گروهی مهم‌ترین مهارتی است که امروز یاد می‌گیریم.
۴. عکس دسته‌جمعی گرفته و بعداً در قالب کارت پستال یا قاب به بچه‌ها داده شود یا در مدرسه نصب شود.
۵. مدیر در پایان روز از بچه‌ها تشکر و قدردانی کند.
۶. پیشنهاد می‌شود روز برگزاری اردو پنج‌شنبه باشد. اگر به دلیل محدودیت‌ها این امکان فراهم نیست و اردو در روزهای غیر تعطیل برگزار می‌شود، بهتر است آن روز کلاس‌ها تعطیل باشند تا دانش‌آموزان تمام‌وقت درگیر اردو باشند. در این صورت برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که با کلاس‌ها و زنگ‌های تفریح تداخلی نداشته باشد.

* همچنین پیشنهاد می‌شود در پایان روز اردو، کاربرگ‌ها جمع‌آوری و برای مجله ارسال شوند.

- تجربه‌ی خود را ثبت می‌کند و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:
- چه کار کردیم؟
 - چه یاد گرفتیم؟
 - چه چالشی داشتیم؟
 - چه چیزی لذت‌بخش بود؟
 - چه حسی داریم؟
 - چه پیشنهادی برای بهبود این اردو داریم؟

این مرحله بخش مهمی از فرایند یادگیری است. وقتی بچه‌ها درباره‌ی تجربه‌ی خود فکر می‌کنند، حرف می‌زنند و آن را می‌نویسند، یادگیری از



یک کلاس، پای کار

- ### نکته‌های مهم
- تعداد اعضای هر گروه متناسب با مسئولیت آن تعیین شود.
 - مربی نقش تسهیلگر را دارد و باید بچه‌ها را در مسیر برنامه‌ریزی درست و واقع‌بینانه هدایت کند.
 - برای تسهیل اجرای اردو، علاوه بر مربی که در تمام مراحل همراه بچه‌هاست، هر گروه راهبری هم می‌تواند داشته باشد. چنان که گفته شد، به این منظور می‌توان از اولیای داوطلب دعوت کرد. لازم است مربی پیش از روز اردو این افراد را شناسایی کند و در جریان کار قرار دهد.

روز اردو

۱. بهتر است روز اردو ساده و شاد آغاز شود (مثلاً موسیقی انگیزه‌بخش مناسب فضای مدرسه پخش شود).
۲. مربی و بچه‌ها کلیت برنامه را مرور کنند.
۳. هر گروه اجرای مسئولیت خود را آغاز کند.
۴. مربی به‌عنوان همراه و تسهیلگر در کل برنامه حضور داشته باشد.
۵. در مرحله‌ی آخر، بچه‌ها با همراهی مربی وسایل را جمع و اطراف را تمیز کنند.

جمع‌بندی و بازاندیشی

در پایان روز، همه‌ی گروه‌ها و مربی دور هم جمع می‌شوند. بچه‌ها درباره‌ی تجربه‌ی خود گفت‌وگو می‌کنند. هر گروه در قالب کاربرگ ۲

دستیار باهوش آموزش

چگونه هوش مصنوعی دستیار معلم می شود؟

کیوان جمشیدی

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، شاغل در آموزش و پرورش، آذربایجان غربی

کلیدواژه‌ها: مشکلات آموزشی، مشکلات یادگیری، هوش مصنوعی، دانش آموزان دوره ابتدایی

هوش مصنوعی یکی از پیشرفت‌های بزرگ فناوری در دهه‌های اخیر است که قابلیت‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون به ارمغان آورده است. حوزه‌ی آموزش و یادگیری از جمله زمینه‌هایی است که از امکانات هوش مصنوعی بهره‌مند شده است. یکی از چالش‌های بزرگ آموزش سنتی، ناتوانی در شناسایی و پاسخ‌گویی به نیازهای فردی هر دانش‌آموز است. با استفاده از هوش مصنوعی، می‌توان به‌صورت دقیق‌تری نیازها و نقاط ضعف و قوت هر دانش‌آموز را شناسایی کرد.

آموزش تعاملی یکی از روش‌های مؤثر در یادگیری است که می‌تواند با استفاده از هوش مصنوعی بهبود یابد. زمانی که دانش‌آموزان به مهارت‌های دیجیتال و توانایی‌های تفکر انتقادی تجهیز شوند، عملکردشان در دنیای نوین بهتر خواهد و برای زندگی در آینده آماده می‌شوند. در این مقاله به بررسی تأثیرات هوش مصنوعی بر کاهش مشکلات آموزشی و یادگیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌پردازیم.

مشکلات رایج آموزشی و

یادگیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

آموزش و یادگیری در این دوره یکی از مراحل مهم در فرایند تعلیم و تربیت است. با این حال، مشکلات متعددی در این زمینه وجود دارد که می‌تواند کیفیت آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد. بسیاری از دانش‌آموزان در این دوره تسلط کافی بر مهارت خواندن ندارند و با ناتوانی در تشخیص کلمات و مفاهیم پیچیده و مشکلات در استفاده از روش‌های صحیح نوشتاری مواجه هستند. مشکلاتی مانند ناتوانی در ابراز ایده‌ها به شکل منسجم، ناتوانی در سازماندهی افکار به‌طور مؤثر و دشواری‌ها در استفاده از قواعد نگارشی هم عوامل دیگری هستند که می‌توانند به کاهش عملکرد تحصیلی آن‌ها منجر شوند. برخی از بچه‌ها دچار مشکلاتی همچون کمبود آگاهی واج‌شناختی (فونولوژیکی) هستند که بر توانایی تقسیم و ترکیب صداها تأثیر می‌گذارد. در نتیجه به دشواری‌هایی در املا و دقیق منجر می‌شود. درک مطلب در خواندن یکی دیگر از چالش‌هایی است که بسیاری از دانش‌آموزان ابتدایی با آن مواجه هستند.

و یادگیری، با استفاده از هوش مصنوعی، در دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. روش تحقیق آن از نوع توصیفی تحلیلی و از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. استفاده از هوش مصنوعی در آموزش ابتدایی می‌تواند نرخ انصراف را کاهش و تعاملات مثبت دانش‌آموزان را با محتواهای آموزشی افزایش دهد. همچنین استفاده از این فناوری می‌تواند مهارت‌های اساسی را مانند خواندن و نوشتن بهبود بخشد و تسلط دانش‌آموزان را بر مفاهیم اساسی درس‌ها افزایش دهد. نتیجه‌ی این تحقیق نشان داد که هوش مصنوعی با امکانات ویژه‌ای که ارائه می‌دهد، می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند در بهبود نظام‌های آموزشی و کاهش مشکلات آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان عمل کند.

هوش مصنوعی به مطالعه و توسعه‌ی سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهایی اشاره دارد که قادرند وظایفی را انجام دهند که معمولاً نیازمند دانش انسانی و هوش طبیعی هستند. این سامانه‌ها با استفاده از الگوریتم‌ها، مدل‌های ریاضی و داده‌های جمع‌آوری شده قادرند به تحلیل داده‌ها، پیش‌بینی وضعیت‌ها، ارائه‌ی پیشنهادهای و انجام وظایفی همچون تصمیم‌گیری‌های پیچیده بپردازند. امروزه، هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از فناوری‌های پیشرفته در تمامی حوزه‌ها به‌شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق بررسی کاهش مشکلات آموزشی



مشکلات ریاضی یکی دیگر از موارد پربسامدی است که دانش‌آموزان ابتدایی با آن روبه‌رو هستند. بسیاری از این دانش‌آموزان دچار مشکلاتی همچون ناتوانی در درک مفاهیم ریاضی، تسلط نداشتن بر عملیات اساسی مانند جمع و تفریق، و دشواری در حل مسائل ریاضی هستند. هر دانش‌آموز با توجه به ویژگی‌های فردی و محیطی خود، سبک یادگیری خاصی دارد. بسیاری از مدرسه‌ها به دلیل محدودیت‌های مالی و زیرساختی، نمی‌توانند منابع آموزشی کافی و به‌روز را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. تعداد زیاد دانش‌آموزان در یک کلاس، امکان توجه و آموزش فردی معلمان را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که نیازهای خاص هر دانش‌آموز به خوبی مورد توجه قرار نگیرد. نبود ابزارها و نرم‌افزارهای آموزشی مبتنی بر فناوری می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به یادگیری شود.

در کلاس‌های چندفرهنگی، دانش‌آموزانی با پس‌زمینه‌های فرهنگی و زبانی متفاوت حضور دارند. این موضوع می‌تواند مشکلاتی در فهم مطالب و ارتباط با معلم و هم‌کلاسی‌ها را ایجاد کند. مشکلات آموزشی و یادگیری در دانش‌آموزان ابتدایی متنوع و پیچیده هستند و نیازمند توجه ویژه و راهکارهای مؤثر هستند.

هوش مصنوعی

هوش مصنوعی به شبیه‌سازی هوش انسانی در ماشین‌هایی اطلاق می‌شود که برنامه‌ریزی شده‌اند تا مثل انسان‌ها فکر کنند. هدف استفاده از هوش مصنوعی ایجاد سامانه‌هایی است که قادر به انجام وظایفی هستند که به‌طور معمول نیاز به هوش انسانی دارند، از جمله شناسایی تصویر، تشخیص گفتار، تصمیم‌گیری و ترجمه‌ی زبان و... هوش مصنوعی شامل طیف گسترده‌ای از فن‌ها و روش‌هایی است که شامل یادگیری ماشینی، پردازش زبان طبیعی، بینایی رایانه‌ای و رباتیک می‌شود.

کاربردهای هوش مصنوعی

در زمینه‌ی آموزش و یادگیری

- شخصی‌سازی کردن یادگیری بر اساس نیاز و پیشرفت هر دانش‌آموز؛
- جذابیت یادگیری و تأثیرات عمیق آن با استفاده از طراحی ربات‌ها؛
- تحلیل داده‌ها و الگوها و ارائه‌ی بهترین

نتیجه‌ها و راهکار برای رفع مشکل؛

- ارزیابی عملکرد دانش‌آموز و ارائه‌ی بازخورد متناسب با نوع مشکل.

مفاهیم پایه‌ای هوش مصنوعی

- **یادگیری ماشین^۱**: به فن‌هایی اشاره دارد که به سامانه‌ها اجازه می‌دهد از داده‌ها یاد بگیرند و عملکرد خود را بهبود بخشند، بدون اینکه به‌طور صریح برنامه‌ریزی شوند.
- **شبکه‌های عصبی مصنوعی^۲**: الهام گرفته از ساختار و عملکرد مغز انسان است.
- **پردازش زبان طبیعی^۳**: به تعامل بین رایانه‌ها و زبان انسانی می‌پردازد.
- **سامانه‌های عامل هوشمند^۴**: می‌توانند به‌طور خودکار و مستقل عمل کنند و تصمیمات مناسبی را بر اساس داده‌های ورودی و شرایط محیطی بگیرند.

ابزارهای هوش مصنوعی برای تشخیص و تحلیل مشکلات آموزشی و یادگیری

- سامانه‌های تحلیل داده‌های یادگیری؛
- سامانه‌های تطبیقی یادگیری؛
- ابزارهای تشخیص گفتار و تحلیل زبان

طبیعی با استفاده از آن‌ال‌بی؛

- سامانه‌های توصیه‌گر آموزشی؛
- الگوریتم‌های یادگیری ماشینی برای پیش‌بینی عملکرد آینده‌ی دانش‌آموز.

فن‌های یادگیری و تمرین

هوشمند

بازی‌های آموزشی

مبتنی بر هوش مصنوعی

این بازی‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به دانش‌آموزان کمک کنند تا از طریق تجربه‌ی تعاملی و جذاب، مفاهیم پیچیده را یاد بگیرند. این بازی‌ها امکان ارائه‌ی بازخورد فوری و دقیق را دارند. در حین بازی، سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند عملکرد دانش‌آموزان را به‌صورت لحظه‌ای ارزیابی کنند و بازخوردهای مناسبی را ارائه دهند. این سامانه‌ها محیط‌های یادگیری تعاملی و شبیه‌سازی‌شده ایجاد می‌کنند که در آن‌ها، دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم درسی را به‌صورت عملی و تجربی یاد بگیرند. بسیاری از این بازی‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که نیاز به همکاری و ارتباط بین بازیکنان هست.



ابزارهای تقویت حافظه و تمرین‌های هوشمند

الگوریتم‌های یادگیری ماشینی برنامه‌هایی طراحی می‌کنند که به صورت شخصی سازی شده، تمرین‌هایی را برای بهبود حافظه و یادگیری دانش‌آموزان ارائه دهند. سامانه‌های تمرین هوشمند نیز به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا به طور مؤثرتری مفاهیم را یاد بگیرند. این سامانه‌ها می‌توانند با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، تمرین‌هایی را انتخاب و تنظیم کنند که به نیازهای ویژه هر دانش‌آموز پاسخ دهند. از فناوری‌های پیشرفته مانند تحلیل داده‌ها و یادگیری ماشینی استفاده می‌شود تا دانش‌آموزان به طور بهینه‌تری از تجربه‌های آموزشی خود بهره ببرند.

نتیجه‌گیری

با استفاده از هوش مصنوعی، در آموزش دانش‌آموزان دوره ابتدایی، می‌توان به طراحی و پیاده‌سازی راهکارهایی پرداخت که به بهبود مشکلات آموزشی و یادگیری در این گروه سنی کمک کند. هوش مصنوعی فناوری نوظهوری در حوزه آموزش و پرورش است که قابلیت‌های

بسیاری برای کاهش مشکلات آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی دارد. اولین تأثیر مهم این فناوری این است که قادر است، به صورت شخصی سازی شده و تطبیقی، محتوای آموزشی را تنظیم کند. این امر به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با نرم‌افزارها و ابزارهای آموزشی بهتری ارتباط برقرار کنند. استفاده از هوش مصنوعی امکان ارائه‌ی تمرین‌های هوشمند و بازی‌های آموزشی را فراهم می‌کند. این تمرین‌ها و بازی‌ها، بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از رفتارهای یادگیری دانش‌آموزان طراحی می‌شوند تا به بهبود تمرکز، حافظه، و مهارت‌های تحلیلی آن‌ها کمک کنند. این رویکرد بر انگیزه و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی می‌افزاید و فرایند ارزیابی را برای آن‌ها بهبود می‌بخشد. با استفاده از الگوریتم‌ها و مدل‌های هوش مصنوعی، می‌توان به صورت خودکار و بدون انحرافات انسانی، عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان را ارزیابی کرد. این ارزیابی‌ها به معلمان و والدین اطلاعات دقیق‌تری درباره‌ی مهارت‌ها و نیازهای آموزشی هر دانش‌آموز ارائه می‌دهند که به بهبود برنامه‌ریزی آموزشی و تدبیرهای تحصیلی کمک می‌کند؛ لذا هوش مصنوعی چشم‌انداز مثبتی برای آینده‌ی آموزشی دانش‌آموزان دارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Machine Learning 2. Artificial Neural Networks 3. Natural Language Processing 4. Intelligent Agents

منابع

- رضایی، م. (۱۴۰۱). «پردازش زبان طبیعی و کاربردهای آن». *مجله علوم کامپیوتر و ارتباطات*. ۴۱(۴)، ۴۵-۲۰.
- حسینی، س. (۱۴۰۰). «هوش مصنوعی و ارزیابی دقیق آموزشی». *مجله تحقیقات آموزش و پرورش*. ۱۹(۱)، ۲۰-۳۵.
- سعیدی، ن. (۱۳۹۸). «نقش محیط خانوادگی در مشکلات یادگیری». *نشریه علمی پژوهشی روان‌شناسی خانواده*. ۳(۳)، ۲۰-۲۵.
- علیزاده، ج. (۱۴۰۱). «شبکه‌های عصبی مصنوعی و یادگیری عمیق». *نشریه علمی پژوهشی مهندسی کامپیوتر*. ۲۰(۲)، ۳۵-۲۰.
- علیزاده، ن. (۱۴۰۱). «محیط‌های آموزشی مجازی مبتنی بر هوش مصنوعی». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ۴(۴)، ۵۵-۴۰.
- کاظمی، ح. (۱۳۹۹). «توانایی‌های هوش مصنوعی در آموزش افراد دارای نیازهای ویژه». *نشریه علمی روان‌شناسی کودک*. ۳(۳)، ۶۵-۵۰.
- گریبی، م. (۱۴۰۰). «نقش تعاملات اجتماعی و روابط همدستان در مشکلات یادگیری». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ۴(۴)، ۷۰-۸۵.
- Anderson, C. A., & Dill, K. E. (2022). Video games and aggressive thoughts, feelings, and behavior in the laboratory and in life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(4), 772. doi:10.1037/0022-3514.78.4.772
- Beck, J. E., & Woolf, B. P. (2023). High-level perception in the testing and diagnosis component of an intelligent tutoring system. *International Journal of Artificial Intelligence in Education*, 11(2), 156-180.
- Baker, R. S. J. d., & Inventado, P. S. (2023). Educational data mining and learning analytics. In *Learning Analytics* (pp. 61-75). Springer, New York, NY.
- Drachler, H., & Greller, W. (2024). Privacy and analytics: it's a DELICATE issue a checklist to establish trusted learning analytics. In *Proceedings of the sixth international conference on learning analytics & knowledge* (pp. 89-98).
- Gee, J. P. (2024). What video games have to teach us about learning and literacy. *Computers in Entertainment (CIE)*, 1(1), 20-20. doi:10.1145/950566.950595
- Johnson, L., Adams Becker, S., Estrada, V., & Freeman, A. (2023). *NMC Horizon Report: 2015 Higher Education Edition*. Austin, Texas: The New Media Consortium.
- Kuhl, P. K., Tsao, F. M., & Liu, H. M. (2023). Foreign-language experience in infancy: Effects of short-term exposure and social interaction on phonetic learning. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 100(15), 9096-9101. doi:10.1073/pnas.1532872100
- Kiili, K. (2023). Digital game-based learning: Towards an experiential gaming model. *The Internet and Higher Education*, 8(1), 13-24. doi:10.1016/j.iheduc.2004.12.001
- Prensky, M. (2024). Digital game-based learning. *Computers in Entertainment (CIE)*, 1(1), 21-21. doi:10.1145/950566.950596
- Roberts, G., & Blakely, T. (2022). Preparing students for the future: The role of AI in primary education. *Technology, Pedagogy and Education*, 31(1), 45-60. https://doi.org/10.1080/1475939X.2022.2011678
- Ricci, F., Rokach, L., & Shapira, B. (2023). Introduction to recommender systems handbook. In *Recommender Systems Handbook* (pp. 1-35). Springer, Boston, MA.
- Shute, V. J. (2022). Focus on formative feedback. *Review of Educational Research*, 78(1), 153-189. doi:10.3102/0034654307313795
- Zhai, C. X., & Massung, S. (2023). *Text Data Management and Analysis: A Practical Introduction to Information Retrieval and Text Mining*. ACM Books.



مدرسه در گذر زمان

است که تقریباً در تمامی آثار منشور فارسی در گذشته، برای دوره‌ی درسی کودکان، اسم «دبیرستان» ذکر شده است، همان گونه که در حکایت نخستین آورده شد.

تقریباً در همه‌ی آثار منشور فارسی تا قرن هفتم، نظیر تاریخ بیهقی، «کشف‌المحجوب»، «قابوس‌نامه»، «کیمیای سعادت»، «اسرارالتوحید»، «کشف‌الاسرار»، «تذکره‌الاولیا» و بسیاری از دیوان‌ها واژه‌ی «دبیرستان» ذکر شده و نامی از «دبستان» یا «مکتب» به میان نیامده است. فقط در «لویح» از **عین‌القضات** همدانی، عبارت مکتب با معانی متفاوتی ذکر شده است. در اینجا به ذکر برخی از این آثار می‌پردازیم. در این بین اطلاعات تربیتی و آموزشی بسیار خوبی از وضعیت تحصیلی آن دوره رانیز می‌توان به دست آورد.

غزالی در کتاب کیمیای سعادت در پنج بخش از رکن مهلکات و یک بخش از رکن معاملات به این موضوع اشاره می‌کند و در همه‌ی این موضوعات نام «دبیرستان» را برای دوره‌ی درسی کودکان به کار می‌برد. در بخش یازدهم رکن مهلکات، به‌طور اختصاصی، به موضوع «پروردن ادب در کودکان» می‌پردازد. در بخش دیگر که از راه‌های رسیدن به خلق نیکو می‌گوید، به این نکته‌ی تربیتی اشاره می‌کند که کودک در ابتدا ارزش و جایگاه علم را نمی‌داند؛ بلکه باید او را با وسایل بازی ترغیب و تشویق کرد. «اگر کودک را گویند به دبیرستان شو تا به درجه‌ی ریاست رسی، او خود ریاست نداند که چه باشد. بدان کار چون رغبت کند؛ ولیکن باید گفت برو تا شبانگاه چوگان و گوی به تو دهم تا بازی کنی. بدان تا

دبیرستان بودند. اتفاق را وقت نان خوردن کودکان بود و دو کودک به نزدیک شبلی، رحمه الله علیه، نشسته بودند؛ یکی پسر منعمی بود و یکی پسر درویشی و دوزنبیل نهاده بودند. در زنبیل پسر منعم نان و حلوا بود و در زنبیل پسر درویش نان تهی...». البته به‌جز مسجد، خانه‌های علما نیز مکانی برای آموزش کودکان بود. مظاهری درباره‌ی مکتب در ایران چنین می‌نویسد: «در تمام نقاط و در تمام محلات مسکونی ایران مکتب‌خانه وجود داشت» (صدیق، ۱۳۹۱).

پایه‌ی تحصیلی

پایه‌ی آموزشی کودکان، در منابع تحقیقاتی و مقالات نگارش‌شده، «مکتب» ذکر شده است. مکتب در زمره‌ی نخستین مکان‌هایی است که برای آموزش قرآن، آموزه‌های دینی و تعلیم الفبا در حد مقدماتی و ابتدایی پدید آمد و برحسب نیاز و مقتضیات زمان، در مکان‌های متعددی مانند مسجدها، منزل‌ها، مکان‌ها و جوار مدرسه‌ها تشکیل می‌شد (شانه‌چی و طحانی، ۱۳۹۲) اما با کمی کندوکاو و جست‌وجو در آثار منظوم و منشور ادب فارسی در گذشته درمی‌یابیم آنچه برای این دوره‌ی درسی کودکان به کار می‌رفته، تنها مکتب نبوده است. در آن زمان، از واژه‌های دبیرستان و دبستان و گاهی هم مدرسه نیز استفاده می‌شد؛ اما آنچه قابل تأمل است این

عبدالرسول بهرامی‌نژاد
کارشناس ارشد تاریخ، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی،
استان هرمزگان، شهرستان میناب

در این نوشتار وضعیت آموزشی کودکان و اصطلاحات آموزشی به‌کاررفته در این آثار و نیز نحوه‌ی آموزش، شروع سن آموزش، پایه‌ی درسی، محتوا، ابزار آموزشی، وضعیت معیشتی معلمان و دیگر مسائل مربوط به حوزه‌ی آموزش و پرورش را در دیوان اشعار شاعران، از قرن سوم تا هفتم (ه. ق.)، و متون نظم و نثر فارسی در فاصله‌ی این پنج قرن بررسی شده است.

مکان آموزش

مسجد اولین آموزشگاه در اسلام، اولین مکان برای تعلیم و تربیت اسلامی و محور اصلی آموزش و پرورش قرآنی بود (درانی، ۱۳۹۱). جایگاه درس عبارت بود از شبستان و رواق مسجد. به نظر دکتر نصر، مسجد از زمان خلافت عمر بود که عنوان «مدرسه» را پیدا کرد (ملک، ۱۳۸۹). این موضوع به‌خوبی در آثار شاعران و حکایت نویسندگان گذشته منعکس شده است؛ **عنصر‌المعالی** در قرن پنجم که برای پسرش **گیلان‌شاه** کتاب ارزشمند «قابوس‌نامه» را می‌نویسد، آورده است: «حکایت شنووم که روزی شبلی، رحمه الله علیه، در مسجدی شد تا دو رکعت نماز بگذارد و زمانی برآساید. در مسجد، کودکان

به دبیرستان می‌رفت. روزی استاد او را بزده بود، چنانک نشان زخم در تن او گرفته بود. خواجه بوطاهر گریان از دبیرستان باز آمد و نشان چوب به شیخ نمود. شیخ استاد را پیغام فرستاد کی ما از ایشان مقرب‌ی و امامی برنخواهیم ساخت، چندان می‌باید کی در نماز به کار آید. گوش باز دار که ایشان نازنینان حضرت‌اند، حق تبارک و تعالی ایشان را به لطف خود پرورده است و به لطف خود آفریده. گوش دار تا هیچ عنف نکنی با ایشان. بوطاهر دبیرستان را عظیم دشمن داشتی. روزی بر لفظ مبارک شیخ برفت که هر که ما را خبر کند کی درویشان می‌آیند، هر آرزو کی خواهد از ما بدهیم و چند روز بود کی شیخ را هیچ مسافر نرسیده بود. خواجه بوطاهر چون بشنید، حالی بر بام آمد و از اطراف، تجسس آمدن درویشان می‌کرد و مترصد می‌بود. اتفاق را هم در ساعت، جمعی درویشان از جانب طوس پدید آمدند. بوطاهر خوشدل از بام فرو آمد و شیخ را گفت: ای بابا، جمعی درویشان می‌رسند! شیخ گفت: اکنون چه خواهی؟ گفت آنکه امروز به دبیرستان نروم. شیخ گفت: روا باشد. گفت و فردا نیز. گفت: مرو. گفت: این هفته نروم؟ گفت: مرو. گفت: هرگز به دبیرستان نروم. گفت: مرو؛ لکن انا فتحنا بیاموز، دیگر مرو». این نکته‌ی تربیتی خوب است مورد توجه همه‌ی معلمان عزیز قرار بگیرد که همه‌ی دانش‌آموزان به یک میزان توانایی ندارند و قرار نیست همگی دانشمند و فرزانه‌ی علم شوند. الله متعال به هر شخصی حدی از توانایی را داده است: «لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. نباید بیشتر از توان از کسی

ولیکن آنچه مباح بود نیز بنویسند تا چون وی را گویند چرا گفتی، غرضی درست فرانماید که بدان دروغ مباح بود». کتاب اسرارالتوحید که در احوالات **ابوسعید ابوالخیر** است، یکی دیگر از آثار منشور ادب فارسی است که در حکایات خود از واژه‌ی دبیرستان استفاده کرده است و در لابه‌لای حکایات آن می‌توان رد پای از آموزش را دید. در یکی از این حکایت‌ها که داستانش فرزند ابوسعید است، آمده است که فرزند ابوسعید مورد تنبیه بدنی معلم خود قرار گرفته و کلاً از درس و تحصیل گریزان و فراری شده است: «گفت از خواجه بولفتح شیخ شنیدم کی گفت پدرم خواجه بوطاهر شیخ به کودکی

کودک به حرص این بشود». این همان نکته‌ی روان‌شناسی امروزی است که گفته می‌شود کودک تفکر انتزاعی و تصویری از آینده ندارد؛ بلکه آنچه در آن حاضر می‌بینید و از آن لذت می‌برد، برایش اهمیت دارد. از نظر **ژان پیاژه**، روان‌شناس سوئیسی، تفکر انتزاعی چهارمین مرحله از رشد فکری در کودکان است که بعد از تفکر عینی (انضمامی و مادی) و از سن یازده سالگی در کودکان شکل می‌گیرد. اهمیت تحصیل و آموزش در کودکی به حدی است که غزالی گفتن دروغ برای ترغیب کودک را مباح می‌داند و می‌نویسند: «بدان که کودک را وعده‌دادن تا به دبیرستان شود، روا بود، اگرچه دروغ بود و در خبر است که آن بنویسند،



مطالب آموزشی
برنامه‌های اصلی مکتب‌ها عبارت بودند از: تعلیم الفبا، خواندن قرآن، به‌یادسپردن تمام یا بخشی از آن و نوشتن سرمشق از آیات کلام الله. رفته‌رفته برنامه‌ی مکتب‌ها توسعه یافت و آموختن حدیث و از برکردن (صدیق، ۱۳۱۹) اشعار و حکایات و فراگرفتن مقدمات صرف و نحو عربی نیز بر قرآن افزوده شد. آموزش اشعار در کنار آموزش قرآن یکی از برنامه‌های درسی بود. چنان‌که غزالی در کیمیای سعادت پدر و مادرها را از آموختن اشعاری که در وصف زنان هستند، بر حذر می‌دارد و می‌گوید: «و چون به دبیرستان دهد، قرآن بیاموزد. آنگاه به اخبار و حکایات پارسیان و سیرت صحابه و سلف مشغول کند.» آموزش حروف ابجد یکی از مهم‌ترین شیوه‌های آموزش برای روخوانی قرآن بود؛ امری که در

نظامی گنجوی، در قرن ششم، وقتی منظومه‌ی «خسرو و شیرین» را به نظم می‌آورد، کودکی خسرو را این چنین بیان می‌کند:

چو سال آمد به شش چون سرو می‌رست
رسوم شش جهت را باز می‌جست
پدر ترتیب کرد آموزگارش
که تا ضایع نگردد روزگارش
پس از نه سالگی مکتب رها کرد
حساب جنگ شیر و ازدها کرد

در کشورهای اسلامی مکتب‌خانه‌ها مختلط نبودند. مکتب‌خانه‌هایی برای پسران با معلم مرد وجود داشت اما در ایران می‌توان صراحتاً ابراز کرد که مکتب‌خانه‌هایی وجود داشتند که مختلط بودند و دختر و پسر با هم به کلاس می‌رفتند (درانی، ۱۳۹۱).

چیزی خواست و از سخت‌گیری بی‌مورد هم باید پرهیز شود.

از نثر که بگذریم، در نظم کفه‌ی ترازو به سمت مکتب و بعد دبستان سنگینی می‌کند. هر چند در نظم نیز به کرات از دبیرستان سخن به میان آمده است؛ چون این شعر ناصر خسرو، شاعر قرن ششم که به اشعار خردورزانه شهره است: مردمان چون کودکان بی‌هش‌اند وین دبیرستان علم است از حساب شغل کودک در دبیرستانش نیست جز که خواندن یا سؤال و یا جواب

و از **امیر معزی**، شاعر قرن پنجم، آمده است: تا آفرین و مدحت از برکنند شاهان چون کودکان مکتب از برکنند ابجد خوانند و یادگیرند آن شعرهای زیبا هم عالمان افضل هم فضلان اوحد

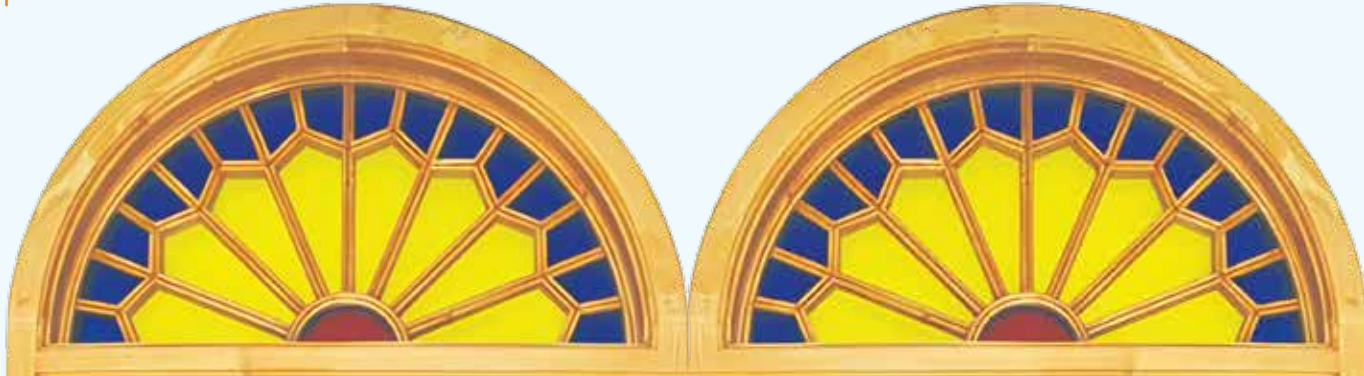
خاقانی، شاعر قصیده‌سرای قرن ششم، بیش از دیگران از واژگان و اصطلاحات آموزشی در اشعار خود استفاده کرده است:

در دبستان روزگار، مرا
روز و شب لوح آرزو به بر است
هیچ طفلی در این دبستان نیست
که ورا سوره وفا ز بر است

سن آموزش و مدرسه‌های مختلط

معمولاً سن تحصیل در مکتب بین پنج تا چهارده سال بود (ملک، ۱۳۸۹). **ابن سینا** سفارش می‌کند که تا شش سالگی، تا بتوان، نباید با میل کودک مخالفت کرد تا خشم و ترس بر او پدید نیاید. از سن شش تا چهارده بایدش به مکتب گذارد (صدیق، ۱۳۹۱).





مدرسه‌های امروزی به کلی منسوخ شده است.

مولوی می‌گوید:

گفتا ز سر یک تو باور کجا کنی تو؟

طفلی و درست ابجد، برگیر لوح و می‌خوان

ابزار آموزشی

تنها وسیله‌ی آموزشی کودکان تخته یا لوحی بود که روی آن می‌نوشتند. به نظر می‌رسد در آن زمان از زغال برای نوشتن استفاده می‌شده است: خاقانی وار تخته عمر / از ابجد گفت و گوی شستیم

یا

آوازه در افتاده به هرجا که سنایی
در مکتب او کرد همه تخته فراموش

ساعت آموزشی

با توجه به اهمیت سحرخیزی و یادگیری بهتر در اول روز، کلاس‌های درس در صبحگاه برگزار می‌شدند. این را می‌توان از این شعر مولوی به خوبی دید:

تو کی شناسی این چه معماست چون هنوز / ابجد
نخوانده‌ای به دبستان صبحگاه

و روز جمعه نیز روز تعطیلی کلاس‌ها بود که بالطبع باعث شادای و خوش حالی کودکان می‌شد؛ چون از سخت‌گیری‌ها و درس و کلاس راحت می‌شدند. **امیر خسرو دهلوی**، شاعر قرن هفتم، به خوبی به این موضوع اشاره می‌کند:

ز عهدش عامه در شادای و دستان / چنان که از
جمعه طفلان دبستان

نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب‌های تاریخ آموزش و پرورش نوشته شده در عصر حاضر، که برخی نیز جزو کتاب‌های درسی و دانشگاهی هستند، و با

منابع

* آرام، احمد، (۱۳۸۸)، کیمیای سعادت، انتشارات گنجینه

* بابایی، پرویز، (۱۳۷۵)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، انتشارات نگاه

* بدرالدین، حسین، (۱۳۷۸)، اسرار التوحید، انتشارات سنایی

* براون، ادوارد، (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سده‌ی، ترجمه‌ی فتح الله مجتبیانی، انتشارات مروارید

* حسین‌زاده شانه‌چی، غلامحسین، طحانی، آزاده، (۱۳۹۲)، مقایسه‌ی ساختار و برنامه‌های مراکز آموزشی جهان اسلام (تا پایان قرن هفتم هجری) و اروپای قرون وسطا، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ۱۴ (شماره ۴ - زمستان - مسلسل ۵۶)، ۱۵۳-۱۸۲.

* داغ، محمد، رشیدا و یمن، حفظ الرحمن، (۱۳۶۹)، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ترجمه‌ی علی‌اصغر کوشافر، انتشارات دانشگاه تبریز

* دانش‌پژوه، منوچهر، (۱۳۸۴)، دیوان رودکی، انتشارات توس

* درانی، کمال، (۱۳۹۱)، تاریخ آموزش و پرورش ایران، انتشارات سمت

* زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر

* شانه‌چی حسین‌زاده، غلامحسین، طحانی، آزاده (۱۳۹۲)، مقایسه‌ی ساختار و برنامه‌های مراکز آموزشی جهان اسلام (تا پایان قرن)

* صدیق، عیسی، (۱۳۱۹)، تاریخ مختصر آموزش و پرورش، چاپخانه شرکت طبع کتاب

* فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۹۸)، فیهماقیه، انتشارات نگاه

* فرمنش، رحیم (۱۳۲۷)، رساله‌ی لویح تصنیف عارف نامی عین‌القضات، چاپ هنر

* فیاض، علی اکبر (۲۵۳۶)، تاریخ بیهقی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

* قنبری، محمدرضا (۱۳۸۵) کلیات دیوان امیر معزی نیشابوری، انتشارات زوار

* قزوینی، میرزا محمدخان (۱۳۲۱)، تذکره‌ی الاولیا، ناشر مرکزی

* کسایی، نورالله (۱۳۶۳)، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، انتشارات امیرکبیر

* کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۴)، مثنوی معنوی، انتشارات سراب نیلوفر

* کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۵)، دیوان خاقانی، ناشر مرکز

* گنجوی، نظامی (۱۴۰۲)، خسرو و شیرین، انتشارات قطره

* ملک، حسن (ش ۱۳۸۹)، تاریخ آموزش و پرورش در ایران، انتشارات بین‌المللی المهدی

* مهدوی دامغانی، احمد، (۱۳۸۷)، رساله‌ی قشیریه، انتشارات زوار

* مرزوقی، رحمت‌الله و اناری‌نژاد، عباس، (۱۳۸۶)، درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی، <https://civilica.com/doc/۸۳۳۵۹۵>

* مینوی، مجتبی، محقق، مهدی (۱۳۵۷)، دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی

* نصر، سید حسن، (۱۳۸۴)، علم و تمدن در ایران (ترجمه، احمد آرام)، انتشارات علمی و فرهنگی

* نفیسی، سعید، (۱۳۳۴)، سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، انتشارات کتابخانه‌ی شمس

* یاسمی، رشید، (۱۳۶۲)، دیوان مسعود سعد سلمان

* یارشاطر، احسان، مدرس رضوی، محمد تقی، (۱۳۴۰)، دیوان انوری، نگاه ترجمه و نشر کتاب

* یوسفی، غلامحسین، قابوس‌نامه، انتشارات علمی و فرهنگی

پی‌نوشت

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۳۸۶

چاپخانه‌ی کوچک کلاس



● چسب کاغذی ● غلتک ● حلال یا رقیق کننده
● نفت، تینر یا بنزین) ● کاغذ باطله ● تکه‌ای پارچه.

آموزش چاپ دستی روی شیشه

گام اول: چسباندن طرح روی میز

ابتدا طرحی را که معلم از قبل تأیید و چاپ کرده است، با چسب کاغذی روی میز بچسبانید تا ثابت بماند.

گام دوم: گذاشتن شیشه روی طرح

حالا شیشه را به دقت روی طرح قرار دهید، طوری که کامل روی آن قرار گیرد. بعد با چسب کاغذی، شیشه را هم به میز بچسبانید تا هنگام کار تکان نخورد.

نکته: از اولیای محترم تقاضا شود که در صورت ارسال شیشه برای پروژه یا فعالیت‌های کلاسی، حتما لبه‌های برنده‌ی آن را با استفاده از چسب کاغذی به‌طور کامل ببوشانند تا از بروز هرگونه حادثه و آسیب دیدگی جلوگیری شود.

گام سوم: آماده کردن رنگ

مقداری رنگ چاپ یا رنگ روغن را داخل صفحه‌ی رنگ (پالت) بریزید. با کمی نفت یا تینر آن را رقیق کنید تا رنگ روان تر شود و قلم‌مو راحت تر روی شیشه حرکت کند.

گام چهارم: کشیدن طرح روی شیشه

حالا با کمک قلم‌مو، طرح روی کاغذ را که زیر شیشه است و آن را می بینید، روی سطح شیشه بکشید.

هنرمند با استفاده از ابزارهای دستی و فن‌های متنوع، طرح‌ها و نقش‌ها را بر سطح‌های گوناگون انتقال می‌دهد. این روش بر خلاف چاپ ماشینی، نیاز به ماشین‌آلات پیچیده ندارد و بیشتر بر پایه‌ی خلاقیت و فن‌های سنتی استوار است.

انواع چاپ دستی

۱. تک‌چاپ (مونوتایپ و مونوپرینت یا تکه‌چسبانی اشیاء)؛ ۲. چاپ برجسته (حکاکی روی چوب و لینولئوم)؛ ۳. چاپ با شابلون (سیلک)؛ چاپ استنسلیل یا ترفارد)؛ ۴. چاپ گود (حکاکی روی فلز)؛ ۵. چاپ مسطح.

تک‌چاپ (چاپ مونوتایپ)

در تک‌چاپ، از سطح صاف و غیرقابل تغییری (مانند شیشه، فلز یا پلاستیک) برای تولید آثار هنری استفاده می‌شود. این روش برخلاف دیگر فن‌های چاپی، تنها یک نسخه از هر طرح تولید می‌کند. در ابتدا، هنرمند طرح یا نقاشی موردنظر خود را روی سطح صاف و قابل انتقال می‌کشد. سپس با استفاده از جوهر یا رنگ، طرح را به صفحه منتقل می‌کند و فشار لازم را وارد می‌آورد تا تصویر روی کاغذ چاپ شود. نتیجه‌ی این فرایند به دلیل تصادفی بودن آن، ویژگی‌های منحصر به فرد و تکرارنشده‌ی دارد. از آنجا که این شیوه به هنرمند آزادی زیادی در ایجاد آثار هنری می‌دهد، یکی از روش‌های جذاب و پرترفدار در دنیای هنر تجسمی است.

یادگیری تک‌چاپ اهمیت زیادی دارد؛ چراکه هنرآموزها می‌توانند با این فن به‌شکلی خلاقانه و بدون محدودیت، ایده‌های خود را به تصویر بکشند. علاوه بر این، تک‌چاپ به کودک این امکان را می‌دهد که با رنگ‌ها و شکل‌های متعدد بازی کند و از این طریق به آثار خود عمق و جذابیت بیشتری بدهد. به همین دلیل، آن‌ها می‌توانند با یادگیری این فن دامنه‌ای وسیع از خلاقیت‌ها و مهارت‌های هنری خود را گسترش دهند.

ابزار و وسایل مورد نیاز

● طرح ● شیشه ● مرکب چاپ، رنگ روغن نقاشی، گواش، اکرولیک ● کاغذ، مقوا و کاغذ پوستی ● کاردک ● قلم‌مو (سرگرد یا سرتخت)؛

مریم اسدی

کارشناس ارشد گرافیک و معاون آموزشی
مدرسه‌ی ابتدایی در منطقه‌ی ۳ تهران



واژه‌ی چاپ برگرفته از کلمه‌ی «کاو» یا «چاو» به‌معنای اسکناس است. به‌طور کلی چاپ به دو صورت انجام می‌شود: چاپ دستی و چاپ ماشینی. در این مقاله، قصد داریم تنها یکی از انواع چاپ دستی را بررسی کنیم.

تکثیر تصویرها، نوشته‌ها، طرح‌ها و رنگ‌ها در تعداد مشخص و محدود توسط صفحه‌ای به نام «واسطه‌ی چاپی» (شابلون، زینک، کلیشه، قالب، باسمه و...) بر سطح چاپ‌شونده (کاغذ، پارچه، چوب و...) را که از قبل تعیین شده است، چاپ گویند. امروزه، چاپ دستی یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی محسوب می‌شود که در آن،





یا توری پلاستیکی.

توجه: وسایلی را انتخاب کنید که قابلیت جذب رنگ را داشته باشند و کمی نرم و همچنین مقاوم باشند (زیر فشار له نشوند).

گام دوم: ساختن طرح با این اشیا (کلیشه)

در این مرحله، بچه‌ها باید با کمک قیچی یا دست اشیا را به شکل‌هایی که دوست دارند، ببرند و کنار هم روی تخته‌ای صاف بچسباند، به‌صورتی که در مجموع شکل یا تصویری به ما بدهد. به این صورت هر دانش‌آموز کلیشه‌ی خود را آماده می‌کند. منظور از کلیشه قالبی است که با آن چاپ صورت می‌گیرد.

گام سوم: زدن رنگ روی کلیشه

از بچه‌ها بخواهید با کمک غلتک، اسفنج یا قلم‌مو، روی اشیایی را که چسبانده‌اند، رنگ بزنند و سعی کنند همه‌ی قسمت‌های کارشان به‌خوبی رنگی شود؛ ولی زیاد رنگ نزنند که پخش شود یا آن‌قدر کم رنگ نزنند که رنگ هنگام چاپ منتقل نشود.

گام چهارم: چاپ کردن طرح روی کاغذ

در مرحله‌ی چاپ طرح روی کاغذ، کاغذ را روی کلیشه بگذارید. بعد با دست یا با پشت قاشق روی کاغذ بکشید و فشار بدهید، به‌صورتی که مطمئن شوید طرح به کاغذ منتقل شده است. سپس کاغذ را بردارید و به اثر هنری‌ای که خلق کرده‌اید، با دقت نگاه کنید.

نکته: می‌توانید در این مرحله باز هم به چاپ خود بیفزایید؛ مثلاً با کمک ساخت مهر (سیب‌زمینی) یا رنگ‌آمیزی گلبرگ‌های گل یا ساقه‌ی گل، اثر هنری خود را زیباتر کنید.

● با استفاده از چسب کاغذی، لبه‌های کاغذ را روی میز یا شیشه ثابت کنید تا هنگام کار جابه‌جا نشود. ● در هیچ مرحله‌ای دست شما نباید به سطح کاغذ برخورد کند (برای جلوگیری از تماس دست، می‌توانید از تکیه‌گاهی چوبی استفاده کنید).

گام سوم: طراحی از پشت کاغذ

● از پشت کاغذ و با کمک ابزارهای متعدد شروع به طراحی کنید. ● ابزارهایی مثل خودکار بدون جوهر، ته قلم‌مو یا هر وسیله‌ای با نوک خاص قابل استفاده هستند.

تأثیر نوع ابزار بر اثر چاپ

● ابزار با نوک نازک و سفت: خط‌های باریک و تیره.
● ابزار با نوک نرم و ضخیم: خط‌های پهن و روشن.

گام چهارم: انتقال طرح

● می‌توانید قبل از چاپ، طرح اصلی را از پشت روی کاغذ انتقال دهید (مثلاً با مداد کمرنگ).
● سپس هنگام چاپ، فقط روی همان خطوط و سایه‌ها طراحی را انجام دهید تا طرح منتقل شود. اگر نمی‌خواهید اثری از طرح اولیه روی پشت کاغذ باقی بماند، از کاغذ پوستی برای طراحی اولیه استفاده کنید.

گام پنجم: توجه به معکوس بودن چاپ

● چاپ نهایی معکوس طرح اصلی خواهد بود (مثل تصویر در آینه). ● اگر جهت خاصی در طرح مهم است (مثل نوشته یا چهره)، حتماً آن را به‌صورت معکوس طراحی کنید.

آموزش تک‌چاپ

با استفاده از اشیای گوناگون

آیا تا حالا به اطراف خود خوب دقت کرده‌اید؟ خیلی از چیزهایی که در اطراف ما هستند، بافت‌ها و شکل‌های جالبی دارند؛ مثلاً برگ‌های درخت، پیاز، چوب، پارچه‌ها با جنس‌های متعدد گونی، توری، طناب یا نخ، توری پلاستیکی یا فلزی، اسفنج یا ابر، نایلون حباب‌دار و ...

ما می‌توانیم با کمک این چیزها کلیشه‌ی جالبی (مثل یک مهر) درست کنیم و با آن چاپ مونوپرینت بسازیم. حالا با هم مرحله‌به‌مرحله این کار را انجام می‌دهیم:

گام اول: جمع‌آوری اشیای بافت‌دار

از دانش‌آموزان خود بخواهید با نگاه جست‌وجوگرایانه و دقیقی که به دور و بر خود دارند، اشیای موردنظر را که بافت جالبی دارند، پیدا کنند؛ مثلاً یک برگ، تکه‌ای پارچه

گام پنجم: چاپ روی کاغذ

بعد از تمام‌شدن نقاشی روی شیشه، یک برگ کاغذ چاپ (کاغذ معمولی) را روی شیشه بگذارید. با کمک غلتک از پشت کاغذ فشار دهید تا رنگ از شیشه به کاغذ منتقل شود.

گام ششم: خشک‌کردن اثر هنری

آموزش چاپ با غلتک و مرکب (چاپ کاغذ)

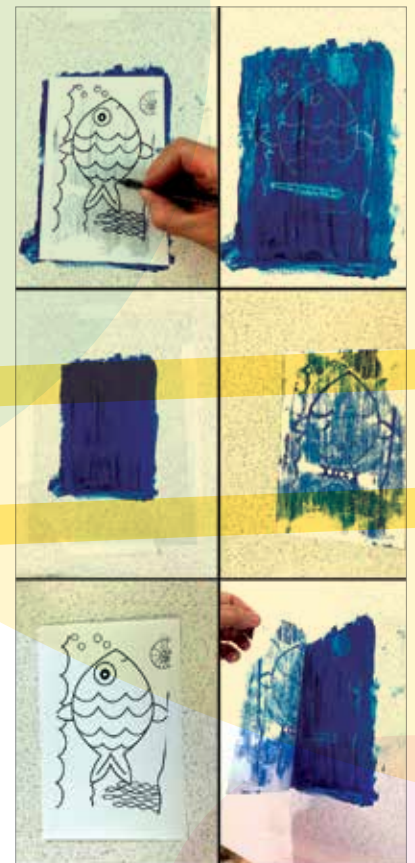
گام اول: آماده‌سازی مرکب

● مقداری مرکب چاپ را روی سطح تمیز شیشه بریزید. ● با استفاده از غلتک، مرکب را به‌صورت یکدست و نازک روی شیشه پخش کنید.

● دقت کنید محدوده‌ی پخش مرکب متناسب با اندازه‌ی طرح شما باشد و از اندازه‌ی کاغذ چاپ کوچک‌تر باشد.

گام دوم: قرار دادن کاغذ چاپ

● کاغذ چاپ را به‌آرامی روی سطح مرکب پخش‌شده قرار دهید.
● دقت کنید که کاغذ با مرکب تماس پیدا کند.



زیست‌بوم امروزی

نگاهی به کاربرد هوش مصنوعی در آموزش ابتدایی



حامد شاکریان
کارشناس ارشد تاریخ، معلم و مدرس
دانشگاه خراسان شمالی

بخش اول

زیست‌بوم جدید در پی رونمایی از فناوری‌های نو و گذر از دوران سنتی است. این تغییرات فناورانه‌ی جهان امروز را در بیشتر جوامع می‌توان دید و اثرگذاری آن‌ها نیز در عرصه‌های گوناگون از جمله در تدریس و آموزش ملموس است. عصر کنونی با معرفی هوش مصنوعی^۱، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فناوری‌های نوین، چشم‌انداز تازه‌ای را در نگاه بشری ساخته است. این فناوری در تمام عرصه‌های زندگی انسان از جمله عرصه‌ی علمی و آموزشی خود را گنجانده و جایگاه خود را نه‌تنها بین معلمان و مدرسان، بلکه بین دانشجویان و دانش‌آموزان نیز تثبیت کرده است. ابزارهای متنوعی که مبتنی بر هوش مصنوعی هستند، توانسته‌اند با معرفی و ارائه‌دادن راه‌حل‌های متنوع، بدیع و کاربردی آموزش را متحول کنند و فرایند یادگیری و یاددهی را به شیوه‌های جذاب‌تر و مؤثرتر ارتقا دهند (شاکریان، ۱۴۰۳: ۵).

تعریف پذیرفته‌شده‌ای برای هوش مصنوعی وجود ندارد؛ اما در نگاهی کلی، بر گرفته از فرهنگ لغت آکسفورد، می‌توان گفت که ظرفیت رایانه‌ها یا سایر ماشین‌ها برای نشان‌دادن یا شبیه‌سازی رفتار هوشمند تعریفی برای این فناوری است (خسروی‌خواجه‌ها، ۱۴۰۲: ۲).

توانایی هوش مصنوعی برای تشخیص الگوهای یادگیری منحصربه‌فرد دانش‌آموز و ارائه‌ی راه‌حل اختصاصی و شخصی به معلمان، به‌ویژه معلمان ابتدایی، با توجه به اهمیت آموزش پایه در این دوره‌ی تحصیلی، مدیریت کلاس را برای معلمان تسهیل می‌کند. به‌کارگیری هوش

دوران جدیدی شد و از پدیده‌های نوین آموزشی عصر جدید بهره گرفت. شیوه‌های تدریس نیز شروع به پوست‌اندازی کردند. این تغییرات امروزه تا بدانجا پیش رفته است که شاهد فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی، متاورس، واقعیت افزوده، واسطه‌های مغز و رایانه، واقعیت مجازی، چاپگرهای سه‌بعدی و اینترنت اشیا هستیم که از جمله‌ی نوآوری‌های علمی عصر جدید به شمار می‌روند.

کمبود زمان یکی از مهم‌ترین مشکلات معلمان دوره‌ی ابتدایی است. مدیریت زمان توسط معلم در کلاس درس بسیار مهم و ضروری است. در این خصوص، بهره‌گیری از هوش مصنوعی می‌تواند کمک بسیار شایانی در مسیر آموزش و تدریس به‌ویژه در حوزه‌ی بصری و تحلیل و ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان ارائه کند.

هوش مصنوعی با بهره‌گیری و استفاده از ربات‌های گوناگون به‌گونه‌ای باعث تسهیل در یادگیری، صرفه‌جویی در زمان آموزش، یادگیری مشارکتی، فراگیری برخط و رفع محدودیت مکانی شده و فراگیری را برای دانش‌آموزان راحت‌تر کرده است (سمیعی‌راد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱).

با توجه به گستردگی هوش مصنوعی در عرصه‌های گوناگون، این فناوری توانسته است ظرفیت خوبی را در حوزه‌ی آموزش ایجاد کند. یکی از آن ظرفیت‌ها در حوزه‌ی بصری است. تجزیه و تحلیل تصویر، متن، گفتار، پاسخ به سؤالات، یادگیری و استخراج، طراحی سؤال، خلاصه‌سازی محتوا، تحلیل داده‌ها، تولید تصویر، تولید ویدئو و بررسی محتوا فقط بخشی از توانمندی‌های فراینده‌ی هوش مصنوعی هستند که می‌توانند در کنار سایر ظرفیت‌های این فناوری، فرصت‌های زیادی را برای آموزش و تدریس فراهم آورند.

کمبود معلمان حرفه‌ای یکی از چالش‌های مهم در عرصه‌ی آموزش است. افزایش دانش‌آموزان و تنوع در الگوهای تدریس و افزایش کلاس‌های کوچک در این امر دخیل بوده است (ویلسون و کمپبل به نقل از شاکریان، حامد، ۱۴۰۳: ۲۵). لئو (۲۰۱۸: ۹۳) در تحقیقات خود در عین حال که به ضرورت معلمان حرفه‌ای برای مراقبت از هر دانش‌آموز اشاره دارد، به کیفیت‌های نامناسب آموزشی می‌پردازد و تأکید می‌کند که کمبود معلم حرفه‌ای در برخی از مدرسه‌ها موجب شده است تا کیفیت آموزش‌ها به چالشی جدی مبدل

مصنوعی در دوره‌ی ابتدایی به‌دلیل اهمیت بررسی فعالیت‌های دانش‌آموزان و ارزیابی فرایند یاددهی و یادگیری آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این فرایند از طریق هوش مصنوعی، با ارائه‌ی محتوای شخصی‌سازی‌شده‌ی آموزشی برای هر دانش‌آموز و انجام ارزیابی میزان پیشرفت او می‌تواند صورت گیرد که کمک شایانی به عرصه‌ی آموزش و فرایند یاددهی و یادگیری در این دوره می‌کند. ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند با ارائه‌ی محتوای مناسب، زمان ارزشمند معلمان را برای گردآوری محتوای آموزشی از منابع متفاوت کاهش دهند و فرصت تعامل مستقیم با دانش‌آموزان را بیشتر کنند.

تا پیش از روی کار آمدن رایانه‌های شخصی، فعالیت معلمان و دانش‌آموزان یا به‌صورت تلاش طبیعی یا به‌صورت مکانیکی بوده است؛ اما با معرفی ریزرایانه‌ها (میکرو کامپیوترها) و به‌طور گسترده رایانه‌های شخصی در دهه‌ی ۱۹۷۰م تحولات گسترده‌ای شکل گرفت. این رایانه‌ها زمینه‌ساز فراهم آوردن قدرت محاسباتی بیشتری شدند و انتقال به دوره‌ی الکترونیک را رقم زدند. توسعه‌ی رایانه‌های شخصی این امکان را برای افراد و سایر نهادهای غیردولتی فراهم کرد که به دلایل متعدد از رایانه استفاده کنند. این ابداع جدید و گسترش رایانه‌ها تغییرات ساختاری زیادی را در بخش‌های گوناگون مانند آموزش و اقتصاد به وجود آورد (لیجیا چن و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۵).

به‌مرور در ادامه‌ی این سیر و ظهور فناوری‌های نوین، در عرصه‌ی آموزش و تدریس نیز ساختار شکنی مهمی رخ داد و شیوه‌ها و ابزار آموزش با تحولات بسیار زیادی روبه‌رو شد. شیوه‌های سنتی چون سخنرانی دیگر اثرگذاری و جذابیتی مانند ادوار گذشته نداشتند و از کارایی آن‌ها کاسته شد. عرصه‌ی آموزش وارد

شود. برای حل اساسی این مشکل باید کیفیت تدریس را ارتقا داد و روش تدریس هدفمند را با همان معلمان محدود اجرا کرد. از سوی دیگر، بسیاری از دانش‌آموزان پایه‌ی ضعیفی دارند و نیازمند آموزش هستند. معلمان هم وقت و انرژی زیادی ندارند که به تثبیت دانش پایه‌ی دانش‌آموزان بپردازند. این محدودیت تا حدی مانع از ارتقای سطح دانش‌آموزان شده است. دیدگاه‌هایی نیز در خصوص خودیادگیری دانش‌آموزان مطرح شده که نیازمند منبع آموزشی مناسب است. وی این مسائل را از عوامل مهمی می‌داند که با بهره‌گیری از هوش مصنوعی می‌توان بر آن‌ها فائق آمد.

اهمیت هوش مصنوعی در آموزش به‌طور کلی وابسته به نحوه‌ی استفاده از آن و همچنین محیط و شرایط خاص آموزشی است. امروزه، هوش مصنوعی در بسیاری از کشورها به یکی از مهم‌ترین ارکان نظام آموزشی تبدیل شده است؛ فناوری نوینی که امکانات جدیدی را در زمینه‌ی آموزش ایجاد کرده است (ایروانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۷). معلمان می‌توانند با شناسایی صحیح امکانات و فرصت‌هایی که هوش مصنوعی فراهم می‌آورد، ضمن برنامه‌ریزی دقیق و منظم، از این فناوری برای بالابردن کیفیت آموزش و تدریس استفاده کنند و بدین طریق، فرصت‌های بهتری را برای دانش‌آموزان آماده سازند تا آن‌ها با رغبت بیشتری به هدف‌های یادگیری دست یابند.

ادامه دارد...



عکاس: احمدرضا کریمی



بی‌نوشت

1. (AI) Artificial intelligence

منابع

۱. ایروانی، محمدحسین و میر، علی و سعادت‌مند مشادی، درسا (۱۴۰۲). «مرور سیستماتیک تأثیر هوش مصنوعی بر نظام‌های آموزشی جهان». مجله‌ی پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش‌پرورش. ۶ (۶۹): ۸۷-۷۴
۲. سمعی‌راد، محمدصادق و شهرکی، ابوالفضل (۱۴۰۲). «هوش مصنوعی در آموزش با تأکید بر ریاضیات». همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش‌پرورش. تهران.
۳. شاکریان، حامد (۱۴۰۳). معرفی ابزار هوش مصنوعی برای تدریس (تجربیات معلمی با طعم آبنبات بجنوردی). بجنورد: انتشارات زبان علم.
۴. مختاری، سیدعلی محمد و رضوانی، ریحانه (۱۴۰۱). «کاربرد هوش مصنوعی در آموزش تاریخ». پژوهش در آموزش تاریخ. ۳ (۴): ۶۲-۲۳.
۵. ویلسون، کمبیل (۱۴۰۲). زندگی با هوش مصنوعی. مترجمان حمید خسروی‌خواجها، الیاس خسروی‌خواجها، بنیامین خسروی‌خواجها. بجنورد: انتشارات زبان علم.
۶. خسروی‌خواجها، حمید (۱۴۰۲). هوش مصنوعی برای همه. بجنورد: انتشارات زبان علم.

7. Luo D. (2018). Guide Teaching System Based on Artificial Intelligence Chromosome. International Journal of Emerging Technologies in Learning (iJET). 13(8):90102-

تجربه‌ی حسابی

اجرای ابتکار جدید

مبحث جمع و تفریق در کتاب ریاضی پایه‌ی اول یکی از موضوعات پایه‌ای و زیربنایی برای دانش‌آموزان است. در بحث جمع و تفریق اعداد یک رقمی، کتاب ریاضی پایه‌ی اول بیشتر تأکید بر استفاده از شکل‌های متعدد و شمارش به‌وسیله‌ی انگشتان یا چوب‌خط به‌شیوه‌ی سنتی دارد؛ شیوه‌هایی که برای دانش‌آموزان سخت و همراه با فشار روانی و درک پایین بوده‌اند. من تصمیم گرفتم ابتکاری خلاقانه و هنری و موردعلاقه‌ی دانش‌آموزان فراهم سازم. در نهایت بعد از تجزیه و تحلیل روش‌های متعدد، روش سنجش و ارزشیابی حسابی را به وجود آوردم.

با ارزشیابی تشخیصی دریافتم که دانش‌آموزان از قبل درک درستی از شمارش اعداد و جمع و تفریق دارند. برای سنجش به روش حسابی، ابتدا تصمیم گرفتم از دستگاه‌های آماده در بازار (دستگاه حساب‌درست‌کن) استفاده کنم. بعد متوجه شدم که اگر من و دانش‌آموزان خودمان دستگاه حساب‌درست‌کن را با ابزار و وسایل اولیه‌ی ساده درست کنیم، به‌صرفه‌تر خواهد بود و میزان خلاقیت و علاقه‌ی دانش‌آموزان نیز بیشتر می‌شود. سپس خودم تکه‌ای شلنگ، مقداری پودر لباس‌شویی و ظرف کوچکی را به کلاس آوردم. سپس شروع به درست کردن حساب کردم؛ مثلاً یک حساب درست کردم و به بچه‌ها گفتم: «نگاه کنید این یک حساب است، حالا یک حساب

تصمیم‌گیری کنند. فراگیرندگان نیز از وضعیت یادگیری‌شان مطلع می‌شوند. معلمان با ابتکارات جدید می‌توانند تجربه‌های برتر و موفق‌تری را در زمینه‌ی سنجش و ارزشیابی در نظام آموزشی از لحاظ دقت، صحت و سرعت برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم آورند. برخی از مؤلفه‌هایی که چنین سنجشی را محقق می‌کنند، عبارت‌اند از: عینیت، اجرای صحیح، پایش، تنوع، به‌صرفه‌بودن، فراگیری و گستردگی، مداومت، بازخوردهای آنی و آتی، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، لذت‌بخش بودن در قالب بازی و سرگرمی، مشارکت فعال معلم و شاگردان، توجه به تفاوت‌های فردی و گروهی، بهبود عملکرد و رفع نقاط ضعف، تقویت نقاط مثبت، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، وجود ابتکارات موردعلاقه‌ی بچه‌ها، استفاده از ابزارهای متعدد و متنوع آموزشی و کمک آموزشی، مشارکت و آگاهی والدین و در نهایت تحلیل نتیجه‌های سنجش و ارزشیابی.

مهدی میرزایی
کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه تهران

سنجش و ارزشیابی همواره مسئله‌ای زیربنایی و مهم برای بشریت بوده است، چنان‌که در قرآن کریم نیز آمده است: «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قطعاً ما هر چیز را به اندازه و سنجیده آفریدیم) (قمر / ۴۹). استفاده از روش‌های جدید و مبتکرانه‌ی سنجش و ارزشیابی در نظام تعلیم و تربیت پایه‌ای اولیه و ابزاری نهایی برای رسیدن به اهداف موردانتظار نظام آموزشی است. سنجش فرایندی مهم برای جست‌وجو و تفسیر شواهدی است که ضمن آن، معلمان می‌توانند در مورد اینکه بچه‌ها در چه مرحله‌ای از یادگیری هستند، نیاز دارند به کجا بروند و بهترین روش برای رسیدن به هدف موردنظر کدام است،



دیگر اضافه می‌کنیم. حالا شدند چند حباب؟ شدند دو حباب. پس بچه‌ها اگر به یک حباب، حباب دیگری اضافه شود، مجموع حباب‌ها می‌شود دو حباب. بچه‌ها، این مثالی از جمع (اضافه) اعداد است. حالا در ادامه نگاه کنید من سه حباب درست می‌کنم. بچه‌ها، خوب نگاه کنید. این سه حباب است. درسته؟ حالا من با انگشتانم دو حباب را می‌ترکانم. بچه‌ها، چند حباب باقی مانده است؟ درست است،

یک حباب باقی می‌ماند و آن دو حباب کم شدند. بچه‌ها، این مثالی از تفریق (منها) اعداد است.» به همین صورت در مورد سایر اعداد، جمع از ۱ تا عدد ۱۰ و تفریق از ۱۰ به ۰ ادامه دادم. سپس برای اجرا ارزشیابی تکوینی، از دانش‌آموزانم خواستم ابتدا به صورت فردی (با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان) برای جمع و تفریق حباب درست کنند. سپس از آن‌ها خواستم در گروه‌های خود هم این روند

را ادامه دهند و در جدول محاسبه‌ی جمع و تفریق اعداد یک رقمی که برایشان طراحی کرده‌ام، ثبت کنند.

نکته‌های اصلاحی

- از دانش‌آموزانم خواستم در درست کردن و ترکاندن حباب‌ها عجله نکنند.
- رقابت بیجا با هم نداشته باشند.
- مشارکت فعال گروهی داشته باشند و از درست کردن حباب‌ها لذت ببرند.
- همدیگر را تشویق کنند. خودم هم برای تشویق و دادن بازخورد به آنان، پس از هر عملکرد مثبت، به آن‌ها شکلات جایزه می‌دادم.

● از همه‌ی دانش‌آموزانم خواستم که هر کدام از آنان در منزل ضمن تمرین با دوستان، اطرافیان، اعضای خانواده و والدین، وسایل سنجش و ارزشیابی حبابی را درست یا فراهم کنند و همیشه در کیف خود همراه داشته باشند.

● در پایان، به منظور ارزشیابی نهایی از خود سؤالات و تمرین‌های کتاب درسی ریاضی استفاده کردم.

یافته‌ها

با اجرای تجربه‌ی حبابی که کاری ساده، کم هزینه و بدون صرف وقت زیاد و به‌شیوه‌ای فردی و گروهی بود، احساس علاقه‌مندی، لذت و شادی در دانش‌آموزان شکل گرفت. فشار روانی آن‌ها از روبه‌رو شدن با مبحث جمع و تفریق به‌طور کلی کاهش یافته بود. رقابت بیجای آنان هم به رفاقت همراه با یادگیری بهتر تبدیل شده بود. آن‌ها ضمن این ارزشیابی حبابی، موضوع درس را به‌خوبی درک کردند و کاربرد جمع و تفریق را فهمیدند. در کنار کار فردی و گروهی و ورزش و سرگرمی و فعالیت بدنی، هماهنگی سر، انگشتان، دست‌ها و چشم‌ها نیز با حباب‌بازی صورت گرفت. این بازی برای ایجاد احساس آرامش، کشیدگی عضلات دهان و سازماندهی بدن کودک در نتیجه‌ی استفاده از حس عمقی هنگام دمیدن حباب نیز مؤثر بود.



راهنمایی معلمان



یاسمن نادعلی زاده
آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی، استان
گلستان، شهرستان گرگان

بیان مسئله

زندگی انسان از روز اول در میان افراد دیگر آغاز می‌شود و از همان ابتدای حیات با آن‌ها رابطه برقرار می‌کند. همین ارتباط، تغییراتی را در رفتار او به وجود می‌آورد. معلمان یکی از افراد کلیدی هستند که نقش مهمی در پرورش نیروهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دارند و می‌توانند دانش‌آموزان را که جزئی از افراد جامعه هستند، هدایت و راهنمایی کنند تا بتوانند آینده‌ی جامعه‌ی خود را به دست

خود رقم زنند. یکی از فعالیت‌های لازم و ضروری برای معلمان آشنایی آن‌ها با فرهنگ جامعه‌ی خود است. معلمی که فرهنگ جامعه‌ی خود را بشناسد، خیلی بهتر فرهنگ این جامعه را به دانش‌آموز یاد می‌دهد تا معلمی که به فرهنگ جامعه‌اش آشنایی کامل ندارد. از هدف‌های آموزش دانش‌آموزان این است که آن‌ها بتوانند در زندگی روزمره‌ی خود تصمیم‌هایی درست و عاقلانه بگیرند و به‌طور مؤثر در زندگی اجتماعی شرکت کنند. تا زمانی که افراد جامعه مهارت‌ها و عادت‌های معینی را در خود پرورش ندهند، نمی‌توانند با موفقیت و رضایت خاطر به زندگی اجتماعی ادامه دهند. جهان و جامعه در حال تغییر و تحول و رو به پیشرفت هستند. این پیشرفت‌ها در جامعه ممکن است گاهی مفید و در موارد دیگری هم زیان‌بار باشند. با توجه به اهمیت موضوع توسعه‌ی رشد

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های جامعه تربیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان است. حال سؤال این است که مدرسه‌های ما برای تربیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و در نهایت برای تحقق هدف‌های توسعه‌گرایانه چگونه عمل می‌کنند. زمانی که مدرسه نزد جامعه مقبولیت داشته باشد، انتظارات و توقعات به‌سمت بهبود کیفیت پیش خواهد رفت و تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها به‌خاطر افزایش بهره‌وری آن یعنی تأمین نیازهای فوری و آتی جامعه مشروعیت خواهد داشت. مهندسی ارزش در آموزش و پرورش به همین منظور موضوعیت پیدا می‌کند و ملاحظات اقتصادی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی مورد توجه قرار می‌گیرند. مردم به نقش حیاتی آموزش و پرورش در جنبه‌های متعدد فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی وقوف کامل ندارند. بدین جهت کمتر نگران مشکلات آموزش و پرورش در مقایسه با سایر مسائل زندگی خود هستند و تا دادن جایگاه درخور و شایسته به آموزش و پرورش در خانواده و جامعه راه زیادی در پیش دارند. هدف مقاله بیان نقش معلمان در آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان است. این مقاله از نوع علمی مروری است و روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت توصیفی و داده‌ها هم به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و وبگاه‌های علم نت، ایران‌داک و سیویلیکا مورد استفاده قرار گرفته است. نتیجه‌ی حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که رفتار فرد به‌اعتبار اینکه موجودی زنده و اجتماعی است، قدم‌به‌قدم با رشد فردیت او تغییر می‌یابد. این رشد اجتماعی و فردی، شخصیت فرد را کامل می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

مهارت زندگی، دانش‌آموزان، معلم





نقش معلم در زندگی دانش آموزان

حضور معلم در زندگی دانش آموز می تواند روحیهی آنها را تقویت کند و آنها را به سمت ارزشمندتر شدن در زندگی هدایت کند. برای انجام کامل این وظیفه، معلم باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد:

اجتماعی دانش آموزان که آینده‌سازان کشور هستند، ما در این مقاله در پی آن هستیم که به بررسی تعریف‌ها، ضرورت و دیدگاه‌های متعدد رشد اجتماعی، عوامل رشد اجتماعی، اهداف اجتماعی آموزش و پرورش و نقش معلم در توسعه‌ی رشد اجتماعی و شیوه‌های دستیابی به توسعه‌ی رشد اجتماعی بپردازیم.

۳. راه حل بدهد: معلم باید بتواند برای مشکلات متعدد دانش آموزان راه‌حل‌های متفاوتی را ارائه دهد؛ زیرا زمانی که معلم مشکلات دانش آموزان را حل می‌کند، احساس صمیمیت بین دانش آموزان و معلم افزایش می‌یابد و پیوند واقعی و قوی میان آنها ایجاد می‌شود. به‌طور کلی، معلمان باید مهارت‌های حل مسئله را داشته باشند تا به دانش آموزان کمک کنند بر چالش‌های خود غلبه کنند.

۱. بی طرف باشد و با همه‌ی دانش آموزان یکسان رفتار کند: به این ترتیب دانش آموزان عزت خود را از دست نمی‌دهند و احساس امنیت می‌کنند.

۲. از ظرفیت هر دانش آموزان آگاه باشد: معلم باید بتواند ظرفیت دانش آموزان را از زوایای متعدد ارزیابی کند؛ مثلاً مهارت‌های هر دانش آموز، ظرفیت یادگیری دانش آموزان، سطح حافظه‌ی آنها و... را شناسایی کند و در مورد ظرفیت هر دانش آموز بیشتر بداند.

مهارت‌های زندگی چیست؟

مهارت‌های زندگی عبارت‌اند از مجموعه توانایی‌هایی که فرد را قادر می‌سازند تا با برقراری ارتباط با اجتماع و دیگران سازگاری لازم را کسب و نیازهای خود را تأمین کند. هدف برنامه‌ی مهارت‌های زندگی در این است که فرصت‌هایی را برای کودکان و نوجوانان فراهم سازد تا آنان علی‌رغم کسب توانایی‌های خواندن، نوشتن، ریاضی و... توانایی‌ها و مهارت‌هایی را برای زندگی در مدرسه کسب کنند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهند که رفتار فرد به‌اعتبار اینکه موجودی زنده و اجتماعی است، قدم‌به‌قدم با رشد فردیت او تغییر می‌یابد و این رشد اجتماعی و فردی شخصیت فرد را کامل می‌کند. از طرفی می‌دانیم که رشد اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله، خانواده، مدرسه، معلم، گروه دوستان، تلویزیون، جنسیت و نژاد و وضعیت اجتماعی اقتصادی قرار دارد. نوع و چگونگی وضعیت این مؤلفه‌ها ممکن است سبب تسریع رشد اجتماعی یا برعکس کند آن شود. از میان این عوامل متعدد، اعتقاد بر این است که معلم از جنبه‌های گوناگون و به شکل‌های متعدد تأثیرگذاری بسیار اساسی و عمیقی بر دانش آموز خودش دارد و این تأثیرگذاری می‌تواند مثبت یا منفی باشد.



عکاس: سپهرضا بهری

منابع
۱. اسدی گرمارودی، اسدالله، شریف‌زاده، علی (۱۳۹۳). دانشگاه فرهنگیان به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (واقع‌نگاری تأسیس). زیر نظر حمیدرضا حاجی بابایی. چاپ اول. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی برهان. انتشارات مدرسه.
۲. اسکایرو، میشل استغان (۱۳۹۲). نظریه‌ی برنامه‌ی درسی دیدگاه‌های معارض و مسئله‌های مداوم
۳. بهشتی، احمد (۱۳۹۸). تربیت کودک در جهان امروز. چاپ پنجم. قم: بوستان کتاب
۴. جعفری، علیرضا (۱۳۹۸). تأثیر بازی‌های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی. چاپ دوم، تهران: سمت.
۵. راهنما، اکبر (۱۳۹۹). رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان و راه‌های تقویت آن. پیوند چاپ اول. تهران: دانش‌آفرین.

دیکته‌های خط خطی

تأملی در علل ضعف دانش‌آموزان در املا نویسی

سلیمان گندوسیدان
کارشناس علوم تربیتی، آموزگار پایه‌ی دوم و پنجم ابتدایی،
استان آذربایجان غربی

مشکلات زیاد کودکان در نوشتن کلمات، نگرانی شدید والدین و معلمان را به دنبال دارد. املا بخشی از برنامه‌ی آموزشی است که در آن خلاقیت و تفکر واگرا مطرح نیست، بلکه تنها آموزش یک نمونه یا ترتیب حروف مدنظر است. بسیاری از کودکان و نوجوانان از مشکلات نادرست‌نویسی رنج می‌برند؛ اما باید در نظر داشت که تکرار نوشتن لغات غلط نوشته‌شده تنها راه‌حل این مشکل نیست. بدین منظور می‌توان رفتارهای ورودی دانش‌آموزان را برای نوشتن تقویت کرد، از جمله‌ی این رفتارها عبارت‌اند از: تقویت ادراک شنیداری و حافظه‌ی اصوات، تقویت ادراک بصری و حافظه‌ی حروف، تقویت مهارت‌های حرکتی، یا تقویت مسیرهای حسی، بینایی، شنوایی، حرکتی و لامسه. برای تقویت نارسا نویسی همچنین می‌توان از روش فرنالده استفاده کرد که از حواس گوناگونی مانند بینایی، شنوایی، لامسه و حرکتی استفاده می‌کند و ارزش آن در آموزش قواعد انطباق واج‌نویسی و توانمندی دانش‌آموز برای تشخیص بین حروف و اصوات است.

مهم‌ترین قسمت مشکلات آموزشی املا در کودکان ابتدایی که از هوش طبیعی و حتی بالاتر برخوردارند، املاهای کلمات با حروف هم‌صداست که برای درمان آن اول باید سبب‌شناسی کرد. پیش از استفاده از هر راهبردی، این بررسی‌ها ضروری است: بررسی وضعیت بینایی (اپتومتریست)، بررسی وضعیت اندام گفتاری، بررسی حافظه‌ی بینایی و ترتیب توالی در پیوند صدا، بررسی حافظه‌ی نوشتاری، بررسی انگیزه و دقت دانش‌آموز و ارزیابی مهارت‌های حرکتی ظریف او (نشستن و طرز گرفتن مداد در انگشتان و...) بعد از آن، می‌توان از راهبردهایی به این شکل استفاده کرد:

تمیز شکل از زمینه، روابط فضایی، بازشناسی راه‌های تقویت بینایی مانند نام‌بردن اشیای دیده‌شده، ساختن اشکال با موزائیک‌های رنگی، بازی با چوب کبریت، همچنین می‌توان با از بین بردن عوامل بیرونی بازدارنده و محدودکننده و استفاده از رنگ‌های مناسب در دانش‌آموز ایجاد انگیزه کرد.

دوره‌ی ابتدایی زیر بنای دوره‌های دیگر تحصیلی است. در این دوره پایه‌ی اول اساس پایه‌های



عکاس: اعظم لاریجانی



۱. گوش دادن با دقت؛
 ۲. تمرکز و توجه داشتن به گفتار گوینده (معلم)؛
 ۳. آمادگی لازم برای گذر از رونویسی (نوشتن غیرفعال) به جمله‌نویسی و انشا (نوشتن فعال).
- نکات برجسته‌ی روش آموزش املا ی فارسی
۱. توجه بیشتر به وجه آموزشی درس املا نسبت به وجه آزمون‌ی آن؛
 ۲. انعطاف‌پذیری در انتخاب تمرینات در هر جلسه‌ی املا؛
 ۳. توجه به کلمات به‌عنوان عناصر سازنده‌ی جمله‌های زبانی.

معیارهای ارزشیابی

روش آموزش املا را به این صورت هم می‌توان مرحله‌بندی کرد:

گام اول: انتخاب متن املا و نوشتن آن روی تابلو و خواندن آن؛

گام دوم: قرائت املا توسط معلم و نوشتن آن توسط دانش‌آموزان؛

گام سوم: تصحیح گروهی املاها و تهیه‌ی فهرست خطاهای املائی؛

گام چهارم: تمرینات متنوع با توجه به اولویت‌بندی اشکالات املائی استخراج شده.

نتیجه‌گیری

اگر معلمان همان‌طور که املا را جدی می‌گیرند، روش تدریس آن را نیز مطابق با روش تدریس‌های ارائه‌شده در کتاب‌های مراکز تربیت معلم تدریس کنند، به نظر می‌رسد دانش‌آموزان مشکلی در این درس نخواهند داشت. گروه‌های درسی نقش عمده‌ای را در آشنایی و یادآوری روش تدریس املا برعهده دارند. تا زمانی که دانش‌آموزان در مهارت خواندن پیشرفت نکرده‌اند، صحبت از املا و املاگفتن بی‌مفهوم خواهد بود. انتخاب معلمان پایه‌ی اول از بین معلمان فعال و پرانرژی کمک مؤثری به تقویت املا ی دانش‌آموزان می‌کند. هرچه تعداد شاگردان در کلاس، به‌خصوص پایه‌ی اول، کمتر باشد، معلم وقت بیشتری برای رسیدگی به دانش‌آموزان ضعیف‌تر خواهد داشت. کمک گرفتن از اولیا هم فقط برای تکرار و تمرین بیشتر می‌تواند در تقویت املا ی دانش‌آموز مؤثر باشد.

بیست سال سابقه‌ی تدریس) و بی‌علاقگی به تدریس در پایه‌ی اول، در انجام تمرین و تکرار هجاها در کلاس کوتاهی شده بود.

- معلم پایه‌ی اول علت اصلی ضعف آنان را غیبت‌های بیش از اندازه‌ی دانش‌آموزان ذکر کرد.
- والدین تحصیلات کمی داشتند (زیر پنجم ابتدایی) و آگاهی آن‌ها برای رسیدگی به درس فرزندشان متناسب با نیاز آن‌ها کم بود.

آموزش نوشتن پنج مرحله‌ی مجزا دارد:

۱. آموزش نوشتن غیرفعال (رونویسی)؛
 ۲. آموزش نوشتن نیمه‌فعال (املا)؛
 ۳. آموزش نوشتن فعال پایه‌ی یک (کلمه‌سازی)؛
 ۴. آموزش نوشتن فعال پایه‌ی دو (جمله‌سازی)؛
 ۵. آموزش نوشتن فعال (خلاق) (انشا و انواع آن).
- املا یعنی نوشتن مطلبی که دیگری بگوید یا بخواند. درس املا در برنامه‌ی آموزشی دوره‌ی ابتدایی این اهداف را در بر دارد:
۱. آموزش صورت صحیح نوشتاری کلمه‌ها و جمله‌های زبان فارسی؛
 ۲. تشخیص اشکالات املائی دانش‌آموزان و رفع آن‌ها؛
 ۳. تمرین آموخته‌های نوشتاری دانش‌آموزان در رونویسی.

بدیهی است با نوشتاری که با غلط‌های املائی همراه باشد، ارتباط زبانی بین افراد جامعه به‌خوبی برقرار نمی‌شود. بنابراین، لزوم توجه به این درس کاملاً روشن است. علاوه بر اهدافی که بیان شد، املا نویسی دانش‌آموزان را یاری می‌کند تا مهارت‌های خود را در این زمینه‌ها تقویت کنند:

دیگر است. هر چقدر دانش‌آموزان در این پایه بهتر آموزش ببینند، در پایه‌های دیگر راحت‌تر هستند و بالعکس. در پایه‌ی اول دو درس ریاضی و فارسی (قرائت فارسی و املا ی فارسی) کلیدی هستند و بیشترین ساعت‌های درسی به این دو درس اختصاص می‌یابد. از بین دو درس ذکر شده، درس فارسی از اهمیت دوچندانی برخوردار است، به‌طوری که بدون یادگیری درس فارسی، یادگیری درس‌های دیگر تقریباً غیرممکن است. چندین بار بود که آموزگار پایه‌ی دوم از وضعیت تحصیلی دو دانش‌آموز ابراز نگرانی می‌کرد و آنان را در حد دانش‌آموزان پایه‌ی اول هم نمی‌دانست. از نظر او، آن‌ها هیچ پیشرفت تحصیلی نداشتند. مدیر مدرسه با اولیای آن دانش‌آموزان مشورت کرد. قرار شد آنان به فرزندانشان خود کمک و همگام با معلم، درس‌ها را تکرار و تمرین کنند. بعد از گذشت یک ماه، متأسفانه پیشرفتی حاصل نشد. در جلسه‌ی شورای معلمان وضعیت این دو دانش‌آموز مورد بحث قرار گرفت. پیشنهادهایی ارائه شد. بنده مأمور رسیدگی به این دانش‌آموزان شدم. با بررسی نمرات سال گذشته‌ی آنان و مشاوره با والدین و معلم پایه‌ی دوم مطالبی را جمع‌آوری کردم. بعد از آن، با توجه به کشف علت ضعف این دانش‌آموزان در این درس، به حل مسئله پرداختیم. برخی از علت‌های ضعف دانش‌آموزان مذکور در درس املا از این قرار بود: آن‌ها بیش از دوسوم حرف‌های الفبای فارسی را نمی‌شناختند و حرف‌ها را با هم اشتباه می‌گرفتند.

● نظر به سن بالای معلم پایه‌ی اول (بیش از

منبع
تأثیر آموزش چندحسی فرالد» نویسنده: الهام زمانی بهمانی
ناشر: موسسه نشر سیرمغ آسمان آذرگان، سال چاپ ۱۴۰۰
(۳۰۲۱)

لولوی روز اول!

راهکارهای تسهیل سازگاری دانش‌آموزان پایه‌ی اول در ماه‌های نخست



خدایچه فتح‌الله
کارشناس ارشد مشاوره و مدیر مدرسه‌ی
ابتدایی در استان البرز

روند یادگیری آن‌ها را مختل می‌کند، بلکه فشار زیادی بر معلمان، معاونان و دیگر عوامل اجرایی مدرسه وارد می‌کند. این مقاله، به بررسی عوامل مؤثر بر این رفتارها در ماه نخست و ارائه‌ی راهکارهایی کاربردی بر اساس تجربه‌ی میدانی می‌پردازد.

روش تحقیق

مطالعه‌ی حاضر بر اساس روش مشاهده‌ی میدانی و مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با معلمان پایه‌ی اول، اولیای دانش‌آموزان کارکنان اجرایی مدرسه در پنج دبستان در کرج انجام شده است. نمونه شامل مجموعاً ۵۸ دانش‌آموز پایه‌ی اول در سه سال تحصیلی پیاپی بود. اطلاعات از طریق مشاهده‌ی مستقیم، مصاحبه و تحلیل گزارش‌های روزانه‌ی معلمان گردآوری شد. تحلیل کیفی داده‌ها به شیوه‌ی طبقه‌بندی موضوعی انجام شد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های میدانی نشان داد این عوامل بیشترین تأثیر را در بی‌تابی و مقاومت کودکان در ماه نخست ورود به مدرسه دارند:

۱. اضطراب جدایی: بیش از ۷۰ درصد کودکان مورد مطالعه در روزهای نخست، نشانه‌هایی از اضطراب جدایی مانند گریه، چسبیدن به والدین، امتناع از نشستن در کلاس و درخواست بازگشت به خانه را نشان دادند. **ریم کوفمن و بیاننا (۲۰۰۰)** نیز به این نوع اضطراب در کودکان دوره‌ی ابتدایی اشاره داشته‌اند؛ آنچه می‌تواند موجب ناسازگاری روانی کودک با محیط مدرسه شود.

ورود به مدرسه یکی از نقاط عطف مهم در زندگی هر کودک است. در پایه‌ی اول ابتدایی، کودکان برای نخستین بار محیطی ساختارمند و جدا از خانواده را تجربه می‌کنند؛ تجربه‌ای که می‌تواند با اضطراب، بی‌تابی و مقاومت همراه باشد. این مقاله حاصل بررسی میدانی رفتار دانش‌آموزان پایه‌ی اول در سه سال تحصیلی متوالی است که در آن، به شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌قراری دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی در ماه‌های نخست و چالش‌های پیش روی کارکنان آموزشی پرداخته شده است. همچنین با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، راهکارهایی برای کاهش تنش روانی و تسهیل روند سازگاری کودکان ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: پایه‌ی اول ابتدایی، ورود به مدرسه، اضطراب جدایی، تعامل اولیا و مدرسه، سازگاری دانش‌آموز

مقدمه

آغاز دوران تحصیل ابتدایی برای هر کودک لحظه‌ای سرنوشت‌ساز است. مدرسه برای کودک مکانی ناشناخته است که با قوانین جدید، چهره‌های تازه و انتظاراتی متفاوت از خانه همراه است. بسیاری از کودکان هنگام ورود به پایه‌ی اول ابتدایی، با واکنش‌هایی مانند گریه، امتناع از ورود به کلاس، بی‌قراری یا انزوا مواجه می‌شوند. این واکنش‌ها نه تنها

که برنامه‌های بازی، موسیقی، نقاشی و تعامل آزاد در آن‌ها جریان داشت.

تحلیل و تفسیر

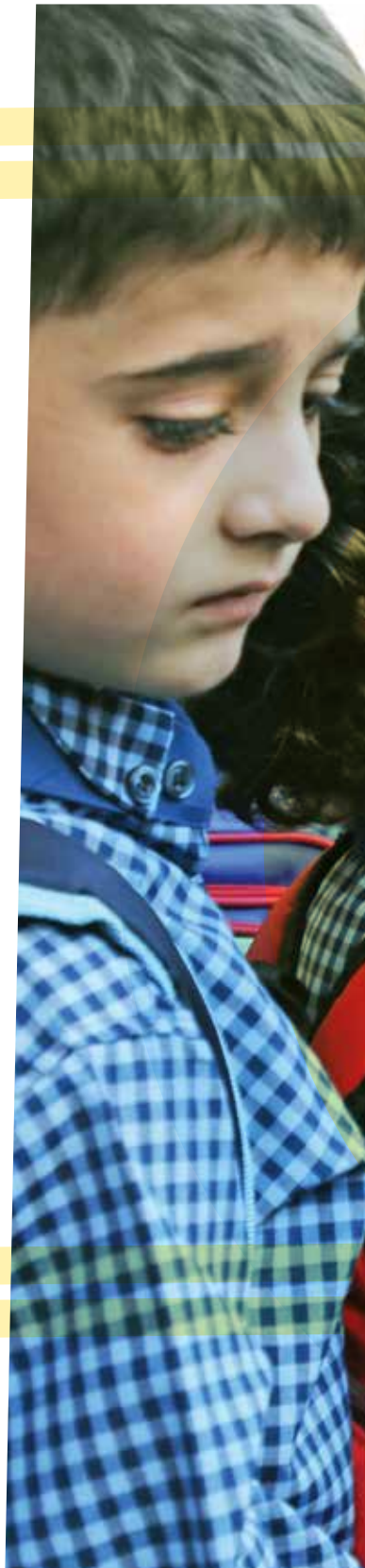
در تحلیل تطبیقی میان مدرسه‌های متعدد، مشاهده شد مدرسه‌هایی که در آغاز سال تحصیلی برنامه‌ای برای آشنایی تدریجی کودک با محیط مدرسه، معلم و هم‌کلاسی‌ها داشتند، موفق‌تر عمل کردند. حضور والدین در روزهای نخست، هرچند برای برخی مدرسه‌ها چالش‌برانگیز بود، اما در صورتی که به‌صورت محدود و برنامه‌ریزی شده انجام می‌شد، خاطر کودکان را مطمئن می‌ساخت. همچنین، آموزش ضمن خدمت معلمان پایه‌ی اول درباره‌ی روان‌شناسی کودک و مهارت‌های ارتباطی، تأثیر مثبتی بر کنترل کلاس و ایجاد فضای ایمن روانی داشت.

نتیجه‌گیری

ورود به مدرسه مرحله‌ای حساس و سرنوشت‌ساز در مسیر تحصیلی و اجتماعی کودک است. تجربه‌های میدانی این مقاله نشان داد که بخش عمده‌ای از بی‌قراری و اضطراب کودکان در ماه اول قابل پیشگیری یا کاهش است، به‌شرط آنکه مدرسه، معلم و والدین با آگاهی و همدلی در این مسیر همراهی کنند. طراحی برنامه‌های سازگاری تدریجی، استفاده از بازی و هنر، کاهش انتظارات آموزشی در هفته‌های نخست و آموزش والدین برای انتقال آرامش به کودک از مهم‌ترین توصیه‌های این مقاله است. بدیهی است که سرمایه‌گذاری در ماه اول می‌تواند پایه‌گذار سالی آرام و موفق برای دانش‌آموز و کارکنان مدرسه باشد.

منابع

1. Sroufe, L. A., Egeland, B., Carlson, E. A., & Collins, W. A. (2005). The development of the person: The Minnesota study of risk and adaptation from birth to adulthood. Guilford Press.
2. Bowlby, J. (1988). A secure base: Parent-child attachment and healthy human development. Basic Books. https://www.increaseproject.eu/.../Bowlby_%28EN-only%29_20170920_HU_final.pdf
3. Pianta, R. C., & Cox, M. J. (1999). The transition to kindergarten. Paul H. Brookes Publishing. (ERIC): <https://www.govinfo.gov/.../ERIC-ED463897.pdf>
4. Rimm-Kaufman, S. E., & Pianta, R. C. (2000). An ecological perspective on the transition to kindergarten: A theoretical framework to guide empirical research. Journal of Applied Developmental Psychology, 21(5), 491-511. [https://doi.org/10.1016/S01934-00051\(00\)3973-](https://doi.org/10.1016/S01934-00051(00)3973-)



۲. نداشتن شناخت قبلی از محیط مدرسه:

کودکانی که پیش از شروع سال تحصیلی بازدید از مدرسه نداشتند یا در برنامه‌های آماده‌سازی پیش از مدرسه شرکت نکرده بودند، رفتارهای مضطربانه و مقاوم‌تری از خود بروز دادند. **پیانتا و کوکس (۱۹۹۹)** تأکید زیادی بر اهمیت آشنایی قبلی دانش‌آموز با محیط مدرسه داشتند. آن‌ها بر این باورند که نداشتن شناخت قبلی از مدرسه می‌تواند نقش مهمی در ناتوانی روانی کودک در برقراری ارتباط با محیط مدرسه در طول سال تحصیلی داشته باشد.

۳. جو خشک و رسمی مدرسه:

مدرسه‌هایی که آغاز سال تحصیلی را با برنامه‌های خشک و رسمی مانند صف و صحبت اداری آغاز کردند، میزان بی‌قراری بیشتری مشاهده شد.

۴. انتظارات بالا از روز اول:

معلمان از همان روزهای نخست انتظار مشارکت فعال، سکوت کامل و انجام تکلیف را از بچه‌ها داشتند. این رویکرد فشار روانی زیادی بر کودک وارد می‌کند و گاه باعث انزوا یا واکنش‌های هیجانی شدید می‌شود. **اسروف و همکاران (۲۰۰۵)** به‌نوعی به این یافته‌ها اشاره‌ای داشته‌اند و قویا عوامل مدرسه را از تبعات منفی چنین اظهاراتی برحذر داشته‌اند.

۵. تأثیر اضطراب والدین:

نگران و مضطرب بودند (با چهره‌ی نگران، توصیه‌های مکرر، خداحافظی‌های طولانی)، ناخواسته اضطراب را به کودک منتقل کرده بودند. آنچه **بالبی (۱۹۸۸)** به آن اشاره داشته است نیز همسو با این یافته است.

۶. نبود فعالیت‌های بازی محور:

که در روزهای اول به‌شکل خشک و تدریس رسمی اداره می‌شدند، شاهد رفتارهای مضطربانه‌ی بیشتری بودند نسبت به کلاس‌هایی

هندوانه باران!



خاطره از یعقوب رسولی
به قلم مریم رسولی

ویژه‌های قائل بودند.

چند ماهی از حضورم در آن روستا می‌گذشت. به خاطر کوهستانی بودن منطقه، زمستان خیلی زودتر از جاهای دیگر خودنمایی می‌کرد. شب یلدا بود که به حیاط مدرسه رفتم؛ هوا حسابی سرد شده بود. وقتی سرم را بالا گرفتم، دانه‌های ریز برف را دیدم که آرام می‌چرخیدند و پایین می‌آمدند. از شدت سرما خواستم به طرف اتاقم بروم که در مدرسه زده شد.

در را باز کردم. یکی از دانش‌آموزان ریزجثه‌ام، به نام حسن، با هندوانه‌ای که به‌سختی آن را بلند کرده بود، جلوی در مدرسه ایستاده بود. احساس کردم به‌خاطر سنگینی هندوانه بسیار اذیت می‌شود. با نفس‌های بریده گفتم: «آقا، سلام. یلداتون مبارک!» سریع آن را از او گرفتم

چند ماهی بود که معلم مدرسه‌ی ابتدایی در یکی از روستاهای ملایر، به نام «پیرسواران»، شده بود. روستایی نیمه‌کوهستانی که در آن زمان، به‌خاطر سختی مسیر رفت‌وآمد، در همان‌جا بیتوته می‌کردم؛ یعنی جمعه بعد از ظهر به آنجا می‌رفتم و پنجشنبه ظهر هفته‌ی بعد به خانه بازمی‌گشتم. تمام هفته را در اتاقی کوچک در مدرسه ساکن بودم. ساکنان آنجا به شیوه‌های گوناگون مرا مورد محبت قرار می‌دادند؛ برایم غذاهای محلی می‌پختند و در زمان برداشت محصولاتشان، با آوردن میوه‌ی درختانشان به من لطف می‌کردند. در مجموع برایم احترام

و گفتم: «این رو برای چه آوردی؟» گفتم: «آقا، مادرم سلام رسوند و گفت این هندوانه را برای شما بیاورم.» گفتم: «از مادرت بسیار تشکر کن. راضی به زحمت نبودم.» خداحافظی کرد و رفت. هندوانه را به داخل اتاقم بردم و هنوز ننشسته بودم که دوباره در مدرسه زده شد. با خود گفتم: «حتما حسن می‌خواد چیزی بگه.» به جلوی در رفتم و گفتم: «بله حسن جان؟» اما این بار محمد، یکی از دانش‌آموزان خوب و درس‌خوان کلاس، با هندوانه‌ای جلوی در بود. با همان ادب همیشگی گفتم: «سلام آقا معلم. این رو پدرم برای شما فرستاده.» لیخندی زدم و گفتم: «سلام برسون و از او تشکر کن.»

هنوز هندوانه‌به‌دست در حیاط ایستاده بودم که دوباره در زده شد. این بار فاطمه، یکی دیگر از دانش‌آموزان کلاس، با هندوانه‌ای آمده بود. گفتم: «فاطمه جان! این هندوانه برای تو سنگین است. ممنون که آوردی؛ اما آن را به خانه برگردان؛ چون من دو هندوانه دارم.» فاطمه اخم‌هایش را در هم کشید و گفت: «حالا هندوانه‌ی مرا هم بگیرد تا بشود سه تا هندوانه.» برای اینکه او ناراحت نشود، هندوانه‌ی او را نیز گرفتم.

دقایقی بعد، پدر مسن یکی از دانش‌آموزان در زد و او هم هندوانه‌ای دیگر آورد. نتوانستم به پیرمرد بگویم که چند هندوانه دارم و... آن را از دست‌ان لرزانش گرفتم و به داخل بردم. تازه فهمیدم که این روستا رسمی دارد: هر دانش‌آموز در شب یلدا برای معلمش هندوانه می‌آورد، حتی اگر خودشان آن شب هندوانه نخورند.

من هفته‌ی دانش‌آموز داشتم و آن شب برایم هفته هندوانه‌ی کوچک و بزرگ آوردند. نمی‌دانستم با این همه هندوانه چه کنم؛ مگر یک نفر چقدر هندوانه می‌خورد؟! بنابراین تصمیمی گرفتم. فردا که بچه‌های مدرسه آمدند، گفتم: «بچه‌ها، امروز پنجشنبه است و من می‌خواهم برای پدرم خیرات بدهم. همه‌ی شما بعد از مدرسه بمانید تا به من کمک کنید.» بچه‌ها از اینکه می‌توانستند برایم کاری انجام دهند، بسیار خوش حال شدند.

بعد از پایان کلاس گفتم: «هر کس با اجازه‌ی مادرش از خانه یک سینی بیاورد.» چند دقیقه بعد همه با سینی‌هایشان برگشتند. هندوانه‌ها را با کمک بچه‌ها سریع قاچ کردیم و در سینی‌ها چیدیم. موقع اذان ظهر که اهالی روستا در مسجد جمع شده بودند، آن‌ها را به نیت خیرات برای نمازگزاران بردیم.





کلاس تان را جذاب کنید

معلمان خوب در کلاس خود انگیزه و علاقه را فراموش نمی کنند. هر کاری با علاقه و انگیزه ممکن خواهد شد. با همه با احترام رفتار کنید، همیشه رو بگرد و بگردن نشیند، همیشه با شنیدن، همیشه نسبت به چگونگی برخورد با دیگران آگاهی داشته باشید، تصمیمات با نظر افراد موثره موفق خواهد بود. هر یک از این رفتارها به ایجاد جوی پویا و پراگیزاننده می انجامد. اگر دو معلم بر اساس منافع دانش آموز تصمیم بگیرند هر چند که با نظرات هم موافق نباشند، هر حوی آنها کار درستی انجام داده اند چون ملاکشان انتخاب بهترین برای دانش آموز بوده است. وقتی شرایط موجود بر اساس علاقه و توجه باشد آنوقت دیگر تصمیم نادرستی وجود ندارد. افرادی که تلاش مضاعف می کنند با ارزش هستند. چالش واقعی این است که همه دانش آموزان کلاس را نسبت به تمام جزئیات کلاس علاقمند کنیم. هر گاه به این مهم رسیدیم هر چیز دیگری نیز ممکن خواهد شد.

معلمان موفق متفاوت عمل می کنند. نوشته تاد وینکر

عاشورا

حضرت فاطمه علیها السلام

تجسم نقشه‌ی جامع هویت زن در منطق اسلام است؛ مادر،
خوب، همسر خوب، مجاهد فی سبیل الله، درعین حال کدبانو،
مدیر خانه، و درعین حال عابد و بنده‌ی خدای متعال.

رهبر انقلاب اسلامی؛ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

